

# آینده پژوهی در سوئد

کد موضوعی: ۳۳۰

شماره مسلسل: ۱۵۵۱۷

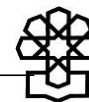
شهریورماه ۱۳۹۶

دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	بخش اول - آینده پژوهی در سوئد
۳	فصل اول - پیشینه آینده پژوهی در سوئد
۶	فصل دوم - بازیگران و مؤسسات درگیر در آینده پژوهی سوئد
۱۵	فصل سوم - وضعیت سوئد در شاخص‌های معتبر بین‌المللی و معرفی کمیسیون آینده پژوهی سوئد
۱۸	بخش دوم - مهمترین چالش‌های سوئد در آینده
۱۸	فصل اول - چالش‌های جهانی شدن و توسعه فناورانه
۲۹	فصل دوم - چالش‌های توسعه پایدار
۳۹	فصل سوم - چالش‌های توسعه جمعیتی
۴۷	فصل چهارم - چالش‌های مهاجرت و ادغام در بازار کار سوئد
۵۱	فصل پنجم - چالش دمکراسی و برابری جنسیتی
۶۲	فصل ششم - چالش‌های انسجام اجتماعی
۷۲	نتیجه‌گیری و پیشنهاد
۷۶	منابع و مأخذ
۸۰	



## آینده پژوهی در سوئد

### چکیده

مطالعات آینده پژوهی و فعالیت‌های آینده‌محور در عصر ما بسیار گسترده و متنوع شده‌اند. یکی از اصلی‌ترین مباحث مطرح شده در این خصوص، موضوعاتی است که این فعالیت‌ها و مطالعات آینده‌نگرانه بیشتر معطوف به آنهاست. موضوعاتی از قبیل آموزش و پرورش، توسعه پایدار، انرژی‌های نو، فناوری‌های نوظهور، پیشرفت‌های صنعتی، محیط زیست و ... حجم زیادی از مطالعات آینده‌نگرانه را به خود اختصاص داده است.

مطالعات آینده‌پژوهانه در سوئد درست پس از پایان جنگ جهانی دوم ظاهر شد. از دهه ۱۹۷۰ به بعد حجم مطالعات آینده‌پژوهانه در این کشور افزایش یافته و نگاه پیشروانه‌تری در پیش‌بینی چشم‌اندازهای آینده پیدا کردند. در سال ۱۹۷۱ به دستور نخست‌وزیر وقت اولوف پالم<sup>۱</sup> کارگروهی به ریاست آلوا میردال<sup>۲</sup> وزیر کشور ایجاد شد که مأموریت اصلی آن مرور جنبه‌های گوناگون مطالعات آینده‌پژوهی در سوئد و ارائه گزارش در این خصوص بود. به دنبال توصیه‌های مندرج در آن گزارش، در سال ۱۹۷۳ یک دبیرخانه موقت برای مطالعات آینده‌پژوهی در سوئد تأسیس شد. مطالعات آینده‌پژوهی در حوزه امنیت ملی و دفاعی نیز مورد توجه سوئد بوده است. در سال ۱۹۸۱ نیلز آندرن<sup>۳</sup> و تحت هدایت وزارت دفاع مطالعه آینده‌پژوهانه خوبی در حیطه دفاعی و امنیتی سوئد انجام داد.

یک رویه عادی در دولت سوئد، تشکیل «کمیسیون تحقیق و تفحص» برای انجام بررسی‌ها و مطالعات مفصل در یک موضوع خاص و دریافت یافته‌های آن برای اعمال اصلاحات و یا تغییر در قوانین کشور است. معروف‌ترین مثال در این زمینه تشکیل «کمیسیون لیندبک» در سال ۱۹۹۲ است. هدف این کمیسیون پیشنهاد یکسری قوانین اقتصادی سالم صرف‌نظر از محیط اقتصادی بود که سوئد در آینده با آن مواجه می‌شد. موفقیت کمیسیون لیندبک بسیار درخشان بود. ۱۷ مورد از مهم‌ترین توصیه‌های ارائه شده در گزارش نهایی در شکل لوایح اقتصادی متعدد از سوی دولت به پارلمان ارائه شد.

در نوامبر ۲۰۱۱ «کمیسیون آینده‌پژوهی سوئد» به دستور دفتر نخست‌وزیری تشکیل شد. وظیفه کمیسیون آینده‌پژوهی که فعالیت آن مدت یک‌سال و نیم طول کشید، تعیین چالش‌هایی بود که کشور سوئد تا سال ۲۰۵۰ احتمالاً با آنها مواجه خواهد شد. رهبران چهار حزب اصلی ریکسداگ (مجلس قانون‌گذار سوئد) با دعوت از برخی از مهم‌ترین پژوهشگران، اقتصاددانان، نمایندگان بخش‌های تجاری و

1. Olof Palme  
2. Alva Myrdal  
3. Nils Andren

جامعه مدنی به این کمیته، درصدد برآمدند که به انتخاب مسیر درست در آینده سوئد کمک کنند. دولت سوئد از کمیسیون خواسته بود که در ۶ حوزه اصلی به شناسایی مشکلات آینده سوئد بپردازد. این مشکلات عبارتند از:

۱. چالش‌های جهانی شدن و توسعه فناورانه،
۲. چالش‌های توسعه پایدار،
۳. چالش‌های توسعه جمعیتی،
۴. چالش‌های مهاجرت و ادغام در بازار کار،
۵. چالش‌های دموکراسی و برابری جنسیتی،
۶. چالش‌های انسجام اجتماعی.

گزارش پیش‌رو در ابتدا پیشینه‌ای از مطالعات آینده‌پژوهانه در سوئد و بازیگران و مؤسسات مرتبط با کار آینده‌پژوهی در آن کشور و نیز شرایط کنونی سوئد و جایگاه این کشور در برخی از شاخص‌های بین‌المللی را ارائه می‌کند. در ادامه اهم یافته‌های گزارش «کمیسیون آینده‌پژوهی سوئد» در خصوص ۶ چالش اصلی سوئد تا سال ۲۰۵۰ به صورت واقع‌بینانه و مفصل ذکر شده است. نتیجه بررسی‌ها و پیش‌بینی‌های متعدد همگی نشان می‌دهند که سوئد هم‌اکنون کشوری بسیار مناسب برای کار و زندگی کردن است. اما موفقیت در گذشته تضمینی برای موفق ماندن در آینده نیست. استمرار وضعیت مناسب کنونی در آینده سوئد مستلزم هوشیاری نسبت به چالش‌های پیش‌رو و آمادگی لازم برای مواجهه با آنهاست.

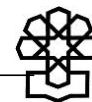
## مقدمه

تیگ دانیلسون<sup>۱</sup> کم‌دین و نویسنده شهیر سوئدی در یکی از جملات نغز خود گفته است: «اگر به گذشته نگاه نکنی و جرئت نگاه کردن به آینده را هم نداشته باشی، کلاهدت پس معرکه است».<sup>۲</sup> این عبارت درصدد تأکید بر این حقیقت است که هم نگرش تاریخی و هم تحلیل‌های آینده‌نگر در درک جایگاه کنونی سوئد عواملی که منتهی به ایجاد سوئد با مختصات کنونی آن شده است و نیز مسیری که این کشور در آینده خواهد پیمود، نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کنند.

سوئد از بسیاری جهات کشوری مناسب برای زندگی محسوب می‌شود و در شاخص‌هایی نظیر دموکراسی، آزادی مطبوعات، مبارزه با فساد، رقابت‌پذیری جهانی، نوآوری، خلاقیت، اقتصاد دانش‌محور، برابری جنسیتی، رفاه و ... در ردیف کشورهای پیشرو و سرآمد قرار دارد.

1. Tage Danielsson.

2. Commission on the Future of Sweden (2013).



اما موفق بودن در گذشته تضمینی برای موفق ماندن در آینده نیست. سوئد و دیگر کشورهای جهان در سال‌ها و دهه‌های آینده با چالش‌هایی اساسی در برخی از حوزه‌ها مواجه خواهند شد. سوئد برای اینکه بتواند در آینده همچنان موفق بماند و به کشور ایدئال‌تری برای کار و زندگی تبدیل شود به ناچار باید بتواند برخی از الزامات این مهم را برآورده کند. از جمله مهمترین این الزامات تحلیل فعال و هوشمندانه فرآیندهای تغییر و برآورد صحیح و واقع‌بینانه از چالش‌های فراروی این کشور در آینده است. در نهایت اینکه در مسیر مواجهه و مدیریت این چالش‌ها در آینده، بدیهی انگاشتن موفقیت، کاستن از تلاش روزافزون و مستمر و گول جایگاه مناسب کنونی کشور را خوردن نباید گزینه روی میز مسئولان، سیاستگذاران و مردم باشد.

## بخش اول - آینده پژوهی در سوئد

### فصل اول - پیشینه آینده پژوهی در سوئد

در سوئد مانند بیشتر کشورهای جهان بسیاری از روندها در باز تعریف جایگاه و نقش دولت سهیم هستند. تقریباً در بیشتر کشورهای دنیا دولت به مثابه یک مدیر جای خود را به دولت به‌عنوان یک تضمینگر، تسهیل‌کننده، مقررکننده و هماهنگ‌کننده داده است. با این حال دولت به‌رغم برداشتهای جدید از وظایف آن، کماکان باید وظایف اصلی خود یعنی جهت‌دهی و مدیریت جامعه را به نحو احسن ایفا کند. از این‌رو هشیاری در خصوص آینده و اتکا به بحث و بررسی‌های مرتبط با اتفاق‌های پیش‌رو نه فقط در مقام کشف آنها (پیش‌بینی و مطالعات آینده‌نگری)، بلکه به‌عنوان آینده‌ای که باید ساخته شود (تخمین‌ها و برنامه‌ها) دو چندان می‌شود. برای ساختن و پرداختن آن آینده‌های محتمل، دولت‌ها از طیف گسترده‌ای از مطالعات انجام شده توسط نهادهای دولتی و یا خدمات‌دهندگان اطلاعاتی بخش خصوصی بهره می‌برند.

مطالعات آینده‌پژوهی و فعالیت‌های آینده‌محور در عصر ما بسیار گسترده و متنوع شده‌اند. یکی از اصلی‌ترین مباحث مطرح شده در این خصوص، موضوعاتی است که این فعالیت‌ها و مطالعات آینده‌نگرانه بیشتر معطوف به آنهاست. موضوعاتی از قبیل آموزش و پرورش، توسعه پایدار، انرژی‌های نو، فناوری‌های نوظهور، پیشرفت‌های صنعتی، محیط زیست و ... حجم زیادی از مطالعات آینده‌نگرانه را به خود اختصاص داده است. کشورهای مختلف دنیا چه اولویت‌های بخشی برای این مطالعات در نظر گرفته‌اند و به چه دلیل؟ چه موانع و چالش‌های ساختاری فرا روی سطوح مختلف حکومتمداری (محلی، کشوری و ...) برای فراهم آوردن فضای مناسب برای بحث و تبادل نظر پیرامون اهداف آینده‌نگرانه و نیل به آنها وجود دارد؟ چه بحث‌هایی مطرح می‌شوند و با کدام فکت‌ها پشتیبانی می‌شوند؟ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در اولویت‌ها و سبک و سیاق بحث‌های ملی کشورهای مختلف با یکدیگر وجود

دارد؟

در بسیاری از کشورها از دهه ۱۹۷۰ به بعد جایگاه دولت‌ها در جهت‌گیری ملی اهداف اقتصادی و اجتماعی کمرنگ‌تر شده است. مطالعات آینده‌نگرانه نیز با این جهت‌گیری جدید دولت‌ها مقارن گشت و اگرچه بسیار متنوع بوده، ولی در عین حال بسیار معطوف به مطالعات بخشی شده است. نخستین خانواده از مطالعات آینده‌نگری به آینده سیاسی، اداری و تنظیم‌گری نظام‌ها می‌پرداخت. پنج چالش اصلی آینده که در این زمینه در ادامه هویدا شدند عبارت بودند از:

- نوسازی اداره بخش عمومی،
- تمرکززدایی از نظام‌های سیاسی،
- قابلیت حکمروایی دموکراسی‌ها و مقررات‌های جدید برای نظام‌های سیاسی،
- اروپا و آینده‌های محتمل آن،
- نظم نوین جهانی<sup>۱</sup>.

سوئد کشوری است در شمال اروپا در شبه‌جزیره اسکاندیناوی که از غرب با کشور نروژ، از شمال شرق با کشور فنلاند، از جنوب شرقی با دریای بالتیک و از جنوب غربی با کشور دانمارک همسایه است. نظام حکومتی سوئد پادشاهی مشروطه است و دولت به شکل پارلمانی اداره می‌شود. پادشاه در این کشور مقامی تشریفاتی است و نخست‌وزیر مسئول اداره امور کشور است. سوئد حدوداً ۱۰ وزارتخانه دارد که کل کارمندان آن وزارتخانه‌ها از ۴۵۰۰ نفر تجاوز نمی‌کند. همچنین تعداد زیادی از نهادهای کوچک همانند کمیته‌ها، کمیسیون‌ها، شوراهای هیئت‌های نمایندگی، نهادهای پژوهشی، نهادهای فرهنگی و ... در سوئد وجود دارند که مستقیماً به دولت گزارش می‌دهند<sup>۲</sup>. این نهادها مستقل بوده، اما در اسناد و مقررات تأسیس خود تابع قوانین دولتی هستند.

چهل سال پیش وضعیت سوئد از بسیاری از جهات با سوئدی که هم‌اکنون می‌بینیم تفاوت داشت. در سال ۱۹۷۰ تلویزیون ملی سوئد شروع به پخش برنامه‌هایش به صورت رنگی کرد و در همان سال مجلس نمایندگان سوئد (ریکسراگ)<sup>۳</sup> لایحه‌ای را تصویب کرد که به موجب آن ساعات کار کارمندان به ۴۰ ساعت در هفته تقلیل یافت. در آن سال‌ها آزادی حق انتخاب نوع مدارس برای فرزندان تنها در اختیار گروه معدودی از متنفذین و قدرتمندان بود و ارائه‌دهنده انحصاری تلفن در کشور، شرکت دولتی «تلورکت»<sup>۴</sup> بود.

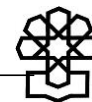
در سال‌های پس از آن، دولت سوئد سن بلوغ قانونی را از ۲۰ به ۱۸ سال کاهش داد، ممنوعیت

1. Heralut, 2006.

2. Paillard, 2006.

۳. ریکسداگ (سوئدی: Riksdagen یا Sveriges Riksdag) نهاد قانونگذاری ملی و عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری سوئد است. از سال ۱۹۷۱ تاکنون ریکسداگ تابع سیستم تک‌مجلسی است و از ۳۴۹ نماینده (سوئدی: Riksdagsledamöter) تشکیل شده است. نماینده‌ها به صورت تناسبی انتخاب می‌شوند.

4. Televerket



«مجازات فیزیکی»<sup>۱</sup> را وضع کرد، طرح‌های امتیازی والدین را برای اعمال اصلاحات در وضعیت کار والدین در ادارات و منزل معرفی کرد.

اتفاقات آن دوره اکنون به یک خاطره دور در اذهان همه بدل شده است. سوئد و جهان تغییرات شگرفی را به‌ویژه در رابطه با مسائلی مانند رشد جمعیت، فناوری، جهانی شدن، رفاه، آزادی در انتخاب، ارتباطات و گرایش‌های مختلف نسبت به محیط زیست تجربه کرده‌اند. چهل سال بعد چه تغییراتی اتفاق خواهد افتاد؟ کشور سوئد و فرزندان نسل‌های تازه متولد شده در سال ۲۰۵۰ چگونه خواهند بود و زیست؟ جامعه سوئد با چه چالش‌هایی در آینده مواجه خواهد شد؟ چه فرآیندهایی جامعه سوئد و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

مطالعات آینده‌پژوهانه در سوئد در ست پس از پایان جنگ جهانی دوم ظاهر شد. این مطالعات را آژانس‌های بخشی مانند «انجمن سوئدی برنامه‌ریزی شهری و کشوری»<sup>۲</sup> انجام داد که در سال ۱۹۴۷ تأسیس شد. دولت سوئد در ابتدا مجذوب بحث‌های عمومی درباره مطالعات آینده‌پژوهانه شد، ولی به دلیل وقوع تغییرات سریع در وضعیتی تکنولوژیکی و ربط سیاسی آن با برنامه‌ریزی اجتماعی، از ایده تأسیس سازمانی مجزا برای اجرای پژوهش‌های آینده‌نگرانه استقبال نکرد. از دهه ۱۹۷۰ به بعد حجم این مطالعات افزایش یافته و نگاه پیشروانه‌تری در پیش‌بینی چشم‌اندازهای آینده پیدا کردند. در سال ۱۹۷۱ به دستور نخست‌وزیر وقت اولوف پالم کارگروهی به ریاست آلو میردال وزیر کشور ایجاد شد که مأموریت اصلی آن مرور جنبه‌های گوناگون مطالعات آینده‌پژوهی در سوئد و ارائه گزارش در این باره بود. در تابستان ۱۹۷۲ نتایج مطالعات این کارگروه تحت عنوان «انتخاب آینده»<sup>۳</sup> منتشر شد. به دنبال توصیه‌های مندرج در آن گزارش، در سال ۱۹۷۳ یک دبیرخانه موقت برای مطالعات آینده‌پژوهی تأسیس شد. دبیرخانه به لحاظ اداری وابسته به دفتر کابینه نخست‌وزیری بود.<sup>۴</sup> دو وظیفه اصلی این دبیرخانه یکی ارائه مطالعات آینده‌پژوهی و دیگر اسناد مشابه به دولت برای برانگیختن و ارائه سناریوها و جایگزین‌های احتمالی در فرآیند تصمیم‌گیری، دیگری تشویق به مشارکت عمومی در بحث‌های مرتبط با توسعه جامعه در آینده و انجام مطالعاتی برای نیل به این منظور بود.

سوئد به مطالعات آینده‌پژوهی در حوزه امنیت ملی و دفاعی توجه دارد. این یک حقیقت پذیرفته شده است که چون سوئد کشوری کوچک با جمعیت نسبتاً کم است در نتیجه محیط دفاعی و امنیتی بین‌المللی شاید تأثیر زیادی از تلاش‌های سوئد برای تغییر و یا حفظ موازنه قدرت در سطح جهانی نپذیرد. اما سوئد باید همه تلاش خود را برای اجتناب از تأثیرات مخرب کشمکش‌های جهانی و یا حتی‌الامکان کاهش آن آثار به کار گیرد. مطالعه آینده‌پژوهانه خوبی در حیطه دفاعی و امنیتی سوئد در

- 
1. Corporal Punishment
  2. The Swedish Society for Town and Country Planning
  3. To Choose a Future
  4. FUTURES, February 1975.

سال ۱۹۸۱ را نیلز آندرن و تحت هدایت وزارت دفاع انجام داد. هدف آن مطالعه از یک سو جمع‌آوری و ساختاردهی منابع و اطلاعات موجود در سیستم دفاعی و امنیتی سوئد با نگاهی به توسعه نظام بین‌الملل در آینده و از سوی دیگر بررسی مشکلات مرتبط با این حوزه‌ها و احياناً ارائه راهکارهایی برای مقابله با مشکلات و چالش‌ها بود.<sup>۱</sup>

### کمیسیون لیندبک در آینده سوئد<sup>۲</sup>

در دسامبر ۱۹۹۲ و در بحبوحه بحران اقتصادی کمر شکن و بی سابقه در سوئد، دولت این کشور از «عسار لیندبک» یکی از معروف‌ترین اقتصاددانان خود دعوت کرد تا ریاست کمیسیون تحقیق و تفحصی را برعهده بگیرد که رسالت اصلی آن ریشه‌یابی دلایل وقوع بحران اقتصادی و یافتن راهکارهایی برای حل این معضل بود. اعضای کمیسیون هفت نفره متشکل از یک جامعه‌شناس، یک تحلیلگر سیاسی و پنج اقتصاددان بود که همگی توسط لیندبک انتخاب شده بودند. اساس این مطالعه بر مبنای بررسی‌های عمیق و مصاحبه‌هایی با متخصصان و صاحب‌نظرانی از احزاب سیاسی مختلف، اتحادیه‌ها و سازمان‌های دولتی بود. نتایج این پژوهش سه ماه بعد با عنوان «متحول کردن سوئد»<sup>۳</sup> منتشر شد. روش استفاده شده در «کمیسیون لیندبک»، تحلیل و جمع‌بندی آرای مختلف و تشخیص و انتخاب بهترین توصیه‌ها و راهکارهای ارائه شده بود. هدف آن، پیشنهاد یکسری قوانین اقتصادی سالم صرف‌نظر از محیط اقتصادی بود که سوئد در آینده با آن مواجه می‌شد.<sup>۴</sup>

موفقیت کمیسیون لیندبک بسیار درخشان بود. ۱۷ مورد از مهمترین توصیه‌های ارائه شده در گزارش نهایی در شکل لوایح اقتصادی متعدد از سوی دولت به پارلمان ارائه شد. در کنفرانس مطبوعاتی که پیش از منتشر شدن نتایج نهایی کمیسیون لیندبک برگزار شد، بیش از یکصد خبرنگار و گزارشگر از مطبوعات و رادیو و تلویزیون حضور داشتند و رسانه‌های مختلف برای چند هفته متوالی مشغول تجزیه و تحلیل نتایج گزارش و ارائه آن به مردم بودند.

### فصل دوم - بازیگران و مؤسسات درگیر در آینده پژوهی سوئد

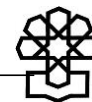
عمده آثار مرتبط با آینده‌پژوهی در سوئد در سطح مرکزی انجام می‌گیرد، اما مطالعاتی نیز در سطوح منطقه‌ای و شهرداری‌ها در این کشور انجام می‌شود. وجه مشخصه این پروژه‌ها مشارکت بخش خصوصی و دولتی در اجرای آن است همچنین بیشتر شرکت‌های بزرگ دپارتمان فعالی در حیطه مطالعات آینده‌پژوهی دارند.

1. Nils Andren, 1981.

2. The Lindbeck Commission on the Future of Sweden

3. Turning Sweden Around

4. Paillard, 2006.



بازیگران پرتعداد و متنوعی در مطالعات آینده‌پژوهی سوئد درگیر بوده و به‌صورت تعاملی با یکدیگر کار می‌کنند. یکی از مهمترین بازیگران حیطه آینده‌پژوهی - در سطح ملی - نهادهای نزدیک به مراکز قدرت و تصمیم‌گیری است.

بخش‌های مرتبط با برنامه‌ریزی و چشم‌انداز در برخی از وزارتخانه‌ها و آژانس‌های دولتی که مسئول ارائه مشاوره به مقامات در یک حوزه تخصصی هستند معمولاً در مطالعات و کارهای خویش قسمتی را به آینده‌پژوهی اختصاص می‌دهند. برای مثال، «انستیتو ملی زندگی کاری»<sup>۱</sup> که به «وزارت صنعت، اشتغال و ارتباطات»<sup>۲</sup> گزارش کار می‌دهد و یا «هیئت ملی مسکن، ساختمان‌سازی و برنامه‌ریزی»<sup>۳</sup> که نتایج بررسی‌های خود را در اختیار «وزارت محیط زیست»<sup>۴</sup> گزارش می‌دهد. این هیئت به‌صورت منظم مطالعاتی را درباره توسعه مناطق شهری در آینده سوئد انجام می‌دهد.<sup>۵</sup>

یک رویه عادی در دولت سوئد، تشکیل «کمیسیون تحقیق و تفحص»<sup>۶</sup> برای انجام بررسی‌ها و مطالعات مفصل در یک موضوع خاص و دریافت یافته‌های آن به‌منظور اعمال اصلاحات و یا تغییر در قوانین کشور است. معروفترین مثال در این زمینه تشکیل کمیسیون لیندبک در سال ۱۹۹۲ است. اعضای این کمیسیون‌ها عموماً از نمایندگان مجلس از تمامی احزاب موجود در پارلمان، نمایندگانی از سازمان‌های گوناگون و نیز نخبگان و کارشناسان آن حوزه مطالعاتی انتخاب می‌شوند. بحث و بررسی نتایج گزارش کمیسیون تحقیق و تفحص با سازمان‌ها و نهادهای بخش خصوصی به‌ویژه جامعه مدنی در سوئد به رویه اداری بسیار مهمی تبدیل شده است.

اتحادیه‌های تجاری، احزاب سیاسی، سازمان‌های حرفه‌ای، سمن‌ها و انجمن‌های دیگر نیز در مباحث سیاسی و بحث و تبادل نظر در سوئد به شدت درگیر می‌شوند. این مؤسسات یا به صورت همکاری با کمیسیون‌های تحقیق و تفحص دولتی و یا مستقلاً از طریق تشکیل اتاق‌های فکر خودشان در کار پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای آینده هستند.

پژوهشگران نیز به‌دلیل تخصص در تشخیص، پیش‌بینی، ارزیابی و ارائه راه‌حل مشکلات در فرآیندهای تصمیم‌گیری عمومی مشارکت کرده و بازیگر مهمی در مطالعات آینده‌پژوهی به حساب می‌آیند. پژوهشگران در سوئد همچنین به‌دلیل مشارکت در فناوری‌های آینده‌نگری علمی که توسط آکادمی‌های علمی و شوراهای پژوهشی ابداع شد، نقش برجسته‌ای در آینده‌پژوهی این کشور ایفا می‌کنند.

در سوئد بودجه‌ای که به تحقیق و توسعه اختصاص داده می‌شود بالاترین رقم در میان کشورهای

- 
1. The National Institute for Working Life
  2. Ministry of Industry, Employment and Communications
  3. The National Board of Housing, Building and Planning
  4. The Ministry of the Environment
  5. Herault, 2006.
  6. Commission of Inquiry

عضو اتحادیه اروپاست (۳/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور). این حجم از منابع به سوئد این اجازه را می‌دهد که قدرت رقابت‌پذیری خود را از طریق سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید حفظ و ارتقا دهد. هر ۴ سال یک‌بار دولت سوئد ضمن ارائه طرح مالی برای تحقیقات عمومی، مهمترین اولویت‌های علمی و فناورانه کشور را اعلام می‌کند. سپس بودجه عمومی بر مبنای اولویت‌های پژوهشی میان نهادهای مختلف توزیع می‌شود.

نخستین پروژه فناوری آینده‌نگری در سوئد در سال ۱۹۹۹-۲۰۰۰ به صورت مشترک توسط «آکادمی سلطنتی علوم مهندسی سوئد»<sup>۱</sup> (IVA)، «هیئت ملی توسعه صنعتی و فنی سوئد»<sup>۲</sup> (از مؤسسات عمومی درگیر در تحقیق و توسعه)، «بنیاد سوئدی پژوهش راهبردی»<sup>۳</sup> و «فدراسیون صنایع سوئدی»<sup>۴</sup> شکل گرفت. دو هدف اصلی پروژه عبارت بودند از:

۱. تقویت رویکرد آینده‌گرایانه در شرکت‌ها و سازمان‌ها،
  ۲. تعیین بخش‌های در اولویت سوئد که باید اهتمام و تخصص بیشتری صرف آنها گردد.
- بودجه این پروژه که به مدت یک سال انجام آن طول کشید، ۶۵۰ هزار یورو بود. سازمان پروژه متشکل از اجزای زیر بود:

- یک کمیته مدیریتی به ریاست نایب رئیس شرکت ولوو<sup>۵</sup> و با حضور افرادی از نهادهای بنیادگذار پروژه،

— یک کمیته نظارت که وظیفه آن مدیریت کارهای روزمره پروژه بود و اعضای آن دو مهندس، یک اقتصاددان و یک معمار بودند،

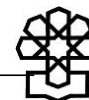
— یک گروه مرجع متشکل از ۲۰ نفر از گروه‌های ذینفع گوناگون. وظیفه اصلی این گروه ازسویی حصول اطمینان از مشارکت کلیه بازیگران تأثیرگذار در جامعه سوئد در اجرای پروژه و از سوی دیگر اشاعه نتایج این پروژه در سطوح گوناگون کشور بود،

- هشت پنل موضوعی که هر کدام متشکل از ۱۰-۱۵ متخصص و صاحب‌نظر بودند. پنل‌ها عبارت بودند از:

۱. پنل سلامت، پزشکی و مراقبت،
۲. پنل منابع طبیعی بیولوژیکی،
۳. پنل زیرساخت‌های اجتماعی،
۴. پنل نظام‌های تولید،
۵. پنل نظام‌های ارتباطی و اطلاعاتی،

---

1. The Royal Swedish Academy of Engineering Sciences (IVA)  
 2. The Swedish National Board for Industrial and Technical Development  
 3. The Swedish Foundation for Strategic Research  
 4. Federation of Swedish Industries  
 5. Volvo



۶. پنل مواد،

۷. پنل صنایع خدماتی،

۸. پنل آموزش و یادگیری.

پروژه بر مبنای روش مطالعاتی دلفی، تجزیه و تحلیل فناوری‌ها و سناریوهای حیاتی انجام گرفت و چشم‌انداز آن دوره زمانی ۱۰ الی ۱۵ سال بود. اما محدودیت زمانی، کار تعیین روش سناریوهای مناسب برای پنل‌ها را سخت کرد. بنابراین کمیته نظارت پیشنهاد کرد هر پنل فاکتورهای کلیدی متناسب و مرتبط با توسعه حوزه کاری خود را دقیقاً مشخص کند.

نخستین پروژه فناوری آینده‌نگری سوئد به نتایج موفقیت‌آمیزی دست یافت که عبارتند از: تمرین و عادت آینده‌نگری را در نهادهای گوناگون دولتی سوئد بسط داد، این تجربه را دولت و دیگر نهادهای مؤسس پروژه در فرآیند تعریف اولویت‌های علمی و فناوریانه استفاده کردند و در نهایت اینکه با توجه به نتایج و بازخوردهای آن در جامعه و نهادهای دولتی، پروژه دوم فناوری آینده‌پژوهانه کلید خورد<sup>۱</sup>.

### انستیتو مطالعات آینده‌پژوهی<sup>۲</sup>

رسانه‌های اصلی انستیتو مطالعات آینده‌پژوهی واقع در استکهلم سوئد که ابتدا در سال ۱۹۷۳ به‌عنوان یک کمیسیون دولتی برای پیش‌بینی آینده سوئد تشکیل شده بود و در سال ۱۹۸۷ به‌عنوان کنونی آن تغییر شکل داد، انجام مطالعات بلندمدت با هدف ایجاد و تشویق بحث‌های عمومی درباره تهدیدها و فرصت‌های فراروی توسعه اجتماعی در سوئد است. امروزه ۷۵ درصد (۱/۸ میلیون یورو) بودجه این مؤسسه که یک بنیاد پژوهشی مستقل است را وزارت آموزش و تحقیقات سوئد تأمین می‌کند و بقیه آن را بودجه‌های عمومی و خصوصی تخصیص یافته برای پروژه‌های خاص (نظیر شوراهای پژوهشی، شرکت‌ها، اتحادیه‌های تجاری، اتحادیه اروپا و ...) محقق می‌کند. بیشتر مطالعات انستیتو در حوزه‌هایی نظیر بازار کار، زندگی فرهنگی، شهروندان، جامعه و دولت رفاہ است<sup>۳</sup>.

انستیتو مطالعات آینده‌پژوهی ۲۵ پژوهشگر اصلی (شامل مورخین، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، جغرافیادانان و جمعیت‌شناسان) دارد که عمدتاً استاد دانشگاه بوده و به همین دلیل تعامل و همکاری این مؤسسه با دانشگاه‌ها و دیگر دپارتمان‌های پژوهشی بسیار زیاد است. برنامه پژوهشی انستیتو که مدیر می‌نویسد و به تأیید هیئت امنای می‌رسد، تعیین‌کننده جذب نیرو و تشکیل دوره‌های آن است. مدت زمان این دوره‌ها با توجه به موضوع آن بین ۴-۶ سال است. بیشتر تمرکز مطالعات انستیتو آینده‌پژوهی بر مطالعات با چشم‌انداز بلندمدت ۵۰ تا ۱۰۰ ساله آینده سوئد است (پروژه‌هایی مانند جایگاه زنان در جامعه، کودکان کار و تبعات پیر شدن جامعه) اگرچه مطالعاتی با دامنه زمانی کوتاه‌تر

1. Paillard, 2006.

2. The Institute for Future Studies (Framtidsstudier)

3. <http://www.iffs.se/en/about-us/history-of-the-institute/>

(۱۰ تا ۳۰ ساله) را هم در برمی‌گیرد.

روش‌های پژوهشی که در مطالعات این مؤسسه آینده‌پژوهی استفاده می‌شود متعدد بوده و برخی از آنها عبارتند از: سناریونویسی، ابزارهای کمی (اقتصاد سنجی، شبیه‌سازی و مدلینگ) در زمانی که پروژه‌ها بر مبنای سری‌های طولانی اجتماعی-اقتصادی است و رویکردهای کیفی زمانی که هدف از پژوهش، کشف تغییرات در رفتارهای اجتماعی (مثل قدرت بسیج‌گری، نقش خانواده و ...) باشد.<sup>۱</sup> برون‌دادهای انستیتو مطالعات آینده‌پژوهی در شکل‌های متفاوتی است: مقالات چاپ شده در مجلات علمی، اسناد و پرونده‌هایی برای تصمیم‌گیران (دولت، اتحادیه‌ها، سازمان‌های گوناگون درگیر در «بحث و بررسی‌های عمومی»<sup>۲</sup>، و شرکت در همایش‌ها و سمینارهایی که پژوهشگران و تصمیم‌گیران را گرد هم می‌آورد. معمولاً پژوهشگران این انستیتو تشویق می‌شوند که در مطالعات خویش - به‌ویژه از طریق انتشار نتایج کارهای خود به شکل مقالات در مطبوعات و مصاحبه‌ها- دامنه گستره‌تری از مخاطبین را مد نظر قرار دهند.

### جایزه نوبل

بنیاد نوبل<sup>۳</sup> بنیادی خصوصی است که در ۲۹ ژوئن سال ۱۹۰۰ برای اجرای وصیت و مدیریت اجرایی و مالی جایزه نوبل ایجاد شد. جایزه نوبل که بی‌شک یکی از معتبرترین و مهمترین جوایز در سطح جهان است در سال ۱۸۹۵ توسط آلفرد نوبل شیمی‌دان، مهندس و مخترع سوئدی بنیان گذاشته شد و برای مشارکت‌های برجسته در زمینه‌های فیزیک، شیمی، ادبیات، اقتصاد، صلح و فیزیولوژی یا پزشکی اهدا می‌شود. از سال ۱۹۰۲، شاه سوئد، بجز جایزه صلح نوبل که کمیته نروژی نوبل<sup>۴</sup> آن را اهدا می‌کند، رسماً تمامی جوایز را در استکهلم اهدا کرده‌است.<sup>۵</sup>

فرهنگستان پادشاهی علوم سوئد<sup>۶</sup>، که با نام آکادمی سلطنتی علوم سوئد<sup>۷</sup> نیز شناخته می‌شود، مؤسسه‌ای علمی و غیردولتی در استکهلم سوئد است که در سال ۱۷۳۹ تأسیس شد. شعار و رسالت این فرهنگستان «ترویج علوم و تقویت تأثیر آن در جامعه»<sup>۸</sup> است. وظیفه انتخاب برنده جایزه نوبل در رشته‌های فیزیک و شیمی برعهده فرهنگستان پادشاهی علوم سوئد است. این فرهنگستان همچنین وظیفه انتخاب برندگان جایزه علمی کرافورد<sup>۹</sup> و نیز «جایزه علوم اقتصادی بانک مرکزی سوئد به یاد آلفرد

1. Paillard, 2006.

2. Public Debate

3. Nobelstiftelsen (The Nobel Foundation)

4. The Norwegian Nobel Committee

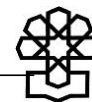
5. Sweden.se, 2013.

6. The Royal Swedish Academy of Sciences

7. Kungliga Vetenskapsakademien

8. att Främja Vetenskaperna Och Stärka Deras Inflytande I samhället

9. Crafoord Prize



نوبل<sup>۱</sup> را برعهده دارد که به جایزه نوبل اقتصاد نیز معروف است و در سال ۱۹۶۸ میلادی، بانک مرکزی سوئد<sup>۲</sup> آن را پایه‌گذاری کرد، البته جایزه نوبل اقتصاد در لیست جوایز مرتبط با بنیاد نوبل جایی ندارد<sup>۳</sup>. آکادمی سوئد یا فرهنگستان سوئد<sup>۴</sup> مؤسسه‌ای علمی و فرهنگی مستقل در کشور سوئد است که آن را در سال ۱۷۸۶ شاه گوستاو سوم<sup>۵</sup> برای پاسداشت زبان و ادبیات سوئدی تأسیس کرده و از سال ۱۹۰۱ وظیفه انتخاب برنده جایزه نوبل در رشته ادبیات را برعهده دارد<sup>۶</sup>. انستیتوی کارولینسکا<sup>۷</sup> نیز یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های علوم پزشکی اروپا و مؤسسه‌ای علمی و غیردولتی است که در استکهلم سوئد واقع شده و وظیفه انتخاب برنده جایزه نوبل در رشته فیزیولوژی و پزشکی را برعهده دارد.

برندگان این جوایز نقش مهمی در آشکار ساختن رازهای حیات انسان، ساختن آینده‌ای بهتر برای مردم جهان و ارتقای ثمرهای بین‌المللی داشته‌اند<sup>۸</sup>. بنیاد نوبل به دلیل نقش فراوانش در ساختن آینده‌ای مطلوب و تقویت احساس مسئولیت در دریافت‌کنندگان این جوایز نسبت به نسل‌های آینده می‌تواند به منزله یک مؤسسه آینده‌نگاری به حساب آید.

## کاپتوس<sup>۹</sup>

کاپتوس یکی از اتاق‌های آینده‌پژوهی مستقل سوئد است که در سال ۲۰۰۵ در شهر مالمو<sup>۱۰</sup> تأسیس شد. بنیانگذاران این مؤسسه نیما سنندجی<sup>۱۱</sup>، کریستوفر فیل<sup>۱۲</sup> و آندریاس نایمن<sup>۱۳</sup> بودند. عمده مطالب و برون‌دادهای کاپتوس به زبان سوئدی است، اما بعضاً مطالب و گزارش‌های آن در رسانه‌های بین‌المللی نظیر گاردین، وال استریت ژورنال، فرانت پیج مگزین<sup>۱۴</sup> و آمریکن اینترپرایز<sup>۱۵</sup> منتشر می‌شود. تنوع گزارش‌ها و مطالب منتشر شده کاپتوس قواعد و مقررات مرتبط با بازار کار تا خط‌مشی‌های ادغام، از مدیریت محیطی و بازیافت پسماندها تا یارانه‌های انرژی در ایران را دربرمی‌گیرد.

نیما سنندجی فارغ‌التحصیل رشته مهندسی پلیمر از دانشگاه تکنولوژی چالمرز<sup>۱۶</sup> و یکی از

- 
1. Sveriges Riksbanks Pris i Ekonomisk Vetenskap Till Alfred Nobels Minne
  2. Riksbanks
  3. Sweden.se, 2010.
  4. Svenska Akademien
  5. King Gustaf III
  6. <http://www.svenskaakademien.se/en?PageID=f6b62c21-7e52-408c-86f7-7eacd9144a13/Templates/Article0.aspx>
  7. Karolinska Institutet
  8. Alford, Roger P. 2008.
  9. Captus
  10. Malmo
  11. Nima Sanandaji
  12. Christopher Pihl
  13. Anders Nyman
  14. Frontpage Magazine
  15. American Enterprise
  16. Chalmers University of Technology

بنیانگذاران کاپتوس است. وی همچنین سابقه همکاری با اتاق‌های فکر Timbro, New Direction و IEA را در حواصل سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ در پیشینه علمی و پژوهشی خویش داشته و بیشتر بر روی موضوعاتی همانند خط‌مشی‌های اقتصادی، سیاست‌های ادغام، گرمایش جهانی و تغییرات اقلیمی متمرکز شده است.

بیش از یکصد محقق و اندیشمند در تهیه و تألیف گزارش‌های کاپتوس همکاری دارند. این مؤسسه با برپایی سمینارها و مشارکت فعال کارمندان خویش در تألیف مقالات و حضور در رسانه‌ها سعی در شناختن حداکثری خویش به مردم و جامعه علمی کشور سوئد داشته است و تنها در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ پرسنل آن بیش از ۷۵۰ مقاله در رسانه‌های مختلف داخلی و خارجی به چاپ رساندند. کاپتوس هفته‌نامه‌ای با عنوان Captus Tidning با گرایش لیبرال - محافظه‌کاری منتشر می‌کرد که در سال ۲۰۰۸ فعالیت آن متوقف شد.

با شروع دوره ریاست نیما سندنجدی در کاپتوس و با تلاش‌ها و حمایت‌های وی دوره جدیدی از فعالیت‌های ارزنده کاپتوس شروع شد. این اتاق آینده‌پژوهی در دوره جدید همکاری با مراکزی مانند Ohlininstitutet و Timbro, Fores را در دستور کار قرار داده است.

مهمترین موضوعات مورد علاقه کاپتوس حقوق مصرف‌کنندگان و مالکان، سیاست‌های ادغام، خط‌مشی‌های اقتصادی، نهادها و صنعت است.

## ایدوکسا<sup>۱</sup>

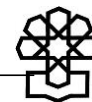
ایدوکسا مؤسسه پژوهشی است که در سال ۲۰۰۰ در شهر استکهلم سوئد بنا شد. این مؤسسه دارای گرایش‌های سیاسی لیبرال و فرا اوماننیستی<sup>۲</sup> (Transhumanist) بوده و عمده تمرکز آن بر ارتقای دینامیسم، فناوری‌های نوظهور، سیاست‌های مرتبط با کاهش ریسک و آسیب‌ها، بحث و تبادل نظر پیرامون چالش‌های محیط زیست و نیز چالش‌های پیش روی بشر در آینده است. همچنین در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین آینده‌پژوهان این حوزه در کشور سوئد آندرس سندبرگ<sup>۳</sup> است که یکی از بنیانگذاران ایدوکسا نیز به شمار می‌رود.

ایدوکسا به صورت مستقل از احزاب سیاسی و دیگر گروه‌های ذینفع سیاسی و مذهبی به فعالیت خویش ادامه می‌دهد. همچنین ایدوکسا، سمینارها و همایش‌هایی را در رابطه با موضوعات مورد علاقه خویش برگزار کرده و به تولید گزارش‌های کارشناسی برای مؤسسات و سازمان‌های مختلف مبادرت

1. Eudoxa

۲. فرا اوماننیست که آن را با نماد H+ هم نشان می‌دهند ایدئولوژی و جنبش روشنگری جهانی آینده‌نگرانه‌ای است که هدف آن ایجاد دگرگونی وسیع در زندگی و شرایط انسانی از طریق توسعه و دسترس‌پذیر کردن گسترده فناوری‌های پیشرفته و نوظهور برای بشر و در نتیجه ارتقای شگرف در ظرفیت‌های فکری، جسمی و روانی انسان‌هاست. ایده‌های اولیه فرا اوماننیستی را دانشمند انگلیسی علم ژنتیک J. B. S. Haldane در سال ۱۹۲۳ مطرح کرد.

3. Andreas Sandberg



ورزیده و در عین حال به غنابخشی بحث و بررسی این موضوعات تخصصی مبتلا به آینده کمک می‌کند. مدیر کنونی ایدوکسا، والدمار اینگدال<sup>۱</sup> است.

ایدوکسا برای فائق آمدن بر شکاف فزاینده میان ارزیابی‌های متفاوت و بعضاً متضاد تأثیرات فناوری‌های نوظهور، سعی کرده است در تأمین نیروی انسانی خود هم از نظرات اندیشمندان علوم انسانی و اجتماعی و هم از ایده‌های دانشمندان علوم تجربی بهره‌مند شده و در نتیجه قادر به ارائه تحلیل منصفانه و جامع‌تری در این خصوص شود. این الهام فکری برگرفته از کتاب «آینده و دشمنان آن»<sup>۲</sup> نوشته ویرجینیا پوسترل<sup>۳</sup> است.

موضوعاتی نظیر فناوری‌های زیستی، کاهش مضرات، خدمات بخش سلامت، فناوری‌های نانو، مالکیت معنوی و سامانه بازشناسی با امواج رادیویی (RFID)<sup>۴</sup> از مهمترین موضوعات مورد مطالعه این اتاق آینده‌پژوهی است. گفتنی است که شناسایی خودکار عناصر و جمع‌آوری داده‌های مرتبط به آنان بدون دخالت انسان برای ورود اطلاعات در بسیاری از عرصه‌های صنعتی، علمی، خدماتی و اجتماعی لزوم اهتمام به RFID و استفاده از ظرفیت‌های فراوان آن را هرچه بیشتر و پررنگ‌تر کرده است.

### انستیتو سوئدی روابط بین‌الملل<sup>۵</sup> (UI)

«انستیتو سوئدی روابط بین‌الملل» یک سازمان غیرانتفاعی است که در سال ۱۹۳۸ در سوئد تأسیس شد. این مؤسسه نهادی مستقل و مجرای برای انجام پژوهش‌های آینده‌پژوهانه و روشنگرانه برای دسترسی به اطلاعات در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است. رسالت اصلی انستیتو سوئدی روابط بین‌الملل ارتقای آگاهی و غنابخشی به بحث‌های عمومی از طریق ایجاد انگیزه و علاقه در میان مردم سوئد و سراسر جهان در مسائل و موضوعات مرتبط با سیاست خارجی و روابط بین‌الملل است. این مهم از طریق انجام پژوهش‌ها، برگزاری سمینارها، همایش‌ها و نشست‌های علمی که بعضاً به صورت مشترک با دیگر نهادهای پژوهشی انجام می‌شود، حضور کارکنان و پژوهشگران آن در رسانه‌های تصویری و دیجیتالی، انتشار کتاب‌ها و مقالات در ژورنال‌های علمی در موضوعات مرتبط و نیز مشارکت در شبکه‌های اطلاعاتی بین‌المللی انجام می‌شود. محصولات این انستیتو به دو زبان سوئدی و انگلیسی منتشر می‌شوند.

انستیتو سوئدی روابط بین‌الملل در دهه ۱۹۵۰ طی همکاری با کالج استکهلم دوره‌های آموزشی زیادی را برگزار کرد که در نهایت به تأسیس دانشگاه استکهلم<sup>۶</sup> در سال ۱۹۶۰ منجر شد. نیلز آندرن

---

1. Waldemar Ingdahl  
2. The Future and its Enemies  
3. Virginia Postrel  
4. Radio Frequency Identification (RFID)  
5. The Swedish Institute of International Affairs (UI)  
6. Stockholm University

زمانی رئیس این انستیتو بود و در آن دوره به دلیل سطح کیفی بالای کار و نیز قدرت تأثیرگذاری زیاد آن، بیشتر سیاستمدارانی که به سوئد مسافرت می‌کردند (از جمله جیمی کارتر رئیس‌جمهور سابق آمریکا)، از انستیتو سوئدی روابط بین‌الملل نیز بازدید می‌کردند.<sup>۱</sup>

کارمندان انستیتو سوئدی روابط بین‌الملل، پژوهشگران و تحلیلگران متخصص در موضوعات مختلف حوزه روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهند. بیشتر تمرکز پژوهش‌های UI بر سیاست خارجی و خط‌مشی‌های امنیتی با نگاه ویژه بر تأثیرات این تحولات بر وضعیت حال و آینده کشور سوئد است. این پژوهش‌ها مبتنی بر تحقیقات علمی و غیرسئوگیرانه است و با هیئت تحریریه مستقل نگاه‌شده می‌شود. مدیر UI هم‌اکنون مت کارلسون<sup>۲</sup> است و حدود ۴۰ الی ۵۰ کارمند ثابت و نیز تعداد بیشتری از اساتید و متخصصان، کارورزها و دانشجویان تحصیلات تکمیلی به صورت پاره‌وقت مشغول همکاری با انستیتو سوئدی روابط بین‌الملل هستند.

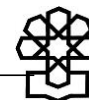
این انستیتو از مجراهای متفاوت تأمین مالی می‌شود. حدود یک سوم بودجه سالیانه آن از طریق کمک‌های مالی دولتی تأمین اعتبار می‌شود. بخش دیگری از بودجه آن از طریق دریافت کمک هزینه‌های پژوهشی<sup>۳</sup> و بقیه آن از طریق درآمد حاصل از برگزاری همایش‌ها و فروش کتاب‌ها و آثار تولیدی انستیتو به دست می‌آید.

انستیتو سوئدی روابط بین‌الملل همراه با دانشکده دفاع ملی سوئد<sup>۴</sup> «کتابخانه آنا لیند»<sup>۵</sup> را تأسیس و اداره می‌کنند. اصلی‌ترین حوزه‌های پژوهشی و تخصصی این کتابخانه مسائل و موضوعات دفاعی، خارجی و خط‌مشی‌گذاری‌های امنیتی است.

## تیمبرو<sup>۶</sup>

رسالت تیمبرو تولید، ارتقا و اشاعه ایده‌ها و موضوعاتی است که حامی اصول بازارهای آزاد، نهادهای آزاد، آزادی‌های فردی و در کل یک جامعه آزاد و به حداقل رساندن نقش دولت در اقتصاد و سیاست‌گذاری است. مهمترین حوزه‌های فعالیت پژوهشی این مؤسسه سلامت، اصلاحات رفاهی، ارتباط میان محیط زیست و رشد و توسعه، فرهنگ، مسائل مرتبط با مهاجرت و در نهایت توسعه جهانی است. تیمبرو همچنین از کمک‌های فکری مؤسسه «انستیتو رسانه تیمبرو»<sup>۷</sup> و در حوزه سیاست خارجی از مؤسسه «تریبون جهان آزاد فریوارلد- استکهلم»<sup>۸</sup> برای پیشبرد رسالت خویش بهره می‌گیرد.

- 
1. Utrikespolitiska Institutet, 2013.
  2. Mats Karlsson
  3. Research Grants
  4. Swedish National Defense College
  5. Anna Lindh Library
  6. Timbro
  7. Timbro Media Institute
  8. Frivarld-Stockholm Free World Forum



تیمبرو بین ۱۵ الی ۲۰ کارمند تمام وقت دارد. اما یکی از رموز پیشرفت آن توانایی این اتاق فکر در جذب استعدادها و توانایی‌ها برای تولید، فرموله کردن و پیشبرد ایده‌هاست. به عبارت دیگر پویایی و ایده‌های متنوع و بعضاً واگرا موجب شکوفایی و غنابخشی تیمبرو شده است. این اتاق فکر سالیانه بین ۱۰ الی ۱۵ کتاب و حدوداً ۲۰ گزارش علمی چاپ کرده و میزبان بیش از یکصد نشست و همایش علمی است. اگرچه مقر اصلی فعالیت‌های تیمبرو در استکهلم است، ولی بخش‌ها و برنامه‌های فرعی این مؤسسه در نواحی جنوب سوئد نیز مستقر هستند.

تیمبرو در سال ۲۰۰۳ بورسیه‌ای را با عنوان «آکادمی استیور»<sup>۱</sup> برقرار کرد که یک برنامه آموزشی یک ساله برای دختران و پسران جوان است و عنوانش را از استیور اسکیلسون<sup>۲</sup>، یکی از منادیان و پایه‌گذاران سوئد آزاد گرفته است. تلاش‌های اسکیلسون در دهه ۱۹۷۰ برای نیل به آزادی‌های فردی و اجتماعی بیشتر در سوئد ستودنی بوده و در سال ۱۹۷۸ به تأسیس اتاق فکر تیمبرو منتهی شد. مدیر و رئیس کنونی اتاق فکر تیمبرو، کارین سوانبورگ-جوآل<sup>۳</sup> است. هم‌اکنون تیمبرو زیرمجموعه «بنیاد سوئدی نهادهای آزاد»<sup>۴</sup> محسوب می‌شود و تمام بودجه آن از طریق «کنفدراسیون نهادهای سوئدی»<sup>۵</sup> تأمین می‌شود.

## فصل سوم - وضعیت سوئد در شاخص‌های معتبر بین‌المللی و معرفی کمیسیون آینده‌پژوهی سوئد<sup>۶</sup>

برای داشتن ارزیابی واقع‌بینانه و صحیح از چالش‌های سوئد در آینده، ابتدا باید درک مناسبی از شرایط امروز سوئد و جایگاه کنونی این کشور در مقایسه با کشورهای دیگر داشت. با نگاهی جزئی به آمارهای ارائه شده در جدول ۱ می‌توان با درجه زیادی از اطمینان ادعا کرد که سوئد کشوری بسیار مناسب برای کار و زندگی کردن است. اما موفقیت در گذشته تضمینی برای موفق ماندن در آینده نیست؛ استمرار وضعیت مناسب کنونی در آینده سوئد مستلزم هوشیاری نسبت به چالش‌های پیش‌رو و آمادگی لازم برای مواجهه با آنهاست.

جدول ۱. جایگاه کشور سوئد در رتبه‌بندی‌های معتبر بین‌المللی

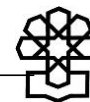
تعداد کشورهای مقایسه شده	رتبه سوئد	نام شاخص معتبر بین‌المللی
۱۶۷	۴	شاخص دمکراسی (۲۰۱۱) Democracy Index (2011)

1. Sture Academy
2. Sture Eskilsson
3. Karin Svanborg-sjovall
4. Swedish Free Enterprise Foundation
5. Confederation of Swedish Enterprise
6. Commission on the Future of Sweden (Framtidskommissionen)

تعداد کشورهای مقایسه شده	رتبه سوئد	نام شاخص معتبر بین‌المللی
۱۹۷	۱	آزادی مطبوعات (۲۰۱۱) Freedom of the Press (2011)
۱۷۹	۱۲	آزادی جهانی مطبوعات (۲۰۱۱-۲۰۱۲) World Press Freedom (2011-2012)
۱۸۲	۴	شاخص درک فساد (۲۰۱۱) Corruption Perceptions Index (2011)
۳۴	۸	سرانه هر فرد از تولید ناخالص داخلی (OECD) (۲۰۱۱) GDP per capita, adjusted for purchasing power (OECD) (2011)
۱۸۳	۱۴	شاخص انجام کسب‌وکار (۲۰۱۲) Doing Business Index (2012)
۱۲۸	۳	شاخص رقابت‌پذیری جهانی (۲۰۱۱-۲۰۱۲) Global Competitiveness Index (2011-2012)
۲۷	۱	تابلوی اتحادیه نوآوری (۲۰۱۱) Innovation Union Scoreboard (2011)
۱۲۵	۲	شاخص نوآوری جهانی (۲۰۱۱) Global Innovation Index (2011)
۱۳۱	۱	شاخص ظرفیت نوآوری (۲۰۱۱) Innovation Capacity Index (2011)
۱۳۲	۴	شاخص جهانی توانمندسازی تجاری (۲۰۱۲) Global Enabling Trade Index (2012)
۷۳	۱	شاخص اقتصاد دانش‌محور (۲۰۱۲) Knowledge Economy Index (2012)
۱۴۲	۱	شاخص آمادگی شبکه‌ای (۲۰۱۲) Networked Readiness Index (2012)
۸۲	۱	شاخص خلاقیت جهانی (۲۰۱۱) Global Creativity Index (2011)
۱۴۴	۳۰	شاخص آزادی اقتصادی جهان (۲۰۱۰) Economic Freedom of the World (2010)
۱۸۷	۱۰	شاخص توسعه انسانی (۲۰۱۱) Human Development Index (2011)
۱۸۷	۵	فاکتور برابری اقتصادی در شاخص توسعه انسانی (۲۰۱۱) Human Development Index (2011) (adjusted for economic inequality)
۱۳۵	۴	گزارش جهانی شکاف جنسیتی (۲۰۱۱) Global Gender Gap Report (2011)
۸۰	۳	رتبه‌بندی شاخص مادران (۲۰۱۲) Mother's Index Rank (2012)
۸۱	۷	رتبه‌بندی شاخص زنان (۲۰۱۲) Women's Index Rank
۸۳	۲	رتبه‌بندی شاخص کودکان (۲۰۱۲) Children's Index Rank
۱۸۷	۱	شاخص برابری جنسیتی (۲۰۱۱) Gender Equality Index (2011)
۶۵	۲۸	برنامه بین‌المللی ارزیابی دانش آموزان (OECD) (۲۰۰۹) Programme for International Student Assessment (OECD) (2009)

source: Commission on the Future of Sweden, 2013.

در نوامبر ۲۰۱۱ «کمیسیون آینده‌پژوهی سوئد» به دستور دفتر نخست‌وزیری تشکیل شد. وظیفه کمیسیون آینده‌پژوهی که فعالیت آن مدت یک سال و نیم طول کشید، تعیین چالش‌هایی بود که کشور



سوئد تا سال ۲۰۵۰ احتمالاً با آنها مواجه خواهد شد. بیش از ۴۰ سمینار در این رابطه برگزار شد. رهبران چهار حزب اصلی ریکسداگ با دعوت از برخی از مهمترین پژوهشگران، اقتصاددانان، نمایندگان بخش‌های تجاری و جامعه مدنی به این کمیته درصدد برآمدند که به انتخاب مسیر درست در آینده سوئد کمک کنند. دولت سوئد از کمیسیون خواسته بود که در ۶ حوزه اصلی به شناسایی مشکلات آینده سوئد بپردازد. این مشکلات عبارت بودند از:

۱. چالش‌های جهانی شدن و توسعه فناوریانه،
۲. چالش‌های توسعه پایدار،
۳. چالش‌های توسعه جمعیتی،
۴. چالش‌های مهاجرت و ادغام در بازار کار،
۵. چالش‌های دمکراسی و برابری جنسیتی،
۶. چالش‌های انسجام اجتماعی.

از مهمترین و سرشناس‌ترین اعضای این کمیسیون که کمک زیادی در شناسایی و تنظیم چالش‌های فراروی سوئد کردند می‌توان به مارگارت الیزابت اکسن جانسن<sup>۱</sup> رئیس هیئت مدیره کمیسیون، کلس اکلوند<sup>۲</sup> اقتصاددان و استاد برجسته دانشگاه، هلنا جانسون<sup>۳</sup>، رئیس هیئت مدیره فدراسیون ملی کشاورزان سوئدی<sup>۴</sup>، پکا ملرگارد<sup>۵</sup> استاد و پزشک برجسته جراحی اعصاب، اوا نوردمارک<sup>۶</sup> رئیس کمیته اجرایی کنفدراسیون سوئدی کارمندان حرفه‌ای<sup>۷</sup>، یوهان راکستروم<sup>۸</sup> استاد برجسته دانشگاه و رئیس «مرکز تاب‌آوری استکهلم»<sup>۹</sup>، مرنوش ساعتچی<sup>۱۰</sup> رئیس «هامبل استورم»<sup>۱۱</sup> (آژانس پرورش ایده و خلاقیت)، لارس تراگارد<sup>۱۲</sup> استاد انستیتو آموزش عالی، ارستا اسکوندال<sup>۱۳</sup> و استینا وستبرگ<sup>۱۴</sup> مدیر کل توسعه موسیقی و میراث سوئد<sup>۱۵</sup> اشاره کرد.

## نتیجه‌گیری بخش اول

1. Margaret Elisabeth Ax:son Johnson
2. Klas Eklund
3. Helena Jonsson
4. National Board of Directors of the Federation of Swedish Farmers (Lantbrukarnas Riksförbund – LRF)
5. Pekka Møllergård
6. Eva Nordmark
7. The Swedish Confederation for Professional Employees (Tjänstemännens Centralorganisation – TCO)
8. Johan Rockström
9. Stockholm Resilience Centre
10. Mernosh Saatchi
11. Humblestorm
12. Lars Trägårdh
13. Ersta Sköndal Institute of Higher Education
14. Stina Westerberg
15. Music Development and Heritage Sweden (Statens musikverk)

در بخش اول گزارش ضمن ارائه توصیفی کوتاه در خصوص جایگاه مطالعات آینده‌پژوهانه در سیاستگذاری کشورهای مختلف از جمله سوئد، پیشینه مطالعات آینده‌پژوهی در این کشور مورد بررسی قرار گرفت از مهمترین مطالعات صورت گرفته در حوزه‌های مختلف که نتایج درخور اهمیتی را با خود همراه داشت و تأثیرات مثبت زیادی در سیاستگذاری‌های کلان در حوزه‌های مختلف دفاعی، امنیتی، اقتصادی، فناورانه، اجتماعی و... برجای گذاشته می‌توان به کمیسیون لیندبک در آینده سوئد، مطالعه آینده‌پژوهانه نیلز آندرن، پروژه فناوری آینده‌نگری در سوئد و کمیسیون آینده‌پژوهی سوئد اشاره کرد. در ادامه این بخش از گزارش برخی از مهمترین بازیگران و مؤسسات درگیر در کار مطالعات آینده‌پژوهی سوئد معرفی شده و ضمن تعیین جایگاه سوئد در برخی از شاخص‌های معتبر بین‌المللی، به معرفی کمیسیون آینده‌پژوهی سوئد و چگونگی تشکیل آن پرداخته شده است. در نهایت ۶ چالش اصلی که کشور سوئد تا سال ۲۰۵۰ احتمالاً با آن مواجه خواهد شد، به صورت کلی معرفی شده‌اند. در بخش دوم گزارش به هر یک از این چالش‌ها مفصلاً پرداخته خواهد شد.

### بخش دوم – مهمترین چالش‌های سوئد در آینده

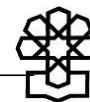
#### فصل اول – چالش‌های جهانی شدن و توسعه فناورانه

بسیاری از تغییرات در لایه‌های زیرپوستی جامعه رخ می‌دهد و ممکن است در زندگی روزمره خیلی به چشم نیاید، اما با گذشت زمان آثار آن آشکار می‌شود. سوئد طی چهار دهه گذشته از جهات زیادی تغییر کرده است. بسیاری از این تغییرات ناشی از تصمیمات سیاسی و انجام اصلاحات بوده است. این تغییرات مواردی همانند گسترش خدمات رفاهی نظیر بیمه‌های والدین، مراقبت از کودکان و افراد سالخورده، خدمات بهداشت و سلامت، ارتقای نظام آموزشی، اصلاح قوانین مربوط به بازار کار و ... را دربرمی‌گیرد. همچنین مقررات‌زدایی از انحصارات حوزه عمومی<sup>۱</sup> در حوزه رفاه، پاره‌ای از اصلاحات مالیاتی و اصلاحات نهادی نظیر اعطای استقلال بیشتر به بانک مرکزی سوئد (ریسک بانک<sup>۲</sup>) نمونه‌های دیگری از تغییرات ناشی از تصمیمات سیاسی ناظر بر اصلاحات است.

به تجربه ثابت شده که هرگاه اصلاحات سیاسی صورت گرفته، شرایط هم برای مردم و هم برای بخش خصوصی و سازمان‌های دولتی تغییر کرده است. برای مثال، توسعه خدمات مربوط به مراقبت از کودکان، زنان بی‌شتری را قادر ساخت تا برای تأمین معیشت خود و خانواده بیرون از منزل کار کنند؛ درست همان‌طور که مقررات‌زدایی از انحصارات حوزه عمومی، مسیر همواری را فراروی بسیاری از کز شگران گذاشت؛ اصلاحات مالیاتی سود بی‌شتری را برای شاغلین به همراه داشت و توسعه نظام آموزشی افراد بی‌شتری را قادر ساخت تا به سطوح بالاتری از تحصیلات دست یازند.

1. Public monopolies

2. Riksbank



اگرچه جهانی شدن قدرت مانور دولت-ملت‌ها را تا حدودی کاهش می‌دهد، این اجماع نظری در میان اقتصاددانان وجود دارد که رونق تجارت آزاد و مقررات‌زدایی از موانع پیش‌روی تجارت، به رفاه بیشتر هم در سطح جهانی و هم برای تک تک کشورها منجر شده است. همچنین جهانی شدن، تعادل سیاسی و اقتصادی را بین کشورها به وجود آورده و شرایط رقابتی در حال تغییر، فرآیندهای تولید و شرایط اشتغال و استخدام به همراه داشته است. این تعادل بیشتر در اروپا و آمریکا قابل مشاهده است. اما جهانی شدن تنها درباره رفاه اقتصادی نیست و مسائلی نظیر گسترش دموکراسی و حقوق بشر را هم در برمی‌گیرد. بر اساس آمار طبقه‌بندی آزادی‌های سیاسی که توسط سازمان «خانه آزادی»<sup>۱</sup> منتشر می‌شود، تعداد کشورهای آزاد از آغاز دهه ۱۹۷۰ تا کنون دو برابر شده است و از رقم ۴۴ کشور در آن زمان به ۹۰ کشور در حال حاضر افزایش یافته است. همچنین تعداد کشورهایی که در آنها انتخابات آزاد برگزار می‌شود طی سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۲ از ۶۹ کشور به ۱۱۷ کشور افزایش یافته است.<sup>۲</sup> این حقیقت که تعداد کشورهایی که انتخابات در آنها آزاد برگزار می‌شود بیشتر از رقم کشورهای آزاد است به این مسئله برمی‌گردد که در کشورهای گروه اول بعضاً از حقوق و آزادی‌های سیاسی تخطی می‌شود و دموکراسی در عمل دچار محدودیت می‌شود. اما اگر در یک بازه زمانی طولانی‌تر به قضیه نگاه کنیم، دموکراسی‌سازی یک از مهمترین تغییرات رخ داده طی نیمه دوم قرن بیستم تا به حال است. این افزایش تعداد دموکراسی‌ها را می‌توانیم به عواملی مانند بالاتر رفتن سطح آموزش و تحصیلات مردم، رفاه بیشتر و ظهور طبقه متوسط قدرتمند که موتور پیشران دموکراسی است، نسبت بدهیم.

دلیل دیگر آن، جهانی شدن و ظهور فناوری‌های جدید ارتباطی است. این فناوری‌ها انتقال ایده‌ها و تجربه‌ها را در فرا سوی مرزها بسیار آسان‌تر کرده است. به موازات آن، کشورهایی که مشتاقانه به دنبال افزایش رفاه و قدرت رقابت‌پذیری خود هستند، با ظهور این فناوری‌ها دیگر قادر نیستند محدودیت‌هایی را برای حقوق و آزادی‌های سیاسی وضع کنند و به لحاظ سیاسی خودشان را منزوی کنند.

مهمترین شاخص‌هایی که برای اندازه‌گیری میزان جهانی شدن استفاده می‌شود عبارتند از: مطالعه میزان تجارت فرامرزی، جریان آزاد سرمایه و میزان مهاجرت. کلیه آمارها حاکی از افزایش چشمگیر در میزان این شاخص‌ها طی چند دهه گذشته هستند.

عمده‌ترین دلایل مهاجرت افراد به کشورهای دیگر فرار از جنگ، سرکوب و فجایع طبیعی، یا زندگی در کنار دیگر اعضای خانواده و در نهایت مهاجرت به دلایل تحصیلی و یا کاری است. اما بیشتر مهاجران ارتباط خود را با کشور محل تولد خود حفظ کرده و از این طریق به افزایش رفاه در کشور محل تولد خویش کمک می‌کنند. کشور سوئد از طریق جذب مهاجرانی که کماکان با کشور محل تولد

1. Freedom House

2. [www.freedomhouse.org.report-types/freedom-world](http://www.freedomhouse.org.report-types/freedom-world)

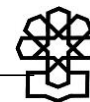
خود ارتباط دارند، قدرت رقابت‌پذیری خود را در سطح بین‌الملل ارتقا داده است. مهاجرت تنها باعث انتقال پول بین مرزها نمی‌شود، بلکه به همان اندازه باعث انتقال ایده‌ها، تخصص‌ها و نوآوری‌ها بین کشورها می‌شود. برای مثال بازگشت ۲۰۰ هزار نفر از مجموع ۱/۲ میلیون نفری که بین سال‌های ۱۸۵۰ تا ۱۹۳۰ به آمریکا مهاجرت کرده بودند، کمک شگرفی به کشور سوئد کرد. بسیاری از آنها با خود ایده‌های جدیدی آوردند که به تأسیس شرکت‌های جدید و موفق زیادی منتهی شد و یا تأثیر فراوانی در ایجاد سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی ارزش‌مدار داشت. به‌عنوان یک قاعده، کشورهایی که مهاجران از آنجا می‌آیند اگرچه در کوتاه‌مدت دچار فرار مغزها می‌شوند، اما تحقیقات نشان می‌دهد که در بلندمدت ارتباط این افراد مهاجر با کشور مبدأ خود مواهبی را برای آن کشورها به همراه دارد.

توسعه سریع فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، برقراری ارتباط فرامرزی را آسان‌تر، سریع‌تر و ارزان‌تر کرده است: امروزه میلیاردها نفر در سراسر جهان به اینترنت دسترسی دارند که بالغ بر ۳۰ درصد جمعیت جهان را دربرمی‌گیرد. این رقم از سال ۲۰۰۵ به این سو دو برابر شده است. البته طبیعتاً میان کشوری همانند سوئد که در آن تقریباً همه در سرکار و یا منزل به اینترنت پرسرعت دسترسی دارند و کشور سومالی که تنها ۵ درصد مردم آن به شبکه جهانی متصل هستند، تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. افزایش دسترسی به تلفن‌های هوشمند، انقلابی را در مدیریت تراکنش‌های بانکی، خدمات بهداشتی و سلامت و کشاورزی را در سراسر جهان با خود به همراه داشته است.

یکی از تأثیرات اصلی جهانی شدن، افزایش رقابت جهانی است که در آن هر کشور و منطقه از جهان سعی می‌کند از مزیت‌های نسبی مختص به خودشان نهایت استفاده را ببرند. کشورها از طریق تمرکز ویژه بر انواع تولیدات و یا فرآیندهایی که نقطه قوت آنهاست و مزیت رقابتی آنها نامیده می‌شود به رقابت حداکثری با کشورهای دیگر می‌پردازند. برای مثال کشورهایی که در آنها سطح آموزش و یا هزینه‌های مربوط به حقوق و مزایای کارگران پایین است، کاملاً منطقی است که آن کشورها از طریق مبادرت به تولید و یا مونتاژ کالاهای ساده به رقابت با کشورهای دیگر بپردازند. کشورهایی که نیروی کار ماهرتر، تحصیل‌کرده‌تر و متخصص‌تر دارند به ناچار باید بر تولیدات و خدماتی تمرکز کنند که سطوح بالاتری از تخصص‌ها، کیفیت‌ها و برون‌داد سرمایه را می‌طلبند و برای آن کشورها ارزش‌افزوده بالاتری را به همراه دارند.

مثال خوبی در این زمینه، صنعت منسوجات سوئد است که تا دهه ۱۹۷۰ در آن کشور بسیار فراگیر بود. امروزه هم آن کارخانه‌های تولید پارچه و لباس که از قدیم دایر بودند و هم شرکت‌های جدید التأسیس مراحل مربوط به طراحی پارچه را در خود سوئد انجام می‌دهند، اما بیشتر فرآیندهای مربوط به تولید را به کشورهای منتقل کرده‌اند که دارای سطح پایین‌تری از حقوق و دستمزدها هستند و از این طریق توانسته‌اند قدرت رقابت‌پذیری خود را افزایش دهند.

تحقیقات در خصوص سوئد نشان می‌دهد که این کشور کوچک و صادرات‌محور در بین ذینفعان بزرگ جهانی شدن جزء کشورهای موفق محسوب شده و بنا بر تخمین‌ها تا سال ۲۰۵۰ کمک و سهم



جهانی شدن در تولید ناخالص داخلی سوئد تا رقم ۲۵ درصد را دربرمی‌گیرد. این افزایش چشمگیر را می‌توان به فاکتورهایی چون افزایش میزان تجارت فرامرزی، ارتقای بازدهی، سطوح بالاتر مهاجرت، افزایش رشد اقتصادی و نیز این واقعیت که جهانی شدن به سرمایه‌گذاری بیشتر در آموزش و پرورش می‌انجامد، نسبت داد. از جمله سؤالات بسیار مهم و حیاتی برای آینده کشور سوئد این است که آیا این کشور قادر به تأثیرگذاری بر جریان حوادث و رویدادها در آینده خواهد بود؟ آیا سوئد می‌تواند از پتانسیل‌ها و فرصت‌های ناشی از جهانی شدن نهایت بهره را ببرد یا خیر؟ اینجاست که سوئد با چالش‌های جدید در دهه‌های آینده مواجه می‌شود.

### توسعه فناوریانه

توسعه فناوریانه در کنار پیشرفت‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی یکی از پیشران‌های اصلی توسعه انسانی محسوب می‌شود. نوآوری و توسعه فناوریانه تعیین می‌کنند که چگونه لباس بپوشیم، چگونه غذا را تولید، بسته‌بندی، ذخیره و یا بپزیم و در کل چگونه زندگی کنیم؟ جابجایی کالاها و انسان‌ها چگونه باشد؟ چگونه ارتباط برقرار کنیم و یا چگونه مصرف کنیم؟ فرهنگ چگونه و توسط چه کسانی تولید، اشاعه و یا مصرف شود؟ چگونه، کجا و روی چه چیزی کار کنیم؟ نه دموکراسی و نه اقتصاد بازار بدون بهره‌گیری از دستاوردهای فناوریانه قادر به گسترش نبوده و نیستند.

پیشرفت‌های فناوریانه همراه با کنجکاو و میل به پیشرفت، عواملی هستند که توسعه بشری را تا به امروز ممکن کرده‌اند. اما همه این توسعه و پیشرفت مرهون تعامل میان فاکتورهایی چون فناوری، سیاست، اقتصاد، آکادمی، جامعه مدنی و بخش خصوصی است.

اگرچه توسعه فناوریانه برای آینده بشر بسیار مهم است، پیش‌بینی کم‌وکیف آنها نسبتاً مشکل است. علت مشکل بودن پیش‌بینی، به ذات و ماهیت آینده و خود فناوری برمی‌گردد. بحث و صحبت درخصوص آینده چالش‌های فناوریانه صرفاً مبتنی بر گمانه‌زنی انجام می‌شود. با این حال پژوهش‌های گسترده‌ای در سراسر جهان در دست اقدام است و بر اساس پیشرفت‌هایی که تاکنون به دست آمده است می‌توان تصویر اولیه‌ای از چالش‌های فناوریانه در سال‌ها و دهه‌های پیش‌رو به شرح زیر ارائه داد:

الف) دیجیتالی شدن مداوم و توسعه ICT،

ب) ماشینی شدن روزافزون و دیجیتالی شدن فرآیندهای تولید،

ج) توسعه مداوم فناوری‌های پزشکی پیشرفته،

د) توسعه مداوم فناوری‌های زیست‌محیطی.

الف) دیجیتالی شدن مداوم و توسعه ICT

یکی از مهمترین روندهای توسعه چنانچه پیش‌تر هم گفته شد، ظهور فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی (ICT) است. ساخت ریزپردازنده‌های قوی و ظهور شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی جدید، انقلابی را در سطح

جهانی به وجود آورده است. اگر توانایی استخراج و دسترسی به انرژی عمده‌ترین عامل توسعه اقتصادی و بازدهی در جوامع صنعتی بود، اصلی‌ترین عامل توسعه، رونق و بازدهی در عصر اطلاعات، فناوری تولید دانش، پردازش اطلاعات و ارتباطات نمادهاست.<sup>۱</sup> امروزه فناوری اطلاعات مرزهای جغرافیایی و زمانی را درنوردیده و دنیا را در امواج و شبکه‌های جهانی به هم متصل کرده است.

این تغییر پارادایمی مبتنی بر ICT چگونگی طراحی، تولید و توزیع کالاها و خدمات را تغییر داد. همچنین موجب تغییر در ساختار سازمان‌ها و شرکت‌ها و نیز ظهور سازمان‌های جدید شبکه‌محور و تمرکززدایی از اشکال مختلف سازمانی انجامید. آموزش از راه دور مکمل و یا جایگزین شیوه‌های سنتی تدریس و تحصیل شد. تغییرات شگرفی در خدمات بهداشتی و درمانی از طریق امکانپذیر شدن تشخیص، درمان و بعضاً انجام عمل‌های جراحی از راه دور و نیز ارائه راهنمایی و مشاوره به مدد بهره‌گیری از خدمات اینترنت شد.

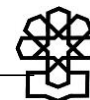
ICT همچنین زندگی روزمره ما و چگونگی برقراری ارتباط با دوستان و آشنایان را تحت تأثیر قرار داد. استفاده از پست الکترونیکی و شبکه‌های پیام‌سان اجتماعی تنها دو مثال از آسان‌تر شدن برقراری ارتباط میان ما و دوستان و آشنایان ما هستند. با این حال، ناشناس بودن در شبکه و این واقعیت که پیام‌های مخرب و توهین‌آمیز به سرعت و در مقیاس وسیع می‌توانند منتشر شوند، مشکلات جدیدی را پدید می‌آورد.

در دهه‌های پیش‌رو پیش‌بینی می‌شود که فناوری‌های اطلاعاتی قوی‌تر شده و ارتباط تنگاتنگی با فرآیندها می‌بایند: ارتباط درونی آنها با یکدیگر بیشتر شده و قدرت انتقال پیام بی‌سیم آنها بیشتر می‌شود و انتظار می‌رود که حل و فصل مسائلی که در گذشته و تا حدودی اکنون منوط به حضور فیزیکی ما بوده، در آینده از راه دور و به مدد بهره‌گیری از امکانات ICT قابل حصول باشد. صرفنظر از افراد، شرکت‌ها و یا ملت‌ها پیش‌بینی می‌شود که اتکای همگان بر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و شبکه‌های دیجیتال به‌طور روزافزونی بیشتر می‌شود. این تحول احتمالاً سئوالات جدیدی را درخصوص کم‌وکیف منطقی بودن انجام امور از طریق اتکای صرف به ICT پیش می‌کشد. سئوالاتی پیرامون چگونگی تأثیرپذیری افراد، سازمان‌ها و فعالیت‌ها به واسطه اتکای روزافزون بر این فناوری‌ها و در نتیجه کاهش ارتباطات فیزیکی و دیدارهای رودررو میان افراد به پیش می‌آید.

### ب) ماشینی شدن روزافزون و دیجیتالی شدن فرآیندهای تولید

در گذشته فرآیند تولید یک کالا شامل مراحل ساخت عناصر و قطعات تشکیل‌دهنده آن کالا و مونتاژ آنها در قالب یک محصول جدید بود. بخش زیادی از هزینه‌های تولید با پرداخت حقوق و دستمزد به

1. Castells, 2001.



نیروی انسانی مرتبط بود. طراحی محصولات عمدتاً در موطن تأسیس آن شرکت‌ها صورت می‌گرفت و تولید قطعات و مونتاژ آنها در کشورهای انجام می‌شد که همراه با بازدهی بیشتر و پرداخت حقوق و مزایای کمتر بود. امروزه این روند تغییر کرده است و بخش زیادی از فرآیند تولید قطعات و مونتاژ آنها از طریق به‌کارگیری روبات‌های صنعتی پیشرفته انجام می‌شود. نتیجه اینکه بازدهی کارها به‌صورت چشمگیری افزایش یافته است.

شاید مهمترین مثال از دیجیتالی شدن فرآیندهای تولید و انقلاب سوم صنعتی، توسعه فناوری‌های جدید بسیار پیشرفته نظیر چاپگرهای سه‌بعدی است که در توضیحی به زبان ساده قادرند طرحی دیجیتالی از محصول تولیدی مورد نظر خود را دریافت کرده و فرآورده فیزیکی سه‌بعدی مطابق آن طرح را تولید کنند. محصولات فیزیکی ساخته شده از پلاستیک، شیشه، تیتانیم و برخی از فلزات دیگر با این شیوه در حال تولید هستند. استفاده از این فناوری برای تولید که اکنون نسبتاً گران است به تدریج در حال گسترش می‌باشد و مطابق پیش‌بینی‌ها در آینده ارزان‌تر شده و تأثیرات عمیقی در حوزه‌های مختلف با خود به همراه خواهد داشت.

در نتیجه تأثیرات ناشی از دیجیتالی شدن روزافزون در فرآیندهای تولید و توسعه چاپگرهای سه‌بعدی، مدل‌های تجاری رایج کنونی و فرآیندهای ذخیره و تولید کالاها احتمالاً دچار چالش‌های فراوان بشوند. اما، احتمال پیش‌بینی دقیق ماهوی این تغییرات غیرممکن است. زمانی که فناوری‌های جدید ظهور می‌کنند، در ابتدا اهمیت آنها دستکم گرفته می‌شود و در ادامه زمانی که تأثیرات آنها به منصفه ظهور می‌رسند، درباره آنها مبالغه می‌شود. با این حال پیش‌بینی‌ها در خصوص نوع خاصی از فناوری همیشه محقق نمی‌شود، ولو اینکه در مواقعی نشانه‌های ابتدایی از وقوع آن به چشم آید.

اما یک چیز قطعی است: ماشینی شدن و دیجیتالی شدن فرآیندهای تولید ادامه خواهد یافت و این اتفاق با خود فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را برای افراد، شرکت‌ها و کشورها به همراه خواهد داشت. بنابراین یک تکلیف حیاتی برای سوئد این است که پیشرفت‌های فناورانه را به دقت رصد کرده و در خط مقدم بهره‌گیری از پتانسیل این پیشرفت‌های فناورانه باشد.

### ج) توسعه مداوم فناوری‌های پزشکی پیشرفته

حوزه دیگری که انتظار وقوع پیشرفت‌های شگرف در آن می‌رود، فناوری‌های پزشکی و درمانی است. بدون تردید نیازها در این حوزه بسیار گسترده است. طبق آمار سازمان بهداشت جهانی<sup>۱</sup> ۵۷ میلیون نفر در سال ۲۰۰۸ فوت شده‌اند و علت فوت ۳۶ میلیون نفر از این تعداد بیماری‌های عفونی و مسری بوده است. کشنده‌ترین بیماری‌های مسری عبارت بودند از مالاریا، سل و اچ. آی. وی (ایدز).

بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۸ نسبت میان افراد چاق و افراد معمولی دو برابر شده است. همچنین

---

1. The World Health Organization (WHO)

حد فاصل سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۲ تعداد افراد گروه سنی ۲۰-۷۹ سال که از بیماری دیابت رنج می‌برند، از ۳۰ میلیون نفر به ۳۷۰ میلیون نفر رسید. طبق پیش‌بینی‌ها این رقم در سال ۲۰۳۰، به ۵۵۲ میلیون نفر می‌رسد. برآوردها حاکی از این است که میزان مرگ‌ومیر ناشی از بیماری دیابت تا سال ۲۰۳۰، حدوداً ۶۶ درصد افزایش پیدا می‌کند.<sup>۱</sup>

به موازات افزایش سن افراد، مشکلات مرتبط با سلامت آنها نیز افزایش پیدا می‌کند و تعداد افرادی که همزمان از دو و یا چند بیماری رنج می‌برند، بیشتر می‌شود. امروزه در کشور سوئد حدوداً ۳۵۰ هزار نفر مبتلا به سرطان هستند، ۱۸۰ هزار نفر آشکالی از بیماری زوال عقل را دارند، ۲۰۰ هزار نفر از مشکلات و نارسایی‌های قلبی رنج می‌برند و رقمی بین ۴۰۰ الی ۷۰۰ هزار نفر دچار آشکالی از بیماری‌های مزمن تنفسی هستند.<sup>۲</sup> از آنجایی که بسیاری از این بیماری‌ها با افزایش سن، چاقی و سبک زندگی غیراستاندارد در ارتباط هستند، احتمالاً در سال‌های آینده این بیماری‌ها رایج‌تر و تعداد مبتلایان به آنها بیشتر می‌شود.

اگرچه تعداد مبتلایان به این بیماری‌ها رو به افزایش است، امروزه بیش از هر زمان دیگری امکان درمان این افراد فراهم آمده است. ساخت داروهای جدید و ابداع شیوه‌های جدید درمانی به مدد بهره‌گیری از ICT عمده‌ترین عامل کاهش مرگ‌ومیر ناشی از این بیماری‌هاست. به دلیل روندهای حاکم بر نظام سلامت در سوئد و سالخوردگی افراد، نیاز و تقاضا برای داروها و شیوه‌های جدیدتر درمانی بسیار گسترده‌تر از همیشه احساس می‌شود. همچنین به موازات این مسئله، احتمالاً آحاد جامعه نیز باید مسئولیت‌پذیری بیشتری در قبال سلامت خود برعهده بگیرند.

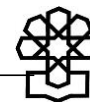
عامل مهم در فناوری‌های پزشکی در آینده، ترکیبی از پیشرفت‌ها در ICT، فناوری مواد و طب زیستی خواهد بود. امروزه تعداد بیشتری از امور پزشکی را می‌توان از راه دور سر و سامان داد و حتی روبات‌ها می‌توانند عمل‌های جراحی نسبتاً پیشرفته را هم انجام دهند. همچنین پیشرفت‌ها در ژن درمانی و درون کاشت (ایمپلانت) و درمان پزشکی منطبق با نیازهای افراد همچون گذشته ادامه دارد. امروزه هر فرد می‌تواند مقادیر زیادی از داده‌های مرتبط با وضعیت سلامت و پرونده پزشکی خود را در تلفن همراه خویش ذخیره کرده و به سهولت با خود جابجا کند.

با این حال غالباً روش‌های درمانی جدید، در ابتدا هزینه زیادی را برای افراد می‌تراشد. برای مثال، مجموعه‌ای از اقدامات تجویزی برای توقف روند رشد سرطان پوست، احتمالاً چند ده هزار کرون (واحد پول سوئد) خرج روی دست بیمار می‌گذارد. اما هرچه پیشرفت‌ها در فناوری‌های پزشکی بیشتر شود، تعداد افراد بیشتری می‌توانند از مرگ نجات یافته و یا طول عمر بیشتری داشته باشند.

یکی دیگر از پیامدهای این روندهای جمعیتی این است که به دلیل پیشرفت‌های پزشکی هر چه

1. WHO, 2012, PP. 34-83.

2. Beck-friis, 2013.



افراد عمر طولانی‌تری داشته باشند، تعداد بیشتری از آنها مبتلا به انواع مختلف بیماری‌های ناشی از کهولت سن شده و در نتیجه حجم تقاضا برای دسترسی به امکانات جدید درمانی بیشتر خواهد شد. در همین اثنا، مقاومت میکروب‌ها و باکتری‌ها در برابر آنتی‌بیوتیک‌ها افزایش یافته و این مسئله به نوبه خود باعث بروز مشکلات جدی در نبرد علیه بیماری‌های عفونی و باکتریایی خواهد شد. بنابراین پیشرفت‌ها در فناوری پزشکی چالش‌های سخت و جدی‌تری را در آینده با خود به همراه خواهد داشت.

**چالش اول**، یک کار اساسی، ابداع شیوه‌های درمانی جدید و کارآتر در مبارزه علیه بیماری‌هاست.

**چالش دوم**، به لحاظ اخلاقی، انتخاب‌های سختی است که ما باید به ناگزیر انجام بدهیم زمانی که تعداد افراد بیشتری را می‌توان با صرف هزینه بیشتر نجات داد، اما محدودیت منابع مالی چنین اجازه‌ای را به ما نمی‌دهد.

**چالش سوم**، مسائل اخلاقی و اعتقادی را دربرمی‌گیرد و زمانی است که بحث امکان جایگزینی اعضای بدن انسان به پیش می‌آید. این مسائل زمانی بغرنج‌تر می‌شود که تمایزها میان اقدامات و اعمالی که به دلیل مسائل پزشکی باید اتفاق بیافتد و اعمالی که به دلیل سودجویی و یا دلایل زیبایی و آرایشی انجام می‌شود، خیلی پررنگ و مشخص نباشد.

**چالش چهارم**، هم یک ماهیتی اخلاقی دارد دربردارنده مسائلی است که به لحاظ تکنیکی در قبل از تولد نوزاد ممکن است روی دهد همانند دستکاری ژنتیکی برای تعیین جنس نوزاد قبل از تولد آن.

**چالش پنجم**، ریشه در این واقعیت دارد که امروزه ترسیم نقشه ژنی افراد و تشخیص بیماری‌ها بر مبنای آن آسان شده است، اما امکانپذیر بودن انجام هر کاری لزوماً به معنای درست و اخلاقی بودن آن کار نیست.

#### **د) توسعه مداوم فناوری‌های زیست‌محیطی**

یکی از مهمترین چالش‌های آینده به مبارزه علیه تغییرات اقلیمی در سطح جهان و استفاده بیش از اندازه از منابع کره زمین است. عمده‌ترین وظیفه ما در این خصوص عبارتند از: کاهش و توقف انتشار گازهای گلخانه‌ای، تهیه منابع غذایی به نحوی که کمترین آسیب را به زیست‌بوم وارد کند و تولید انرژی به شیوه‌ای است که حداقل تخریب را برای محیط زیست به همراه داشته باشد. این مهم همچنین مستلزم یافتن راه‌های بهتر برای ارج نهادن به سرمایه‌های طبیعی و انواع متفاوت خدمات اکوسیستم خواهد بود. مقابله با این چالش‌ها بدون استفاده از پیشرفت‌های فناورانه و ابداعات جدیدتر میسر نخواهد بود.

اگرچه چالش‌های پیش‌رو بسیار خطیر هستند، اما دلایلی برای خوش‌بینی وجود دارد: نوآوری‌ها اغلب به دلیل ترکیبی از ۴ عامل کلیدی کنجکاوی، ترس، میل به کسب درآمد و تمایل به انجام دادن کارها به نحو احسن پدید می‌آیند.

در مقیاس جهانی، تولید برق بیشترین سهم را در انتشار کربن داشته است و به دنبال آن انتشار گازهای تولید شده ناشی از فعالیت بخش حمل‌ونقل، بخش صنعت و نیز منازل مسکونی به ترتیب بیشترین سهم را در آلوده کردن محیط زیست به خود اختصاص داده‌اند. امروزه حدود دوسوم برق تولید شده در جهان از طریق سوزاندن سوخت‌های فسیلی نظیر زغال سنگ، نفت و گاز تأمین می‌شود. بنابراین یک امر حیاتی در سوئد باید کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی، استفاده کارآتر از منابع انرژی و نیز تأمین انرژی از منابع تجدیدپذیری باشد که گازهای گلخانه‌ای کمتری را تولید می‌کنند. برای نیل به این هدف، تلاش‌های زیادی از نوع تحقیق و توسعه در حال انجام است. مثال‌هایی از توسعه منابع انرژی تجدیدپذیر استفاده بیشتر سوخت‌های زیستی<sup>۱</sup> انرژی هیدرولیک و انرژی‌های ناشی از باد و یا خورشید است. در سال ۲۰۱۰، تنها ۲۰ درصد از میزان برق تولید شده در سراسر جهان از منابع تجدیدپذیر بوده است. پیش‌بینی می‌شود که این رقم در سال ۲۰۳۵ به ۳۱ درصد بالغ شود<sup>۲</sup>.

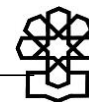
امروزه استفاده از انرژی خورشیدی در سراسر جهان به سرعت در حال گسترش است. اما عامل بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در آینده استفاده از انرژی خورشیدی، توسعه فناوری‌های پیشرفته برای جذب و ذخیره سازی این نوع انرژی و کاهش روزافزون هزینه‌های نسبی تولید آن می‌باشد. اینجا است که پیشرفت‌های فناوری‌ها همراه با افزایش حجم آنها، در جستجو برای انواع بادوام‌تر تولید انرژی اهمیت اساسی پیدا می‌کنند. همین قاعده در مورد توسعه مستمر انرژی‌های بادی و هیدروالکتریکی صادق است.

برای مثال امروزه تحقیقات برای پیشبرد تکنیک‌هایی برای تولید برق از امواج دریاها و اقیانوس‌ها در ساحل غربی سوئد در جریان است. همچنین استفاده از انرژی هسته‌ای نیز نقش مهمی در تأمین منابع انرژی در سطح جهان ایفا می‌کند.

چالش مهم دیگر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از فعالیت بخش حمل‌ونقل است. با استفاده از فناوری‌های جدید می‌توان شیوه‌های راندن وسایل نقلیه، میزان سوخت مورد استفاده در هر کیلومتر و ترکیب سوخت‌های فسیلی را بهینه کرده و آسیب کمتری به کره زمین زد. همچنین انتظار می‌رود که توسعه سوخت‌های زیستی همانند بیوگاز، اتانول و بیودیزل نیز کماکان ادامه یابد.

در کشور سوئد، استخراج و استفاده از نسل دوم سوخت‌های زیستی که از نواحی جنگلی تأمین

1. Biofuels  
2. IEA, 2012.



می شوند، در حال گسترش است. همچنین تحقیقات و سبب تری در زمینه تولید سوخت از جلبک‌های اصلاح شده به لحاظ ژنتیکی به‌عنوان منبع تولید انرژی در حال انجام است که به‌صورت بالقوه می‌تواند جایگزین بسیار کارآتری برای تولید انرژی باشد.

یک کار مهم دیگر، توسعه سیستم‌های بهتر و هوشمندتر برای ذخیره و توزیع برق است. پژوهش‌هایی در این حوزه برای توسعه نظام‌های هوشمندتر ذخیره و توزیع جریان الکتریسیته در جریان است که به آن شبکه‌های توزیع برق هوشمند<sup>۱</sup> می‌گویند. درست همان‌گونه که اینترنت توانسته است کامپیوترها را در یک شبکه ارتباطی جهانی به یکدیگر متصل کند، شبکه توزیع برق هوشمند نیز می‌تواند کالاهای متعدد و متفاوت برقی را به یکدیگر متصل کرده و نظامی طراحی کند که به وسیله آن همه مصرف‌کنندگان در هر زمانی بدانند که میزان دقیق انرژی برق مورد نیاز چقدر است و از این شیوه برای صرفه‌جویی در مصرف برق بهره بگیرند. حسگرهای هوشمند متصل به هم می‌توانند تشخیص دهند که در هر لحظه کدام کالای برقی دارد استفاده می‌شود و آیا مثلاً کسی در اتاق هست یا خیر. درست همان‌گونه که کامپیوترها و تلفن‌های همراه در مواقعی که کسی از آنها استفاده نمی‌کند به حالت خواب<sup>۲</sup> می‌روند، از فناوری می‌توان به گونه‌ای بهره گرفت که لوازم برقی دیگر هم بتوانند چنین قابلیت‌هایی داشته باشند.

همچنین از فناوری‌های جدید می‌توان برای تولید غذا به گونه‌ای مطلوب سود برد. طبق برخی از پیش‌بینی‌ها جمعیت جهان در سال ۲۰۵۰ به ۹/۳ میلیارد نفر می‌رسد و تقاضا برای غذا تا سال ۲۰۳۰، حدوداً ۳۵ درصد افزایش می‌یابد<sup>۳</sup>. با استفاده از فناوری‌های جدید ضمن اینکه می‌توانیم غذای بیشتری تولید کنیم، قادر خواهیم بود از منابع زمینی و دریایی به گونه‌ای پایدار بهره‌برداری کرده و امکان استفاده نسل‌های آتی از منابع کره زمین را نیز میسر سازیم.

## نتیجه‌گیری

مثال‌هایی که در بالا ذکر شد تنها برخی از حوزه‌هایی است که پیشرفت‌های فناورانه در آنها تأثیرات زیادی در تمامی سطوح جامعه خواهد گذاشت. در نتیجه بسیار حیاتی است که پیشرفت‌ها در این زمینه‌ها را از نزدیک دنبال کرده و تبعات و چالش‌های آنها را تجزیه و تحلیل کنیم. همچنین ضروری است که زمینه نوآورانه و خلاقانه‌ای را ایجاد کنیم که از آن طریق کشور سوئد و شرکت‌ها و پژوهشگران سوئدی را قادر کند تا کمک بیشتری در ارتقای پیشرفت‌های فناورانه بکنند. همچنین ما باید بهترین شرایط ممکن را برای مواجهه با دیگر چالش‌های آینده در زمینه‌های مهم فراهم کنیم. جهانی شدن مزایا و معایبی را با خود به همراه دارد. آینده سوئد تا حدود زیادی به این مسئله

---

1. Smart Grids  
2. Sleep Mode  
3. NIC, 2012.

بستگی دارد که افراد، شرکت‌ها و بخش خصوصی تا چه اندازه می‌توانند در تلاش‌هایشان برای رشد و توسعه موفق باشند. توانایی سوئد برای ایجاد زمینه‌ای نوآورانه برای جذب و تشویق افرادی که می‌توانند به توسعه کشور کمک کنند، چالش مهم دیگر است. تداوم پیشرفت سوئد در آینده، نوسازی، توسعه و کارآفرینی دائمی را ضروری می‌کند.

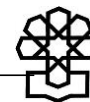
این تلاش معطوف به تمامی سطوح جامعه سوئد می‌شود. اگرچه سوئد نمی‌تواند در این حوزه به‌عنوان رهبر جهانی عمل کند، اما کاملاً ضروری است که این کشور قدرت رقابت‌پذیری خود را دائماً افزایش داده و فرهنگ نوآوری و خلاقیت تشویق شود، برای جذب فناوری‌های جدید سریع‌اً اقدام شود و دانش و مهارت‌های جدید اشاعه شود. در این خصوص مثال‌هایی گویا از گذشته خود سوئد می‌توان ذکر کرد، جایی که شرکت‌هایی نظیر اریکسون، ABB، SKF، IKEA، و H&M در توسعه فناوری‌ها و محصولات جدید پیشگام در عرصه جهانی شدند.

ابتکارات جدید در این شرکت‌ها علاوه بر اینکه موفقیت‌های سرشار مالی برای صاحبان آنها به همراه داشت، باعث ایجاد چند صد هزار شغل جدید شده و در نتیجه افزایش رفاه و بهبود زندگی مردم سوئد را به شیوه‌های گوناگون در پی داشته است.

شایان ذکر است که سوئد هم در گذشته و هم در حال حاضر بهره فراوانی از تنوع فرهنگی، فرهنگ تساهل، آزادی و استقبال از ایده‌های جدید و خلاقانه برده است و این مهم در آینده نیز تداوم می‌یابد. همچنین یکی دیگر از موهبت‌های بزرگ سوئد برخورداری از نسبت جمعیت تحصیل کرده و متخصص فراوان است.

جهانی شدن علاوه بر اینکه فرصت‌های فراوانی را برای رشد و رفاه با خود به همراه می‌آورد، متضمن رقابت جهانی و فشارهای خارجی برای تغییر نیز هست. پس علاوه بر همگام شدن با پیشرفت‌های جهانی و ارتقای سطح بازدهی، خلاقیت و نوآوری مردم و شرکت‌ها، باید انعطاف‌پذیری و قابلیت سازگاری بیشتر را نهادینه کرد. این تکلیف، هم به سوئد به‌عنوان یک کشور برمی‌گردد و هم به افراد، شرکت‌ها و سازمان‌های سوئدی.

پیشرفت‌های فناورانه با خود مزایا و معایبی را به همراه می‌آورد و در نتیجه متضمن چالش‌هایی برای آینده سوئد است. نتایج و پیامدهای پیشرفت‌های فناورانه، غالباً سخت قابل پیش‌بینی هستند و معمولاً با خود سئوالات اخلاقی و عملی پیچیده‌ای را به همراه می‌آورند. همچنین ترکیبی از فرآیند جهانی شدن و پیشرفت‌های فناورانه موجب وقوع تغییراتی در بازار کار و صلاحیت‌ها و توانایی‌های افراد می‌شوند. چالش‌های اساسی در پیش روی سوئد است. سوئد باید مسیر را برای ایجاد مشاغل جدید، صنایع و بخش‌هایی که حتی تصور آنها اکنون برای ما مشکل است، هموار کند. حتی اگر به‌صورت دقیق از پیش‌بینی آینده عاجز باشیم، اما لاقلاً این را می‌دانیم که نیاز برای دانش، مهارت، کارآفرینی، نوآوری و خلاقیت هرگز کمتر نخواهد شد، بلکه احتیاج و اتکا به آنها افزون‌تر خواهد شد.



## فصل دوم - چالش‌های توسعه پایدار

یکی از مهمترین وظایف کمیته آینده‌نگری سوئد، تدوین و تضمین راهکارهایی برای توسعه پایدار سوئد است. طبق تعریف «کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه سازمان ملل متحد»<sup>۱</sup> که به آن «کمیسیون برون‌تلاند»<sup>۲</sup> هم می‌گویند، مفهوم توسعه پایدار به توانایی بشر برای برآورده کردن احتیاجات کنونی خود بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های بعدی برای رفع احتیاجات آنها اطلاق می‌شود. بنابراین توسعه پایدار مسئله محترم شمردن و تأمین آزادی و فرصت‌های برابر برای نسل‌های مختلف - و از جنبه جهانی - فراتر از مرزهای جغرافیایی ملی هر کشوری است.<sup>۳</sup>

توسعه پایدار فقط از منظر توسعه اکولوژیکی بررسی نمی‌شود و نمی‌توان این مقوله را از دیگر موضوعات در جامعه منفک و به صورت انتزاعی بررسی کرد. اگر بخواهیم به توسعه پایدار دست یابیم، باید جامعه و مسائل آن را به صورت یک کل درهم تنیده، یعنی به عبارت دیگر یک اکوسیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اکولوژیکی و فرهنگی که در آن اجزای مختلف با یکدیگر مرتبط بوده و روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند، ببینیم و درک کنیم.

مثال روشنی در این خصوص، رابطه میان رشد اقتصادی و تداوم‌پذیری اکولوژیکی است. به لحاظ تاریخی و در سطح جهانی اثبات شده است که رشد اقتصادی آثار مخربی بر محیط زیست دارد و همزمان تأثیرات مخرب زیست‌محیطی نیز می‌تواند به کاهش ارزش خدماتی که محیط زیست می‌تواند برای انسان‌ها ارائه کند - خدمات اکوسیستمی - منجر شود. همچنین مشکلات زیست‌محیطی هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی و نیز هزینه‌های مربوط به بخش سلامت را افزایش می‌دهد.

یکی دیگر از دلایل ناظر بر اهمیت نگرش به جامعه به‌عنوان یک کل درهم تنیده، درک این مسئله مهم است که تداوم‌پذیری اکولوژیکی تنها درباره محیط زیست و حفظ آن نیست. این امر، موضوعی مهم در سیاستگذاری‌های امنیتی است و ما هم‌اکنون در سراسر جهان شاهد مناقشه‌هایی هستیم که علت شروع آنها قحطی و خشکسالی‌های ناشی از تغییرات اقلیمی است (مثل بحران سوریه در مراحل ابتدایی آن) و بحران‌های مهاجرتی را با خود به دنبال داشته است. امروزه شاهدیم که مسئله تهدیدات امنیتی ناشی از این مهاجرت‌ها و آوارگی‌های انبوه به یکی از اصلی‌ترین چالش‌های سیاستگذاری امنیتی کشورهای توسعه یافته مبدل شده است.

بنابراین نه تنها مفهوم توسعه پایدار جنبه‌های متعددی را دربرمی‌گیرد، بلکه خود این جنبه‌ها نیز با یکدیگر در حال کنش و واکنش هستند. سیاستگذاری مناسب برای رسیدن به توسعه پایدار در آینده سوئد، نیاز به درک بالاتری از این مسئله به‌عنوان یک کل منسجم و درهم تنیده دارد.

1. U.N. World Commission on Environment and Development

2. Brundtland Commission

3. UN, 1987. See also UN, 2012a; <http://www.regeringen.se/sb/d/1591>

موضوع مهم دیگر توجه به عنصر «عدم قطعیت»<sup>۱</sup> در آینده و الزامات مترتب بر آن است. برای مثال اینکه اقتصاد جهانی و اقتصادهای ملی - مثل اقتصاد سوئد - در آینده چه مقدار رشد خواهند داشت، یا مثلاً اکوسیستم‌ها تا چه میزان از افزایش مستمر گرمایش کره زمین تأثیر می‌پذیرند و یا تغییرات در موازنه قوا در سطح جهانی در آینده چگونه است، همگی مسائلی هستند که نمی‌توان با قطعیت درباره و وضعیت آنها در آینده قضاوت کرد. در نتیجه سوئد باید خود را برای سناریوهای متعدد در آینده آماده کند.

درست به دلیل همین عدم قطعیت است که «تاب‌آوری»<sup>۲</sup> اقتصادی، سیاسی، اکولوژیکی و اجتماعی جامعه اهمیت بسیار فراوانی می‌یابد و در تحلیل ریسک سازمان‌های سیاستگذار بین‌المللی نظیر «تربون اقتصادی جهانی»<sup>۳</sup> به آن توجه و تأکید می‌شود. تاب‌آوری در اینجا به توانایی اکولوژیکی و اجتماعی سیستم در بلندمدت برای سازگاری با تغییرات و توسعه‌پذیری بیشتر و همچنین توانایی مقابله با محدودیت‌ها - و در وضعیت پس‌بحران - احیای نقش‌های حیاتی و برگشت به وضعیت نرمال اطلاق می‌شود.<sup>۴</sup>

### چالش‌های توسعه اکولوژیکی

برای بسیاری از سوئدی‌ها و مردمان دیگر نقاط جهان، حتی تصور چالش‌هایی که پیش روی آنها برای نیل به توسعه اکولوژیکی پایدار در آینده قرار دارد مشکل است. درک حجم عظیم گازهای گلخانه‌ای که ما هر روزه در حال تولید و انتشار آن هستیم و ضربه‌ها و خسارت‌های مداومی که هر یک از ما در زندگی روزمره خودمان به تنوع بیولوژیکی محیط پیرامون خود می‌زنیم، امری نسبتاً ثقیل است. در مقیاس جهانی، ادامه روندهای کنونی در بلندمدت از بسیاری از جهات امکان‌پذیر نیست. همچنین اجماع گسترده‌ای در میان پژوهشگران و دانشمندان وجود دارد که فعالیت‌های انسانی در افزایش میانگین درجه گرمای کره زمین تأثیر داشته و گرمایش جهانی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های همه ما در آینده است. تغییرات اقلیمی - و نیز کمبود منابعی نظیر آب پاکیزه، غذا و انرژی و معضلاتی همانند فقر، فقدان آزادی و شیوع بیماری‌های همه‌گیر - مهمترین چالش کره زمین در آینده است و کشور سوئد هم به نوبه خود از آن تأثیر می‌پذیرد و بر آن اثر می‌گذارد.

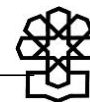
علاوه بر این، پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که تا سال ۲۰۵۰، به جمعیت جهان ۲/۲ میلیارد نفر افزوده می‌شود و کل تولید ناخالص داخلی در سطح جهانی تا ۴ برابر افزایش پیدا خواهد کرد و نسبت افرادی که در نواحی شهری زندگی می‌کنند از ۵۰ درصد رقم کنونی به ۷۰ درصد تا سال ۲۰۵۰

1. Uncertainty

2. Resilience

3. World Economic Forum

4. World Economic Forum, 2013; <http://www.stockholmresilience.org/21/hem/forskning/vad-ar-resiliens.html>



خواهد رسید.<sup>۱</sup> مطابق پیش‌بینی‌ها یکی از پیامدهای این افزایش جمعیت و رشد شگرف اقتصادی، به وجود آمدن یک شکاف ۴۰ درصدی بین تقاضا برای دسترسی به آب پاکیزه و میزان عرضه آن باشد.<sup>۲</sup> تا زمانی که راهکاری برای افزایش رشد و توسعه اقتصادی همراه با صیانت از محیط زیست و کنترل تغییرات اقلیمی پیدا نکنیم، این بحران عمیق‌تر می‌شود.

برخی از حوزه‌هایی که بحران در آنجا نمود بیشتری می‌یابد عبارتند از: تغییرات اقلیمی، تنوع زیست محیطی، اکوسیستم اقیانوس‌ها، منابع آبی و تأمین و عرضه غذا در آینده.

یک راه برای رسیدن به توسعه پایدار، حرکت به سمت «رشد سبزتر»<sup>۳</sup> است. بنا بر تعریف OECD، رشد سبز، رشدی است که در محدوده و چارچوب مقدرات اکوسیستم روی می‌دهد و همچنین اجازه می‌دهد که طبیعت کما فی‌السابق منابع و خدمات زیست‌محیطی که رفاه و زندگی روزمره انسان‌ها به آن متکی است، را فراهم کند.<sup>۴</sup> این تعریف همراستا با تعریف سازمان ملل از «اقتصاد سبز»<sup>۵</sup> است، یعنی اقتصادی که قادر به تولید منابعی است که رفاه انسان‌ها و برابری اجتماعی را افزایش داده و همزمان به‌صورت چشمگیری خطرات زیست‌محیطی کمبودهای اکولوژیکی را کاهش داده و کنترل می‌کند.<sup>۶</sup>

پاره‌ای از اصلی‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی در آینده عبارتند از:

**جنگل‌زدایی:** بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض خطر نابودی و انقراض قرار گرفته‌اند. همچنین نتایج پژوهش‌های مختلف نشان داده است که طی ۳۰۰ سال گذشته بین ۲۰ تا ۴۰ درصد از جنگل‌های سراسر دنیا نابود شده‌اند.<sup>۷</sup> نابودی تنوع زیست‌محیطی موضوع بسیار نگران‌کننده‌ای است، زیرا یکی دیگر از تبعات آن کاهش تاب‌آوری اکوسیستم است. برای مثال گونه‌هایی گیاهی که گرده گل پخش می‌کنند، بخش مهمی از اکوسیستم محسوب می‌شوند. اگر ۱۰ گونه گیاهی گرده‌افشان در جایی وجود داشته باشد، انقراض یک یا دو گونه از آنها ضرورتاً کل اکوسیستم را به خطر نمی‌اندازد. اما در جایی که تنها یک یا دو گونه از این گیاهان وجود داشته باشد، تبعات انقراض آنها می‌تواند بسیار جدی و نگران‌کننده باشد. در نتیجه وجود گونه‌های کمتر به معنای آسیب‌پذیری بیشتر و کاهش میزان تاب‌آوری اکوسیستم است.

جنگل‌زدایی از این بابت نگران‌کننده است که تنوع زیستی در جنگل‌ها بسیار بیشتر از دیگر نقاط کره زمین است. به‌ویژه جنگل‌های نواحی استوایی که اگرچه تنها ۷ درصد از سطح کره زمین را اشغال

1. Fao, 2009.

2. McKINSEY, 2009, P.5.

3. Greener Growth

4. OECD, 2011b.

5. Green Economy

6. <http://unep.org/greeneconomy/aboutgei/whatisgei/tabid/29784/default.aspx>

7. Millenium Ecosystem Assessment, 2005.

کرده‌اند، اما بیش از نیمی از تمامی گونه‌های گیاهی و جانوری کره زمین را در خود جای داده‌اند. **اکو سیستم اقیانوس‌ها:** اکو سیستم اقیانوس‌ها و میزان و روش‌های ماهیگیری نیز در دهه‌های اخیر در وضعیت خطرناکی به سر می‌برد. از ابتدای دهه ۱۹۵۰ تا اکنون میزان ماهیگیری ۴ برابر افزایش یافته است. در مساحتی حدود ۳۰ درصد از پهله اقیانوس‌ها میزان صید ماهی بیش از حد استاندارد بوده و حدود ۵۰ درصد دیگر نیز به کلی تهی از آبریان و ماهی‌ها شده‌اند.<sup>۱</sup>

**کمبود دسترسی به آب و منابع آبی:** دسترسی به آب و منابع آبی نیز وضعیت مساعدی ندارد و طبق پیش‌بینی‌ها در آینده این وضعیت وخیم‌تر نیز می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهند که تقاضا برای دسترسی به آب آشامیدنی پاکیزه تا سال ۲۰۵۰، به میزان ۵۵ درصد افزایش پیدا می‌کند. این درست است که جهان اکنون به اهداف توسعه هزاره مبنی بر کاهش ۵۰ درصدی تعدادی افرادی که هم‌اکنون به آب پاکیزه دسترسی ندارند رسیده است، اما فراموش نباید کرد که هنوز هم ۸۰ درصد از جمعیت جهان در نواحی زندگی می‌کنند که منابع آبی در آنها در معرض تهدید قرار دارند.<sup>۲</sup>

**آینده تأمین مواد غذایی:** به دلیل افزایش جمعیت جهان و بهبود شرایط رفاهی، پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که برای برآورده کردن میزان تقاضای جهانی، تولید غذا نیز باید به صورت چشمگیری افزایش یابد. این افزایش تولید غذا به خصوص برای کشورهای در حال توسعه ضرورت دارد زیرا نرخ رشد جمعیت این کشورها بالاتر از استاندارد جهانی است. اما چالش اصلی در این خصوص کمبود منابع و اقلام کشاورزی حیاتی نظیر غلات، برنج و آب است. این چالش زمانی وخیم‌تر می‌شود که بدانیم امروزه بیش از ۲۵ درصد از زمین‌های کشاورزی به شدت آسیب‌دیده و در حال نابودی هستند و برای تأمین مواد غذایی بیشتر، فشار زیادی روی آنها آورده شده و سرعت نابودی آنها نیز بیشتر می‌شود. در نتیجه باید راهکارهایی برای ایجاد موازنه بین این دو امر خطیر یعنی تأمین مواد غذایی بیشتر از یک سو و صیانت و حفاظت از زمین‌ها و منابع کشاورزی از سوی دیگر یافت.

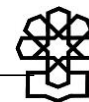
**افزایش بسامد وقوع فجایع طبیعی و خسارات ناشی از آب و هوای بد:** کمیته تغییرات اقلیمی و آسیب‌پذیری دولت سوئد<sup>۳</sup> پیش‌بینی کرده است که موج هوای گرم و بارندگی‌های شدید متأثر از پدیده گرمایش زمین در آینده به پدیده‌ای عادی تبدیل شود. افزایش بارندگی به بالاتر آمدن سطح آب دریاها و رودخانه‌ها و در نتیجه وقوع سیل منجر شده و خسارات قابل توجهی به بار خواهد آورد. همچنین پدیده گرمایش زمین قحطی و خشکسالی را در نواحی مستعد جهان تشدید می‌کند. خسارات ناشی از تغییرات اقلیمی از چند میلیارد دلار در دهه ۱۹۸۰ به رقم بی‌سابقه ۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده است.<sup>۴</sup>

1. Fao, 2012b.

2. OECD, 2012a; See also World Bank, 2012.

3. The Government's Climate and Vulnerability Committee

4. Swedish Government Official Report, SOU 2007, p.60.



**عدم قطعیت پیش‌بینی‌ها:** عامل مهم دیگر عدم قطعیت در خصوص پیش‌بینی‌ها در آینده است. تأثیر تغییرات اقلیمی بر محیط زیست و منابع طبیعی هیچ موقع نمی‌تواند به صورت قطعی و دقیق سنجیده و برآورده شود. همچنین پیش‌بینی دقیق در خصوص پیش‌آمدهای احتمالی تا سال ۲۰۵۰ در صورت استمرار تعلق و انفعال از سوی ما به عوامل متعدد و متنوعی نظیر فرسایش‌هایی که دانشمندان مطرح می‌کنند، میزان اطلاعات و دانش در دسترس آنها و نیز شدت این تغییرات و مکان وقوع آنها بستگی دارد.

درست به دلیل همین مقدار بالای عدم قطعیت است که باید میزان تاب‌آوری و مقاومت بخش‌های مختلف کشور تقویت شود. در یک ارزیابی کلی پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که سوئد در زمره کشورهای است که کمترین آسیب مستقیم را از تغییرات اقلیمی و تبعات ناشی از آن متحمل می‌شود. اما به عنوان عضوی از جامعه جهانی، سوئد به ناگزیر در آینده باید با تبعات غیرمستقیم این تغییرات اقلیمی دست و پنجه نرم کند. در نتیجه توانایی برای سازگاری با پیامدها و آسیب‌های احتمالی غیرمستقیم ناشی از گرمایش جهانی و مقابله با استرس‌های گوناگون عاملی بسیار مهم در آینده سوئد است.

اهداف سیاست‌گذاری اقلیمی و زیست‌محیطی سوئد بسته به ماهیت موضوع و چالشی که با آن دست و پنجه نرم خواهد کرد، باید همزمان اقدامات و تمهیداتی را در سطح محلی، ملی و جهانی دربرگیرد.

در خصوص آینده و چالش‌های مترتب بر آن مطالعات کمیته آینده‌نگری سوئد نشان می‌دهد که از سویی در خصوص وقایعی که در آینده روی می‌دهند عدم قطعیت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. ما دقیقاً نمی‌دانیم که آینده چه پیش روی ما خواهد گذاشت و کدام یک از پیش‌بینی‌های ما به وقوع می‌پیوندد. در سطح دیگر بر اساس دانسته‌های کنونی ما، بهره‌برداری بیش از حد از منابع حیاتی کره زمین به گونه‌ای است که الگوها و روندهای کنونی به لحاظ اکولوژیکی قابل استمرار نیستند.

چالش در اینجا تنها به تأخیر انداختن آثار مخرب زیست‌محیطی فعالیت‌های انسانی نیست. در یک چشم‌انداز وسیع‌تر، کار مهمی که ما اینجا در سوئد باید انجام دهیم، حرکت به سمت اقتصاد سبز و رشد سبزتر است، به گونه‌ای که تداوم‌پذیری اکولوژیکی بتواند با تداوم‌پذیری اجتماعی و اقتصادی همزمان مد نظر قرار گیرد. برای نیل به این مهم، باید همواره صیانت و توجه بیشتر به خدمات اکوسیستم و سرمایه‌های طبیعی که خداوند برای انسان‌ها فراهم کرده در دستور کار قرار گیرد. منظور از خدمات اکوسیستم، تمامی کالاها، خدمات و فرآیندهایی است که اکوسیستم برای بشر فراهم می‌آورد و زندگی انسان‌ها به آنها متکی بوده و از آنها بهره می‌گیرند. با این تعریف یک دریاچه، یک رودخانه و کل یک منطقه می‌تواند اکوسیستم تلقی شود.

چون هر اکوسیستمی متشکل از یک کل در هم تنیده و منسجم است، تغییرات خواسته یا

ناخواسته در هر بخش از اکوسیستم، تأثیراتش را در دیگر بخش‌ها نیز می‌گذارد. در بلندمدت، یک پیش‌نیاز مهم و ضروری برای تعیین اینکه آیا رشد، قابل‌تداوم و پایدار است یا خیر، ارزیابی شایسته خدمات اکوسیستم و سرمایه‌های طبیعی است. کمیته آینده‌نگری سوئد فعالانه به دنبال طراحی و توسعه راهکارهای مناسب برای دستیابی به توسعه پایدار است. تلاش‌های زیادی برای سنجش و ارزش‌گذاری سرمایه‌های طبیعی و خدمات اکوسیستمی برای لحاظ کردن آنها در تولید ناخالص داخلی سوئد در حال انجام است. برای مثال «انستیتو ملی پژوهش‌های اقتصادی سوئد»<sup>۱</sup> سال‌ها به دنبال یافتن راهکاری برای فرموله کردن شاخص‌های مناسب برای اندازه‌گیری «تولید ناخالص ملی سبز»<sup>۲</sup> (NNP) بود. برای به‌دست آوردن تولید ناخالص ملی سبز، استهلاک سرمایه ثابت و تغییرات در منابع طبیعی را باید از تولید ناخالص داخلی کسر کرد. اما به‌دلیل مشکلاتی که در راه ایجاد و اندازه‌گیری این شاخص‌ها با آنها مواجه شد، انستیتو پروژه فوق‌الذکر را متوقف کرد. با این حال تعدادی از پروژه‌های ملی و بین‌المللی جدید و جالب برای یافتن روش‌هایی برای محاسبه سرمایه طبیعی و خدمات اکوسیستمی در حال انجام است.

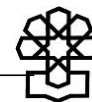
«سازمان حفاظت از محیط زیست سوئد»<sup>۳</sup> اخیراً گزارش ملی را منتشر کرده است که در آن اطلاعاتی را در خصوص اکوسیستم‌های مهم و نیز خدمات اکوسیستمی در کشور سوئد گردآوری کرده است.<sup>۴</sup>

همچنین یک پروژه بین‌المللی دیگر در این راستا، «نظام حسابرسی زیست‌محیطی - اقتصادی سازمان ملل متحد»<sup>۵</sup> (SEEA) است که استانداردهای بین‌المللی پذیرفته شده‌ای را برای حسابرسی ملی و نیز تولید آمارهای زیست‌محیطی قابل ترکیب با آمارهای اقتصادی فراهم می‌آورد.

یک پروژه بین‌المللی دیگر، «حسابرسی ثروت و ارزش‌گذاری خدمات اکوسیستمی بانک جهانی»<sup>۶</sup> (WAVES) است که به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از کشورهای، نهادهای زیرمجموعه و مرتبط با سازمان ملل، سازمان‌های غیردولتی و کسب‌وکارها می‌پردازد. هدف WAVES طراحی و توسعه روش‌هایی برای محاسبه منابع طبیعی و ارزش خدمات اکوسیستم به گونه‌ای است که این داده‌ها بتوانند با گزارش‌ها و آمارهای ملی سنتی ترکیب شوند و از این طریق ما بتوانیم به یک شاخص کلی و جامع برای سنجش و وضعیت رفاه یک کشور و اینکه آیا رشد در آن کشور، پایدار و قابل‌دوام است یا خیر، برسیم.

سومین پروژه جالب بین‌المللی در این خصوص «اقتصاد اکوسیستم‌ها و تنوع بیولوژیکی»<sup>۷</sup> است که

- 
1. The Swedish Environmental Protection Agency
  2. Green Net National Product
  3. The Swedish Environmental Protection Agency
  4. Swedish Environmental Protection Agency, 2012c.
  5. UN System of Environmental-economic Accounting (SEEA)
  6. The World Bank Wealth Accounting and Valuation of Ecosystem Services (WAVES)
  7. The Economics of Ecosystems and Biological Diversity



هدف آن یافتن راه‌هایی برای اندازه‌گیری اهمیت اقتصادی تنوع بیولوژیکی و سنجش بهای نابودی این تنوع به زبان اقتصادی است.

پروژه چهارمی را نیز می‌توان به این لیست اضافه کرد و آن برنامه «اهداف توسعه پایدار»<sup>۱</sup> (SDGs) سازمان ملل متحد است. در زمان نگارش این گزارش، یک کارگروه بین‌المللی مشغول تهیه و نگارش این اهداف بود.

تلاش‌های متعددی که تاکنون برای محاسبه تولید ناخالص داخلی (GDP) با لحاظ کردن سرمایه‌های طبیعی و خدمات اکوسیستمی انجام شده است، با چالش‌هایی همراه بوده و همچنین درک ما از کم‌و کیف این خدمات هنوز کامل نیست. در نتیجه بسیار ضروری است که چیزهای بیشتری در این حوزه بیاموزیم و شیوه‌ها و ابزارهای مناسبی را طراحی کنیم تا به مدد آنها بتوانیم ارزش خدمات اکوسیستم را در سال‌های پیش‌رو لحاظ کنیم. اگر چه سوئد با موفقیت کامل در این مسیر هنوز فاصله زیادی دارد، اما تلاش‌های زیادی در این راه در حال انجام است. بخش‌های تجاری نیز کمابیش به خطیر بودن این مهم پی‌برده و پیامدهای زیست‌محیطی اقدامات خود را به هنگام پیشبرد امور مد نظر قرار می‌دهند.

امروزه اگرچه بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی به‌ویژه مشکلات مرتبط با تغییرات اقلیمی ماهیتی جهانی دارند، اما تعداد قابل توجهی از آنها ماهیت ملی و محلی داشته و کلیه کشورها به‌صورت جداگانه مسئولیت دارند از توسعه پایدار اکولوژیکی خود اطمینان خاطر کسب کنند.

وضعیت کنونی آب و هوا در شهرها و روستاهای سوئد پاکیزه‌تر از گذشته بوده و تعداد دریاچه‌های اسیدی و میزان آنها کاهش یافته است. حجم انتشار گازهای گلخانه‌ای در حال حاضر در سوئد به ۶۰ درصد این میزان در ۴۰ سال قبل رسیده است و این رقم بسیار دلگرم‌کننده است.<sup>۲</sup>

سوئد در تلاش برای رسیدن به توسعه پایدار، سند سیاستی زیست‌محیطی و اقلیمی تالیف کرده است. در بخشی از این سند آمده است: «هدف کلی سیاست‌های زیست‌محیطی سوئد، تحویل کشور سوئد به نسل‌های آتی به گونه‌ای است که در آن مشکلات اصلی زیست‌محیطی حل شده باشد و همزمان به حجم مشکلات سلامت و زیست‌محیطی خارج از مرزهای سوئد افزوده نشود».

راهکارهای عملیاتی برای نیل به این مهم در ۷ هدف خلاصه شده است.<sup>۳</sup>

۱. اکوسیستم‌ها، احیا شده‌اند و یا در حال احیا هستند و ظرفیت آنها برای تولید خدمات اکوسیستمی در بلندمدت تضمین شده است.

۲. تنوع زیستی و محیط طبیعی و فرهنگی محافظت شده، ارتقا یافته و به گونه‌ای قابل تداوم استفاده شده است.

---

1. Sustainable Development Goals (SDGs)  
2. Hojem, 2013; www.scb.se  
3. Swedish Government, 2010.

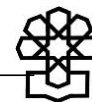
۳. سلامت انسان‌ها در معرض کمترین آثار منفی ناشی از عوامل زیست‌محیطی قرار گیرد و همزمان آثار مثبت زیست‌محیطی بر سلامت انسان تقویت شود.
۴. چرخه مواد به لحاظ منابع کارآمد باشند و تا حد ممکن خالی از چیزهای مضر و خطرناک شوند.
۵. منابع طبیعی به گونه‌ای قابل تداوم و پایدار مدیریت شوند.
۶. افزایش میزان استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، استفاده مؤثر از منابع انرژی و به حداقل رساندن تأثیرات مخرب آنها بر محیط زیست.
۷. الگوهای استفاده از کالاها و خدمات تا حد ممکن کمترین آسیب را به محیط زیست و سلامت انسان‌ها بزند.
- هم اکنون شاید مهمترین چالش پیش‌روی سوئد، تغییرات اقلیمی و نیاز مبرم به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای است، به‌ویژه اینکه مسئله اقلیم با بسیاری از حوزه‌های دیگر ارتباط تنگاتنگ دارد. درخصوص انتشار گازهای گلخانه‌ای هدف‌گذاری دولت سوئد، کاهش ۴۰ درصدی انتشار این گازها تا سال ۲۰۲۰ نسبت به میزان سال ۱۹۹۰ است<sup>۱</sup>. پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که این هدف برآورده می‌شود. بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۱، سوئد حجم انتشار گاز دی‌اکسید کربن را به نصف کاهش داده است. دلایل زیادی برای این موفقیت وجود دارد. در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ ظرفیت استفاده از انرژی اتمی کشور افزایش چشمگیری پیدا کرد و این اتفاق همراه با استفاده از انرژی آبی به مقدار زیادی حجم انتشار دی‌اکسید کربن ناشی از تولید انرژی الکتریکی را کاهش داد. در سال ۱۹۹۱ «مالیات بر کربن»<sup>۲</sup> وضع شد. همچنین در سال‌های اخیر به لطف معرفی سوخت‌های جدید زیستی<sup>۳</sup> و همچنین پیشرفت‌ها در حوزه مدیریت پسماند، انتشار دی‌اکسید کربن کاهش چشمگیری یافته است.<sup>۴</sup> حد فاصل سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۱، حجم انتشار دی‌اکسید کربن در سوئد ۱۶ درصد کاهش پیدا کرد و از ۷۵/۷ میلیون تن به ۶۱/۵ میلیون تن رسید. ضمناً انتشار گازهای ناشی از تولید انرژی در صنعت انرژی ۵ درصد و در بخش حمل‌ونقل داخلی ۴ درصد در همین بازه زمانی افزایش پیدا کرد. میزان آلودگی ناشی از حمل‌ونقل داخلی در سال ۲۰۰۵ به اوج خود رسید و از آن پس روند نزولی به خود گرفته است. وسایل نقلیه خصوصی و تولید انرژی در بخش صنعت به‌صورت اعم و در بخش انرژی به صورت اخص بیشترین سهم را در انتشار دی‌اکسید کربن دارد و بخش کشاورزی به دنبال آن در رتبه دوم قرار می‌گیرد. تازه این آمارها، انتشار گازهای گلخانه‌ای در دیگر کشورهای جهان را که در نتیجه مصرف کالاهای سوئدی روی می‌دهد را دربرنمی‌گیرد. از این گفته نباید چنین نتیجه‌گیری کرد

1. National Institute of Economic Research, 2012.

2. Carbon Tax

3. Biofuels

4. Swedish Environmental Protection Agency, 2010.



که راه حل انتشار گازهای گلخانه‌ای تجارت کمتر است. بلکه قواعد و موافقتنامه‌های زیست‌محیطی بین‌المللی و عمل به آنها به طوری که بتوانیم تولید، مصرف و تجارت در شرایط پایدار داشته باشیم، و نیز مالیات کربن و حرکت به سوی رشد سبز و اقتصاد سبزتر راه حل مسئله است.

در چشم‌انداز جهانی، سوئد کشور کوچکی است که سهم نسبتاً کمی از انتشار گازهای گلخانه‌ای و دیگر آلودگی‌های مضر به محیط زیست را به خود اختصاص می‌دهد. اگرچه سرانه انتشار گازهای گلخانه‌ای در سوئد و دیگر کشورهای توسعه‌یافته در مقیاس با کشورهای جهان سوم بالاتر است، ولی مسلماً سوئد نمی‌تواند مشکلات زیست‌محیطی را به تنهایی حل کند. اما به هر حال این مشکلات - مستقیم و یا غیرمستقیم - بر سوئد تأثیر می‌گذارند و این کشور باید مسئولیت خود در مبارزه با چالش‌های داخلی برای رسیدن به توسعه پایدار را به نحو احسن انجام دهد و از این طریق گام مثبتی در راستای حل مشکلات توسعه پایدار در سطح جهانی بردارد.

همچنان که قبلاً ذکر شد، سوئد در آینده هم به‌عنوان یک کشور مستقل و هم به‌عنوان عضوی از جامعه جهانی با چالش‌هایی مواجه خواهد بود. توسعه پایدار اکولوژیکی باید همراه با توسعه پایدار اقتصادی پیش رود. هدف، رشد پایدار و پیشبرد اقتصاد سبز است، اقتصادی که قادر به تولید منابع برای ارتقا و رونق اقتصادی و رفاه انسانی بوده و همزمان قادر است خطرات زیست‌محیطی مرتبط با مصرف منابع و سرمایه‌های طبیعی پایان پذیر را کاهش دهد.

در دهه‌های پیش رو، تغییر حرکت جهانی به سمت جوامع پایدارتر به احتمال بسیار زیاد تشدید خواهد شد. علت این مسئله، افزایش هزینه‌ها و نیز افزایش هوشیاری و آگاهی نسبت به تبعات ناشی از غفلت از محیط زیست است. از این رو مسئله ما این نیست که آیا باید به سوی توسعه پایدارتر اکولوژیکی حرکت کنیم یا خیر؟ بلکه عمده بحث‌ها بر سر زمان، چگونگی، میزان سرعت و راه‌های رسیدن به این هدف است.

سؤال مهم دیگر این است که آیا رشد دانش در حوزه‌های علوم طبیعی و اجتماعی آنقدر سریع خواهد بود به گونه‌ای که کشورهای مختلف بتوانند از آنها به‌عنوان پایه‌ای برای اتخاذ تصمیماتی ضروری برای پیشگیری از تبعات زیست‌محیطی مخرب بهره بگیرند.

تخریب زیست‌بوم در گذشته اغلب از فقدان دانش و یا دانش ناکافی ریشه می‌گرفت؛ اما امروزه هیچ دلیلی وجود ندارد که رشد اقتصادی ضرورتاً باید به بهای تخریب محیط زیست انجام شود. حرکت سوئد نیز باید همراه با این پیش‌فرض باشد که ترکیب توسعه پایدار اکولوژیکی با رشد اقتصادی مستمر کاملاً شدنی و مقدر است و توسعه پایدار اکولوژیکی و توسعه پایدار اقتصادی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند.

درست همانند دیگر فرآیندهای تغییر و بازسازی در گذشته، توسعه در برخی از مواقع سخت و همراه با مشکلات است. برخی شرکت‌ها و فرصت‌های شغلی از بین می‌روند، ولی در ادامه فرصت‌های

شغلی زیادی به جای آنها خلق می‌شوند.

یک سؤال مهم در این خصوص این است که چه چیزی عاید کشور سوئد در گذار به یک جامعه پایدار و قابل تداوم خواهد شد؟ برآوردهای متعددی از آمار فرصت‌های شغلی پدید آمده در نتیجه این گذار در سوئد، اتحادیه اروپا و در کل جهان تا سال‌های منتهی به ۲۰۲۰ و ۲۰۳۰ صورت گرفته است<sup>۱</sup> و تمامی این پژوهش‌ها متفق‌القول بودند که حرکت در این مسیر، بهترین سرمایه‌گذاری برای خلق آینده بهتر است.

سوئد تغییراتی را در نظام مالیاتی خویش ایجاد کرده و نظام مالیاتی سبز را از طریق کاهش مالیات بر کار و وضع مالیات بر آلاینده‌هایی از قبیل دی‌اکسید کربن وضع کرده است. ادامه این مسیر بسیار اهمیت داشته و متضمن مزیت‌های رقابتی مهمی برای سوئد در آینده خواهد بود؛ یعنی زمانی که دستاوردها در شکل ایجاد شغل و استارت‌آپ‌های (شرکت‌های نوپای) تجاری لزوماً منحصر به تولید در خاک سوئد نخواهد بود. مثال روشنی در این خصوص، بخش فناوری زیست‌محیطی است که در آن بیشتر مشاغل سبز در حال حاضر در کشورهای نظیر چین یافت می‌شوند. این کشور هم‌اکنون ایالات متحده آمریکا را به‌عنوان تولیدکننده اصلی صفحه‌های خورشیدی پشت سر گذاشته است. یکی از مزیت‌های تولید انبوه فناوری‌های هم‌سو با محیط زیست در کشورهای با هزینه تمام شده کمتر، قیمت پایین‌تر برای مصرف‌کننده نهایی کالاهای سبز است.

بسیار مهم است که سوئد کماکان در این بازار حضور قوی و پررنگ داشته باشد. سوئد و شرکت‌های سوئدی باید دائماً قدرت رقابت‌پذیری خود را حفظ کرده و ارتقا دهند و قادر به تولید کالاهای و خدمات جدیدتر باشند نتیجه اینکه رشد پایدار مستلزم نوآوری و تحقیق و توسعه پایدار و پرمایه است.

### نتیجه‌گیری

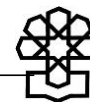
در سوئد، ریکسداگ خط‌مشی‌ها و اهداف نسلی را تعیین می‌کند. برای کسب اطمینان از اینکه در مسیر مناسب هستیم دو پیش‌نیاز وجود دارد:

۱. هوشیاری و درک ارتباط میان محیط زیست و رفاه انسانی،

۲. شیوه‌های اندازه‌گیری مناسب.

سوئد در تلاش‌هایش برای رسیدن به توسعه پایدار باید تأثیرات منفی و مخرب فعالیت‌های انسانی بر محیط زیست را ضمن حرکت به سمت رشد توسعه و نوآوری بیشتر به حداقل برساند. چالش اساسی در این راستا، دیدن جامعه به‌عنوان یک کل منسجم و درهم تنیده است که در آن مسائل زیست‌محیطی و مسائل اقتصادی-اجتماعی به‌عنوان مقوله‌های مجزا دیده نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان

1. European Commission, 2010; OECD, 2011c.



اجزایی جدایی‌ناپذیر در تمامی حوزه‌های خط‌مشی‌گذاری و سیاستی قلمداد می‌شوند. هماهنگی خط‌مشی‌ها می‌تواند تأثیرات مثبت و سازنده تلاش برای دستیابی به رشد پایدار و اقتصاد سبزتر را تقویت کند. ابزارهای سیاست‌گذاری نظیر نظام مالیاتی سبز و ایجاد مشوق‌هایی برای تولید کالاهای سبز و همچنین تحقیق و توسعه در این خصوص برخی از راهکارهاست. سوئد دارای محیط تجاری رقابتی است و همواره فعالانه به دنبال سیاست‌های تحقیق و توسعه جدید است. این کشور تا همینجا نیز به صورت نسبی و با توجه به اندازه خویش بیشترین سرمایه‌گذاری را در حوزه‌های مرتبط با تحقیق و توسعه انجام داده است و این مسئله بسیار مهمی است زیرا در شرکت‌های تجاری، دانشگاه‌ها و آزمایشگاه‌هاست که راه‌حل‌های جدید آفریده و خلق می‌شوند.

تلاش‌های در مقیاس ملی و جهانی برای رسیدن به توسعه پایدار اکولوژیکی و اقتصادی، بازسازی مستمر اقتصاد را ضروری می‌کند، وضعیتی که در آن مشاغل و صنایع قدیمی از بین می‌روند و جای خود را به مشاغل و صنایع جدیدتر می‌دهند.

زمانی که سرمایه‌گذاری‌ها در این خصوص انجام می‌شود، عواملی که ارزیابی‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، باید شناخته شده و تثبیت شوند. این بدان معناست که جامعه باید درباره تصمیم‌های سنجیده و حساب شده برای نیل به توسعه پایدار به اجماع برسد. به موازات افزایش درک ما از محیط زیست و ارتباط میان محیط زیست و رفاه انسان‌ها، ما با چالش‌های جدیدی مواجه می‌شویم. برای مثال، ما هم اینک درک دقیقی از چگونگی وضعیت آب و هوا و شرایط اقلیمی در آینده، و یا تأثیرات احتمالی این تغییرات اقلیمی بر محیط زیست و دیگر بخش‌ها در آینده نداریم. در نتیجه خط‌مشی‌های ما نه تنها باید شفاف و پیش‌بینی‌پذیر باشند، بلکه باید آموزنده و عبرت‌آموز هم باشند. از آنجایی که افراد، شرکت‌ها، پژوهشگران و جامعه مدنی همگی نقش مهمی در کمک به توسعه جامعه ایفا می‌کنند، مشارکت آنها امری ضروری است.

شکل دادن به این خط‌مشی‌ها چالش بزرگی است، زیرا اقداماتی که ذکر شد باید در تعامل با یکدیگر انجام گیرند، قابلیت سازگاری را تشویق و تقویت کرده و ماهیتاً بلندمدت و قابل انعطاف باشند. اما سوئد از این لحاظ زیربنای مستحکمی داشته و کشوری است که در آن استانداردهای تقنینی سطح بالا و حمایت‌های مردمی وسیع همواره وجود داشته و این مسئله به نوبه خود حل چالش‌های کنونی و آینده را برای رسیدن به توسعه پایدار اکولوژیکی، رشد پایدار و اقتصاد سبزتر هموارتر می‌کند. در کل کشور سوئد الگوی مناسبی برای دیگر کشورهای جهان در تلاش‌هایشان برای رسیدن به توسعه پایدار اکولوژیکی و توسعه اقتصادی-اجتماعی به صورت همزمان است.

### فصل سوم - چالش‌های توسعه جمعیتی

حدود یک قرن پیش در سال ۱۹۱۱، جمعیت سوئد ۵/۶ میلیون نفر بود و تقریباً ۲۵ درصد آنها در

شهرهای بزرگ و کوچک زندگی می‌کردند که استکهلم در ست همانند الان بزرگ‌ترینشان بود. میزان امید به زندگی در بدو تولد برای مردان ۵۴/۵ سال و برای زنان ۵۷ سال بود و تنها ۸/۴ درصد از جمعیت کشور ۶۵ سال و بالاتر بودند. در آن سال ۷۷۰۰ نفر به سوئد مهاجرت کردند در حالی که حدود ۲۰ هزار نفر از سوئد مهاجرت کردند<sup>۱</sup>. ایالات متحده آمریکا اصلی‌ترین مقصد برای مهاجران سوئدی بود و همچنین مهاجران آمریکایی بیشترین آمار را در میان کشورهای مهاجرفرست به سوئد به خود اختصاص داده بودند. در سال ۱۹۱۱ هنوز برنامه بازنشستگی برای مشاغل در سوئد وجود نداشت و دو سال بعد یعنی ۱۹۱۳ بود که نخستین طرح ملی بازنشستگی در کشور طراحی شد و سن بازنشستگی را ۶۷ سال قرار دادند، سنی که بیشتر شاغلین و مردم سوئد هرگز به آن نمی‌رسیدند.

امروزه این وضعیت تفاوت زیادی کرده است. جمعیت سوئد در ماه می ۲۰۱۲ برای نخستین بار از مرز ۹/۵ میلیون نفر گذشته است. از این تعداد حدود ۸۵ درصد در مراکز شهری زندگی می‌کنند و ۶۰ درصد از این تعداد در شهرهای با بیش از ۱۰ هزار نفر جمعیت است.

سن امید به زندگی در مردان ۸۰ سال و برای زنان ۸۳/۸ سال است و حدود ۱۸/۸ درصد از جمعیت کشور ۶۵ سال و بالاتر سن دارند<sup>۲</sup>.

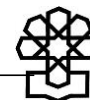
میزان مهاجرت به سوئد و نیز مهاجرت به خارج از سوئد هر دو افزایش چشمگیری کرده است. در سال ۲۰۱۰ حدوداً ۹۹ هزار نفر به کشور سوئد مهاجرت کردند و چیزی بالغ بر ۴۹ هزار نفر هم از سوئد به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند. مهاجران به سوئد بیشتر از کشورهای نروژ، سومالی، دانمارک، مجارستان و چین بودند در حالی که بیشترین میزان مهاجرت از سوئد به کشورهای نروژ، دانمارک، بریتانیا، آمریکا و فنلاند بود.

سوئد طی یک قرن از کشوری نسبتاً فقیر با جمعیتی بالنسبه همگن و عمدتاً روستایی، به کشوری ثروتمند با جمعیتی متنوع و ناهمگن با یکی از بالاترین نرخ‌های امید به زندگی در جهان تبدیل شد. این اتفاق علاوه بر اینکه موفقیتی بزرگ برای سوئد محسوب می‌شود، همزمان چالش‌هایی را برای آینده سوئد با خود به همراه دارد. نحوه اثرگذاری توسعه جمعیتی بر توسعه اقتصادی-اجتماعی، تأمین مالی دولت رفاه و عرضه مهارت‌ها در حوزه‌های عمومی و خصوصی برخی از اصلی‌ترین چالش‌هاست. توسعه اقتصادی از طریق ورود نیروی کار و انواع مختلف سرمایه (سرمایه ثابت، سرمایه مالی، سرمایه انسانی، سرمایه طبیعی، سرمایه اجتماعی) به وجود می‌آید و هرگونه تغییر در عرضه نیروی کار بر تولید و مصرف کالاها و خدمات تأثیر می‌گذارد.

جمعیت مسن‌تر برای کشور سوئد نه تنها به معنای عرضه نیروی کار کمتر است، بلکه در آن سوی معادله به معنای تقاضای بیشتر برای استفاده از خدمات بیمه‌ای و درمانی و نیز مراقبت از بزرگسالان

1. Kungliga Statistiska Centralbyran, 1914.

2. Statistics Sweden, Public Statistics; Statistics Sweden, 2012.



است. همچنین کاهش نیروی کار به معنای نرخ رشد کمتر نیز هست. هرچه تعداد افرادی که در استخدام دولت بوده و مالیات می‌پردازند کمتر شده و تقاضا برای استفاده از خدمات رفاهی به‌ویژه در بخش‌های درمانی و مراقبت از بزرگسالان بیشتر شود، ترکیب میان این دو، خطر ایجاد و تشدید شکاف میان نیازها از یک سو و تأمین منابع برای برآورده کردن آن نیازها از سوی دیگر را بیشتر می‌کند.

اما چالش‌های توسعه جمعیتی تنها به افزایش سن مردم سوئد بر نمی‌گردد. این چالش‌ها همچنین با مسائلی نظیر نرخ مهاجرت به کشور و مهاجرت از کشور، و نیز فرآیندهای مربوط به تغییرات جمعیتی در داخل سوئد ارتباط پیدا می‌کند. فرآیند شهری شدن روزافزون در دهه‌های آینده خطر ایجاد و تشدید نابرابری‌های فزاینده در بخش‌های گوناگون کشور به‌ویژه افزایش شکاف میان مناطق شهری و روستایی را با خود به همراه دارد. بنابراین به‌صورت کلی تغییرات جمعیتی در سوئد، چالش‌های جدیدی را بر سر راه استمرار رفاه و تأمین منابع مالی رفاهی چه در سطح ملی و چه در سطح محلی به وجود خواهد آورد.

با در نظر گرفتن این ملاحظات، هدف اصلی این فصل، توصیف روندهای جمعیتی حال و آینده سوئد و چالش‌هایی است که سوئد در آینده در راه برآورده کردن مسائلی نظیر تأمین مالی خدمات رفاهی و افزایش تقاضا برای استفاده از این خدمات، عرضه مهارت‌ها در بخش‌های مختلف بازار کار و نیز برقراری ارتباط میان نواحی شهری و روستایی در سراسر کشور باید با آنها دست و پنجه نرم کند. شایان ذکر است که وقوع تغییرات جمعیتی درست شبیه تغییرات اقلیمی به‌عنوان یک فرآیند مستمر و ادامه‌دار یک شبه اتفاق نمی‌افتد و به صورت روزمره محسوس نمی‌باشد. اما این چالش‌ها هرچه زودتر شناسایی شوند، شانس بیشتری برای مقابله با آنها وجود دارد.

### چالش جمعیت در حال پیر شدن

به هنگام صحبت از پیش‌بینی روندهای جمعیتی در آینده، همیشه با میزانی از عدم قطعیت مواجه هستیم. تمامی پیش‌بینی‌ها بر اساس پیش‌فرض‌هایی درباره نرخ زاد و ولد و مرگ‌ومیر، میزان مهاجرت از/به کشور و الگوهای آینده مهاجرت انجام می‌شود و در نتیجه کار پیش‌بینی سخت‌تر می‌شود. اساساً روندهای جمعیتی نشان می‌دهند که عمر سوئدی‌ها طولانی‌تر و تعداد فرزندان آنها کمتر می‌شوند. تعداد افراد زنده دارای بیش از ۱۰۰ سال سن در سوئد از ۱۲۷ نفر در سال ۱۹۷۰ به ۱۷۷۰ نفر در سال ۲۰۱۱ افزایش پیدا کرده است.<sup>۱</sup> امروزه میانگین سن امید به زندگی برای زنان ۸۳/۸ و برای مردان ۸۰ سال است و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند که این رقم در سال ۲۰۲۰ برای زنان ۸۴/۸ و برای مردان ۸۱/۵ سال شود. بر اساس برخی از پیش‌بینی‌ها حدود نیمی از افرادی که امروز در کشورهای پیشرفته

1. Statistics Sweden, 2012.

از جمله سوئد متولد می‌شوند، بیش از ۱۰۰ سال عمر خواهند کرد.<sup>۱</sup>

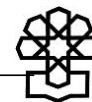
اگر بخواهیم از جنبه دیگری به چالش تغییرات جمعیتی نگاه کنیم، بررسی ارتباط میان نرخ متوسط امید به زندگی و هنجارهای غالب و پذیرفته شده بازنشستگی در سوئد جالب توجه است. امروزه سوئد سقف سنی رسمی بازنشستگی ندارد، اما برای بیشتر افراد، این سن معمولاً ۶۵ سال است. زمانی که برای نخستین بار در سال ۱۹۱۳ سن بازنشستگی وضع شد، افراد بسیار کمی بودند که تا آن سن (۶۵ سالگی) زنده می‌ماندند و بازنشستگی خویش را جشن می‌گرفتند. اما مطابق آمارها امروزه در سوئد مردی که به ۶۵ سال می‌رسد انتظار می‌رود که ۱۸/۴ سال دیگر زندگی کند و این رقم برای زنان در سوئد تا ۲۱/۲ سال افزایش پیدا می‌کند. همچنین مطابق پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۳۰ امید به زندگی در آستانه سن عرفی بازنشستگی، ۲۰/۶ سال برای مردان و ۲۲/۹ سال برای زنان خواهد بود و در سال ۲۰۵۰ این رقم برای مردان ۲۳/۳ سال و زنان ۲۵/۱ سال است.<sup>۲</sup>

در نتیجه وقوع این تغییرات در روند جمعیتی، میزان جمعیت ۶۵ سال و بالاتر در کشور دائماً در حال افزایش است. چالش اصلی سوئد اما طولانی‌تر شدن عمر مردم این کشور نیست، بلکه مشکل اصلی در نتایجی است که این افزایش طول عمر بر میزان تولید و مصرف کالاها و خدمات و نیز تأمین مالی و فراهم آوردن خدمات رفاهی، یا به عبارت دیگر بر امکان‌پذیری تداوم دولت رفاه در سوئد ایجاد می‌کند. نسبت تعداد افراد در دامنه سنی ۲۴-۶۰ سال به تعداد کل افراد دائماً در حال کاهش بوده و تعداد افراد کمتری باید بار سنگین تأمین خدمات رفاهی کل مردم سوئد را بر دوش بگیرند و این چالش بزرگی است.

در پاسخ به این پرسش که چرا پیش‌بینی روندهای مهاجرتی در آینده کار مشکلی است، دلایل زیادی می‌توان ذکر کرد. یک دلیل این است که انواع متفاوتی از مهاجرت وجود دارد (همانند مهاجرت نیروی کار، مهاجرت آوارگان و پناهندگان، مهاجرت دوستان و اقوام دور و نزدیک) و هر کدام به دلایل متفاوتی شکل می‌گیرند. اما شاید دلیل اصلی این باشد که پیش‌بینی دقیق رشد اقتصادی که بازار کار را تحت تأثیر قرار می‌دهد و توسعه سیاسی - که روی مهاجرت آوارگان و پناهندگان اثر می‌گذارد - در کشورهای مختلف بسیار مشکل است. برای مثال پیش‌بینی جنگ داخلی در یوگو سلاوی سابق در انتهای دهه ۱۹۸۰ و یا پیش‌بینی وقوع بهار عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا و نیز جنگ داخلی ویرانگر در سوریه پیش از اتفاق افتادن آنها خیلی دور از ذهن بود. به همین اندازه، پیش‌بینی دقیق از روندهای سیاسی و اقتصادی در آینده امری ناممکن است. یا در مثالی دیگر پاسخ دقیق به این سؤال امکان‌پذیر نیست که تغییرات اقلیمی در کره زمین چه الگوهای مهاجرتی را در آینده به وجود می‌آورد؟ نکته مهمی که نباید فراموش کرد این است که میزان بالای مهاجرت فرصت‌هایی را برای سوئد فراهم می‌کند: زمانی که نیروی کار و جمعیت بومی کشور مسن می‌شوند، مهاجرت به کشور و رونق

1. Christensen et al., 2009.

2. Statistics Sweden, 2012.



دوباره جمعیتی و نیروی کار را با خود به همراه می‌آورد. تا سال ۲۰۳۰، نیروی کار خارجی سهم مهمی در تأمین نیروی انسانی لازم برای پیشرفت و توسعه سوئد ایفا خواهند کرد و طبق پیش‌بینی‌ها، در آن سال از هر ۴ نفر نیروی کار حاضر در کشور، یک نفر در خارج از سوئد به دنیا آمده است. شاید مهاجرت تنها راه مقابله با تغییرات در روندهای جمعیتی در سوئد نباشد، اما بی‌شک مهمترین عامل در این زمینه است. برای مقابله با مشکل جمعیت مسن، باید افراد مهاجر بیشتری به کشور جذب شده و در دل فرهنگ و جامعه سوئد هضم شوند. امروزه سوئد یکی از مسن‌ترین جمعیت‌ها را در سراسر جهان داراست. اما این مشکل تنها مختص به سوئد نیست و بسیاری از کشورهای توسعه یافته اروپایی و گاهی آسیایی (مثل چین و ژاپن) به صورت کمابیش با این معضل دست و پنجه نرم می‌کنند. این بدان معنی است که رقابت جهانی برای جذب جوانان دیگر کشورها به‌ویژه کسانی که دارای تخصص و مهارت و نیز تحصیلات عالی هستند در آینده افزایش خواهد یافت. نتیجه اینکه سوئد نه تنها در سال‌های آینده باید با چالش‌های جمعیتی مبارزه کند، بلکه همزمان باید محیط مساعدی را در داخل کشور ایجاد کند به طوری که این محیط برای جوانان خلاق، ماهر و تحصیل کرده خارجی دارای جذابیت بوده و زمینه جذب و اشتغال آنها را در سوئد هرچه بیشتر می‌کند.

### شهری شدن و توسعه جمعیتی

به موازات مسن‌تر شدن جمعیت سوئد، مشکلات مهم دیگری نیز در این کشور در حال شکل‌گیری است. سوئد طی یک قرن گذشته از کشوری با بافت عمدتاً روستایی، به جامعه‌ای با بیشترین جمعیت شهری بدل شده است. یک دلیل مهم این اتفاق، تشدید جهانی شدن است که فرآیند شهری شدن در آن یکی از اصلی‌ترین روندهاست. در سطح جهانی، در دهه ۱۹۵۰ تنها ۳۰ درصد از جمعیت جهان در نواحی شهری زندگی می‌کردند در حالی که این آمار هم‌اکنون بیش از نیمی از جمعیت جهان است و مطابق برآوردها این نسبت هر لحظه در حال افزایش است.

در سوئد، بیشترین کاهش در میزان نسبت جمعیت روستایی تا سال‌های منتهی به دهه ۱۹۷۰ ثبت شده است، اما روند شهری شدن کماکان ادامه دارد. متروپل‌ها و شهرهای بزرگ در حال افزایش هستند در حالی که جمعیت شهری کوچک‌تر و مناطق روستایی در حال کاهش است. یافتن راهکارهایی برای پویایی و ایجاد رونق در سراسر شهرها و روستاهای سوئد بسیار مهم است. از سال ۲۰۰۵، سوئد بیشترین میزان روند شهری شدن را در اتحادیه اروپا به خود اختصاص داده است و طبق آمارهای Eurostat در سال ۲۰۱۱ در ۱۴۱ ناحیه از کل ۲۹۰ ناحیه با جمعیت عمدتاً روستایی و شهرهای کوچک سوئد با کاهش جمعیت مواجه بوده است.<sup>۱</sup>

به زبان اعداد و ارقام، در سال ۲۰۱۱ جمعیت استکهلم با ۱۷ هزار نفر افزایش و پس از آن

1. Eurostat, 2012.

گوتنبرگ با ۶۶۰۰ نفر و مالمو با ۳۸۰۰ نفر بیشترین افزایش جمعیت را تجربه کرده‌اند. اتفاق مهم دیگر ظهور گره گاه‌های رشد محلی نظیر Umea, Vaxjo, Uppsala, Linkoping و بود. این مناطق موفق به جذب بیشترین نیروهای تحصیل کرده شدند.<sup>۱</sup>

تفاوت‌های میان مناطق شهری با مناطق روستایی تنها از جنبه میزان جمعیت ساکن در آنها نیست. یکی از پیامدهای روند شهری شدن، افزایش شکاف در حوزه‌هایی نظیر آموزش و پرورش است. به صورت متوسط حدود ۲۴ درصد از مردم سوئد دارای تحصیلات دانشگاهی هستند (یعنی حداقل ۳ سال پس از پایان مقطع دبیرستان درس خوانده‌اند). اما این آمار در نواحی مختلف شهری و روستایی دارای توزیع یکنواخت نیست: در متروپل‌ها و شهرک‌های بزرگ درصد تحصیلات آکادمیک افراد بسیار بیشتر از شهرهای کوچک و مناطق روستایی است. همچنین نرخ رشد میزان تحصیلات در نواحی شهری بیشتر از نواحی روستایی و محلی است. یک دلیل عمده این اتفاق این است که فرصت‌های شغلی بیشتر در شهرها وجود دارند و برای جذب در این فرصت‌های شغلی به‌ناچار باید مهارت و تخصص کافی داشت و این تخصص و مهارت به نوبه خود از طریق تحصیلات بالاتر به دست می‌آید. این در حالی است که در مناطق روستایی فرصت‌های شغلی کمتری وجود دارد و در نتیجه چون تقاضایی برای آنها نیست در نتیجه انگیزه‌ای برای ادامه تحصیلات در سطوح بالاتر از دبیرستان وجود ندارد. همچنین به دلیل نبود امکانات کافی و فرصت‌های شغلی مناسب در مناطق روستایی و کوچک، افراد تحصیل کرده و ماهر انگیزه‌ای برای زندگی و کار در این مناطق ندارند.

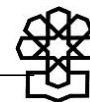
نتیجه اینکه شکاف روزافزونی بین نواحی شهری و روستایی نه تنها به لحاظ میزان جمعیت، بلکه از جنبه‌هایی چون خصوصیات فردی و سطح زندگی افرادی که در آنها زندگی می‌کنند به وجود می‌آید. این مسئله در آینده چالش مهمی را برای این نواحی کوچک شهری و مناطق روستایی به صورت اخص و کل کشور سوئد به صورت اعم به وجود می‌آورد.

### روندهای جمعیتی و آینده دولت رفاه

روندهای جمعیتی بدون شک چالش‌های جدی را در راه تأمین مالی دولت رفاه در آینده سوئد به وجود خواهد آورد. اما میزان و شدت این چالش به عوامل و پیش‌فرض‌هایی متعددی نظیر هزینه‌های مرتبط با خدمات رفاهی گوناگون، میزان تقاضا برای استفاده از این خدمات و نیز نرخ بهره‌وری و رشد اقتصادی در آینده بستگی دارد. در نتیجه تغییرات جمعیتی در کشور سوئد، «انجمن سوئدی مقامات محلی و نواحی»<sup>۲</sup> پیش‌بینی کرده است که برای مثال هزینه‌های مراقبت و نگهداری از سالمندان تا سال ۲۰۳۵ حدود ۵۰ درصد افزایش پیدا کند. بر اساس این برآورد، هزینه‌های کلی ناشی از وقوع روندهای

1. Arena för Tillväxt & Sweco Eurofutures, 2012.

2. The Swedish Association of Local Authorities and Regions, 2010.



جمعیتی تا سال ۲۰۳۵، حدود ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت. چالش بعدی به افزایش نابرابری‌ها میان مناطق محلی و کوچک شهری با شهرها و مناطق بزرگ‌تر در سوئد برمی‌گردد. بیشتر مناطق محلی و شهرهای کوچک که جمعیت آنها مدام در حال کاهش است، به خوبی از این مسئله آگاه بوده و فعالانه درصدد تلاش برای معکوس کردن این روند هستند.

راهکار اساسی برای این معضل، یافتن استراتژی‌هایی برای احیا و خلق محیطی جذاب و پویاتر در آن مناطق و کسب اطمینان از این مسئله است که تمام نقاط کشور دسترس‌پذیر و یکسانی به خدمات عمومی مهم و اساسی دارند. وظیفه اصلی دیگر کمک به نواحی شهری کوچک و متوسط برای تدارک و تأمین مالی خدمات رفاهی و استخدام و جذب کارکنان ماهر و تحصیل کرده است. همچنین نقشی که گره‌های رشد محلی می‌توانند در تلاش‌ها برای توسعه محلی نیازها در آینده ایفا کنند نیز باید بیشتر بررسی شود. در ادامه سئوالات جدیدتری شکل می‌گیرند که باید پاسخ درخوری برای آنها پیدا کرد. سئوالاتی از قبیل آیا قدرت و اندازه شوراهای محلی و شهرداری‌ها برای مقابله با چالش‌های کنونی و آینده مناسب است؟ آیا تقسیم کار مسئولیت‌های مالی و عملیاتی بین نهادهای ملی، منطقه‌ای و شهری نیاز به بازبینی دارند یا خیر؟

### توسعه جمعیتی و تأمین مهارت‌های آینده

روندهای جمعیتی سوئد نه تنها چالش‌هایی را برای تأمین مالی دولت رفاه در آینده سوئد به وجود می‌آورد، بلکه برنامه‌ریزی برای تأمین مهارت‌ها در آینده را نیز تبدیل به امری ضروری می‌کند. بخش رفاه نه تنها نیاز به منابع مالی دارد، بلکه باید بتواند افراد و کارکنان ماهری را که از عهده ارائه انواع خدمات رفاهی متفاوت و گوناگون برمی‌آیند، جذب کند. این چالش به‌ویژه در حوزه‌های نظیر خدمات درمانی، مراقبت از بزرگسالان و تأمین اجتماعی بسیار بزرگ است. مرکز آمار سوئد<sup>۱</sup> پیش‌بینی کرده است که تا سال ۲۰۳۰ تقاضا برای جذب نیروی انسانی در این حوزه‌ها تا ۲۱۰ هزار نفر افزایش پیدا کند، در حالی که عرضه این قبیل نیروها تا آن زمان کمابیش بدون تغییر باقی می‌ماند.

همچنین پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که تا سال ۲۰۲۵ حدود ۴۴ درصد از کارمندان و پرسنل بخش عمومی به‌دلایل سنی از بازار کار بازنشسته شوند. اگر روند کنونی جذب نیرو در بازار کار را مبنا قرار دهیم، تا سال ۲۰۲۵ بخش عمومی در کشور سوئد با رقمی بالغ بر ۱۷۵ هزار نفر کمبود نیروی کار مواجه خواهد شد. در برخی از گروه‌های شغلی بیش از نیمی از کارمندان بازنشسته می‌شوند. برخی از این آمارها عبارتند از: ۶۶ درصد معلمان آموزش‌دهنده نیازهای خاص، ۶۵ درصد پرستاران محلی، ۶۱ درصد دندانپزشکان، ۵۸ درصد پرستاران کودک، ۵۶ درصد آموزگاران شغلی خاص (فنی و حرفه‌ای) و

۵۵ درصد ماماها (قابل‌ها)<sup>۱</sup>. تازه این آمار متوسط در سطح ملی است. چالش زمانی پیچیده‌تر می‌شود که بدانیم در مناطق کوچک‌تر اوضاع وخیم‌تر از متوسط ملی است.

**چالش اول** چالشی که در آینده از ترکیب دو عامل تغییرات جمعیتی و تغییر در ترکیب بازار کار به وجود می‌آید، کمبود شدید نیرو در برخی از حوزه‌های شغلی است که مهمترین آنها عبارتند از: خدمات درمانی، مراقبت از بزرگسالان و تأمین اجتماعی.

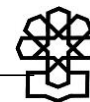
**چالش دوم** به این سؤال برمی‌گردد که در کدام نواحی از کشور به نیروی کار ماهر نیاز بیشتری داریم و در کدام قسمت این نیروی کار در دسترس است؟ زیرا که به احتمال بسیار زیاد سوئد یک وضعیت عدم تعادل را در این حوزه تجربه خواهد کرد.

**چالش سوم** همسوسازی آموزش با اشتغال است. در دهه‌های اخیر، هم مقتضیات آموزشی نیروی کار و هم سطوح آموزش ارتقا پیدا کرده است، اما در بسیاری از موارد عرضه نیروی کار باسواد و تحصیل کرده بر تقاضا برای جذب این گروه افزایش پیدا کرده است. براساس اطلاعات مرکز آمار سوئد، کشور با مازاد نیروی کار تحصیل کرده به‌ویژه در حوزه‌های علوم طبیعی، علوم انسانی، هنر و کمبود نیروی کار در مقطع لیسانس و بالاتر به‌ویژه در بخش‌هایی چون خدمات درمانی و اجتماعی مواجه خواهد بود. بسیار ضروری است که نوع رشته تحصیلی و مقطع آن با نیازهای بازار کار کشور سوئد همسو شوند.

همچنین پاسخ به این سؤال که چه نوع آموزش‌هایی در آینده لازم خواهد بود، بستگی به تغییرات در توسعه فناوریانه، فرآیندهای تولید، جهانی شدن و ساختار بخش تجاری در دهه‌های آینده خواهد داشت. ۲۰ سال قبل تقاضا برای مشاغل چون تکنسین کامپیوتری، طراحان وب، تکنسین محیط زیست، برنامه‌نویسی بازی‌های کامپیوتری و طراحی برنامه‌های کاربردی تلفن همراه وجود نداشت و طبیعتاً نیاز و تقاضای آموزش هم در این خصوص وجود نداشت. در سال‌ها و دهه‌های آینده مشاغل جدیدی به وجود می‌آیند و شکل‌گیری برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی مرتبط با آن مشاغل در حوزه‌های مختلف زمان خواهد برد. انطباق کامل برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی با آن مشاغل بسیار سخت خواهد بود. هرچه بخش تجاری و بازار کار متغیرتر باشد، طراحی نظام آموزشی که برآورده‌کننده کامل آن تقاضاها باشد، سخت‌تر می‌شود. نظام آموزشی سوئد باید قادر به نهادینه کردن قابلیت سازگاری و انعطاف‌پذیری در میان دانش‌آموزان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی خود باشد.

اما در حوزه رفاه می‌توان با درجه اطمینان بیشتری پیش‌بینی کرد که نیازهای آینده برای افرادی نظیر پزشکان، معلم‌ها، پرستاران، دستیاران پرستاران، دندانپزشکان و ... چه خواهد بود. برآورده کردن تقاضا در آینده برای این رشته‌ها و دیگر حوزه‌های بخش عمومی در سراسر سوئد یک امر حیاتی در

1. Arbetsförmedlingen, 2010.



سال‌های آتی آن کشور خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

توسعه جمعیتی در سوئد و افزایش سن امید به زندگی در مردان و زنان و نحوه اثرگذاری توسعه جمعیتی بر توسعه اقتصادی — اجتماعی، تأمین مالی دولت رفاه و عرضه مهارت‌ها در حوزه‌های و خصوصی برخی از اصل‌ترین تبعات چالش‌های توسعه جمعیتی است. جمعیت مسن‌تر برای کشور سوئد نه تنها به معنای نیروی کار کمتر است، بلکه در آن سوی معادله به معنای تقاضای بیشتر برای استفاده از خدمات بیمه‌ای، درمانی و رفاهی و نیز مراقبت از بزرگسالان است.

اما چالش‌های توسعه جمعیتی تنها به افزایش سن مردم برنمی‌گردد. این چالش‌ها همچنین با مسائلی نظیر نرخ مهاجرت به کشور و مهاجرت از کشور و نیز فرآیندهای مربوط به تغییرات جمعیتی در داخل سوئد ارتباط پیدا می‌کند. فرآیند شهری شدن روز افزون در دهه‌های آینده خطر ایجاد و تشدید نابرابری‌های فرآیندهای در سنجش‌های گوناگون کشور به افزایش شکاف میان مناطق شهری و روستایی را با خود به همراه دارد.

افزایش شکاف در حوزه‌هایی نظیر آموزش و پرورش و نرخ متفاوت رشد میزان تحصیلات در نواحی شهری و روستایی که پیامدهای روند روزافزون شهری شدن در سوئد می‌باشند باعث شده است که در مناطق روستایی فرصت‌های شغلی کمتر و در نتیجه انگیزه کمتری برای ادامه تحصیلات در سطوح دانه‌شگاهی وجود داشته باشد. از طرف دیگر به دلیل نبود امکانات کافی و فرصت‌های شغلی مناسب در مناطق روستایی و کوچک، افراد تحصیل کرده و ماهر انگیزه‌ای برای کار و زندگی در این مناطق را ندارند.

برنامه‌ریزی برای تأمین مهارت‌ها در آینده یکی دیگر از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر چالش‌های توسعه جمعیتی در این کشور است. بخش رفاه و افزایش تقاضای برای استفاده و از خدمات رفاهی، بیمه‌ای و مراقبتی نه تنها نیاز به منابع مالی دارد، بلکه باید بتوان افراد و کارکنان ماهری را که از عهده ارائه این خدمات برمی‌آیند پرورش داده و یا جذب کرد.

### فصل چهارم - چالش‌های مهاجرت و ادغام در بازار کار سوئد

در نتیجه مهاجرت افراد میان کشورها هم کشور فرستنده مهاجر، هم کشور پذیرای مهاجر و هم خود فرد مهاجر تحت تأثیر قرار می‌گیرند. ترک وطن، خانه، عزیزان، نزدیکان و محیطی که به آن عادت کرده‌اید و زندگی برای مدت زمان نامعلوم در آینده در کشوری دیگر هرگز آسان نخواهد بود. درک چگونگی تعاملات و روندها در کشور جدید، یادگیری زبان و دیگر قواعد اجتماعی و فرهنگی کشور مقصد فرد مهاجر، همیشه یک چالش به حساب می‌آید. به عنوان یک قاعده، کشوری که مهاجران آن را

ترک می‌کنند از عزیمت آنان ولو در آینده بهره‌هایی خواهند برد. اگرچه کشورهای ضعیف‌تر و فقیرتر ممکن است از وضعیت ناخواسته فرار مغزها رنج ببرند، بسیاری از مهاجرین در آینده ولو به صورت موقت به زادگاه خود بازگشته و تجربه‌ها، تخصص و دانش را با خود به همراه آورده و از این طریق به رشد و توسعه کشور محل تولد خویش کمک می‌کنند. این افراد همچنین از طریق برقراری تماس با خانواده و دوستان و به لطف استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی دانش و تجربه‌های خود را به صورت غیرحضور می‌توانند به کشور خود منتقل کنند.

کمک مهم دیگر افراد مهاجر، انتقال پول و حوالات به خانواده و دوستان در زادگاه خود است. برآوردها نشان می‌دهند که فقط در سال ۲۰۰۹، تقریباً ۳۰۷ میلیارد دلار از این طریق به افراد و خانواده و آشنایان در کشورهای توسعه نیافته در سرتاسر جهان پول منتقل شده است که این رقم با مجموع کمک‌های بین‌المللی در آن سال در کل جهان برابری می‌کند.<sup>۱</sup> سهم این پول‌ها و حوالات در اقتصاد کشورهای دریافت‌کننده آنها بسیار اساسی بوده و در کشورهایی چون تاجیکستان، تونگو، لسوتو، مولداوی و نپال این حوالات به صورت تقریبی معادل یک سوم و یا بعضاً یک‌چهارم کل تولید ناخالص داخلی آن کشورها بوده است.

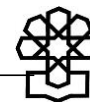
اهمیت مهاجرت برای کشورهای پذیرای مهاجران نیز در پیشبرد رشد و توسعه آن کشورها بسیار حیاتی است. مهاجران با خود دانش و تجربه‌هایی را می‌آورند که می‌تواند در انت‌شار ایده‌ها و نوآوری‌ها در کشور مهاجرپذیر کمک کرده و از این طریق به شکل‌گیری خلاقیت و شیوه‌های جدید تفکر در آن کشورها بیانجامد. مهاجران همچنین از طریق آورده‌های (نقدی و غیرنقدی) خویش و مصرف کالاها و خدمات به رشد اقتصادی کشور مهاجرپذیر کمک کرده و می‌توانند نقش مهمی را در بازار کار آن کشور ایفا کنند.

از آنجایی که مهاجرین اغلب جوان بوده و در محدوده سن کار قرار دارند، مهاجرت همچنین می‌تواند توانایی کشورهای پذیرای مهاجر را برای مقابله با چالش‌های جمعیتی بیشتر کند. درست است که مهاجرین در کوتاه‌مدت هزینه‌های مالی نسبتاً کمی را روی دست کشورهای پذیرنده خویش می‌گذارند، اما این کشورها امتیازاتی که در بلندمدت از این سرمایه‌گذاری مقطعی خویش می‌برند در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار چشمگیر و ارزشمند است. محاسبه سود مادی دقیق کشور پذیرای مهاجران، سخت و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است اما مطابق با برآوردهای بانک جهانی، ۳ درصد افزایش در نرخ مهاجرت جهانی تا سال ۲۰۲۵، تولید ناخالص داخلی جهان را تا ۳۶۸ میلیارد دلار افزایش خواهد داد.<sup>۲</sup>

پس مسئله اصلی این نیست که آیا مهاجرت چیز مفیدی است یا خیر؟ بلکه بحث بر سر میزان و

1. World Bank, 2011, p. 17.

2. World Bank, 2006, p. 31



اندازه این مزیت‌هاست. در ست همان‌طور که انتقال آزادانه سرمایه، کالاها و خدمات باعث افزایش رفاه می‌شود، جریان آزاد نیروی انسانی نیز همین خصلت را دارد. حداقل سه علت اصلی برای اینکه چرا باید سوئد در آینده بیش از پیش آغوش خود را برای انواع و اقسام مهاجران باز کند، وجود دارد:

**اول** از اینکه مهاجرت همیشه بخشی از فرهنگ سوئد بوده و به موازات تشدید جهانی شدن و آسان‌تر و ارزان‌تر شدن جابجایی انسان‌ها، کاملاً منطقی است که انتظار داشته باشیم میزان مهاجرت افزایش پیدا کند. اینکه در آینده چه تعداد مهاجر به سوئد خواهند آمد و به چه دلایلی از الان نمی‌توان با قطعیت در آن خصوص اظهار نظر کرد. اما مهاجرت جهانی واقعیتی است که از آن گریزی نیست.

**دوم** برای این سؤال که چرا سوئد باید پذیرای افرادی باشد که از جنگ، خونریزی، فجایای طبیعی، سرکوب و اذیت و آزار فرار می‌کنند، پاسخ‌ها و توجیحات اخلاقی قوی وجود دارد. سوئد مسئولیت و الزام اخلاقی دارد که پذیرای آوارگان، درماندگان و مهاجران باشد. این مسئولیتی است که هم در قوانین داخلی سوئد و هم در کنوانسیون‌های بین‌المللی وجود دارد.

**سوم** اینکه، کاملاً به نفع سوئد است که امکان مهاجرت به این کشور را برای شهروندان کشورهای دیگر فراهم کند. مهاجرت نه تنها به انتشار ایده‌های جدید و نوآورانه، افزایش رشد و تقویت فعالیت‌های کارآفرینانه، ایجاد اشتغال و افزایش میزان تجارت در سطح بین‌المللی منجر می‌شود، بلکه به لطف آن، تنوع در سوئد افزایش پیدا کرده و کشور به لحاظ فرهنگی و اجتماعی غنی‌تر می‌شود. مهاجرت همچنین زمینه مساعدی را برای افزایش خلاقیت فراهم می‌کند. اگر بخواهیم از کارآفرینان مهاجری که در سوئد کارنامه موفق‌تری را در زمینه خلاقیت و نوآوری از خود به یادگار گذاشتند مثال بزنیم می‌توان از غول عرصه دوچرخه‌سازی یعنی سالواتوره گریمالدی<sup>۱</sup>، کارآفرین عرصه نشریات و مجلات آمریکا<sup>۲</sup>، هتلدار معروف بیکی چاکرابورتی<sup>۳</sup> و غول عرصه ساعت‌سازی یعنی ایاد السفر<sup>۴</sup> نام برد. همچنین به دلیل روندهای جمعیتی در سوئد، مهاجرت عامل مهمی در حل چالش‌های جمعیتی سوئد در آینده است.

اینکه عامل مهاجرت تا چه میزان در توسعه سوئد در آینده نقش ایفا می‌کند بستگی زیادی به چگونگی ادغام مهاجران در جامعه سوئد دارد. اگر فرآیند ادغام به صورت صحیح انجام نگیرد، مشکلات و تنش‌های اقتصادی و اجتماعی در آینده سوئد اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. هر اندازه میزان ادغام اقتصادی و فرهنگی مهاجرین در جامعه سوئد بیشتر شود، امتیازهای مترتب بر آن هم برای مهاجران و هم برای سوئد بیشتر خواهد شد.

سه موج اصلی مهاجرت در سوئد عبارتند از:

- 
1. Salvatore Grimaldi
  2. Amelia Adamo
  3. Bicky Chakraborty
  4. Ayad Al Saffar

**موج اول:** در سال‌های ۱۹۴۵ تا سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰، اغلب کسانی که به سوئد مهاجرت کردند، نیروی کار بوده و عمدتاً از کشورهای حوزه اسکاندیناوی و نیز آلمان، ایتالیا، اتریش، یوگسلاوی، یونان و ترکیه بودند.

**موج دوم:** از دهه ۱۹۷۰ به بعد، مهاجرت پناهندگان و به مرور زمان خانواده‌های آنها به مرور افزایش پیدا کرد. بیشتر گروه‌هایی که از این طریق در جامعه و کشور سوئد ادغام شدند، از زمانی به زمان دیگر فرق می‌کرد، اما بیشتر از مناطقی در جهان بودند که در آنها جنگ و درگیری و یا بحران‌های دیگر در حال وقوع بود.

**موج سوم:** مهاجرت در سوئد، پس از عضویت این کشور در اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۵ بود که یکی از امتیازات آن آزادی جابجایی افراد در کلیه کشورهای عضو اتحادیه بود. این مسئله باعث افزایش مهاجرت نیروی کار به آن کشور شد به‌ویژه پس از اینکه تعداد کشورهای عضو اتحادیه از ۱۵ عضو به ۲۷ کشور عضو افزایش پیدا کرد. پس از آن بود که خیل کثیری از مهاجران از لهستان و کشورهای حوزه بالتیک روانه سوئد شدند.

طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱ بیش از ۱/۴ میلیون نفر اجازه اقامت در سوئد گرفتند. حدود ۷۰ درصد این افراد آوارگان و پناهندگان بودند، در حالی که حدود ۲۰ درصد از آنها نیروی کار مهاجر به همراه خانواده‌هایشان بودند که از کشورهای عضو اتحادیه اروپا و «منطقه اقتصادی اروپا» برای کار وارد سوئد شده بودند.<sup>۲</sup>

مسئله ادغام مهاجران در جامعه و بازار کار سوئد چالشی اساسی هم برای حال و هم آینده سوئد خواهد بود. یادگیری زبان سوئدی و انگلیسی توسط مهاجران و نیز کسب مهارت‌های لازم برای جذب در بازار کار در کنار تبعیض‌های احتمالی که این افراد در فرآیند جذب و ادغام در جامعه و بازار کار سوئد با آن مواجه می‌شوند و جامعه‌گریزی و دغدغه‌های امنیتی که به‌ویژه امروزه با تشدید تندروی و خشونت در بخش‌های زیادی از دنیا به تهدید و معضل اساسی تبدیل شده است و نیز چگونگی مواجهه با آنها از اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی سیاستگذاران سوئدی محسوب می‌شود.

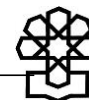
### نتیجه‌گیری

چالش‌هایی که سوئد در زمینه ادغام مهاجرین در بازار کار خود با آنها در آینده مواجه خواهد بود با ترکیبی از ۳ عامل زیر تعیین و تکلیف خواهند شد:

۱. چه تعداد مهاجر اجازه اقامت در سوئد پیدا می‌کنند؟ این مهاجرین از کدام کشورها می‌آیند؟ چرا سوئد را برای کار و اقامت در نظر گرفته‌اند؟ و اینکه چه دانش و مهارت‌هایی را با خود به سوئد

1. The European Economic Area (EEA)

2. Swedish Government Official Report, SOU 2010,p.40.



آورده‌اند؟

۲. ساختار بازار کار، شرکت‌ها و ادارات سوئدی و نیز عملکرد آنها می‌توانند نقش اساسی در چگونگی ادغام مهاجرین در کشور سوئد ایفا کنند. فاکتورهایی نظیر دسترس‌پذیری فرصت‌های شغلی و میزان تقاضا برای کار، نوع کار و صناعی که نیروی کار مهاجر به دنبال جذب در آنها هستند، استانداردهای حاکم بر بازار کار و نیز سهولت شروع یک کسب‌وکار مناسب در بخش‌های گوناگون نمونه‌هایی از این عوامل هستند.

۳) اینکه تا چه اندازه مردم، جامعه و بازار کار سوئد پذیرای مهاجران و نیروی کار جدید باشند - افرادی که دارای پیش‌زمینه‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی در مقایسه با سوئدی‌ها هستند و زبان سوئدی را به صورت دست و پا شکسته و یا با لهجه خارجی صحبت می‌کنند - عامل بسیار مهمی در چالش ادغام نیروی کار مهاجر در سوئد است. چالش ادغام همچنین ارتباط تنگاتنگی با این موضوع دارد که تا چه میزان کارفرمایان سوئدی حاضرند درب شرکت‌های خود را بر روی افرادی که ارزیابی مهارت‌ها و بازدهی آنها در ابتدا تا حدودی مشکل است، باز کنند.

در آینده هرچه میزان تقاضا برای کار در سوئد بیشتر باشد؛ هرچه دانش و مهارت‌هایی که مهاجران با خود به کشور سوئد می‌آورند همسویی بیشتری با نوع تقاضا در بازار کار این کشور داشته باشد و هرچه کشور سوئد، سوئدی‌ها و بازار کار آن استقبال بیشتری از نیروی کار مهاجر به عمل بیاورند، مقابله با چالش ادغام مهاجران در بازار کار و جامعه سوئد سهل‌تر می‌شود.

ترجمان این ادغام بهتر در بازار کار و جامعه سوئد برای مهاجران، داشتن حس آزادی و استقلال بیشتر و وضعیت مالی مناسب‌تر است. برای سوئد به‌عنوان کشور پذیرای مهاجران، ادغام بهتر به معنای کاهش هزینه‌های عمومی، افزایش درآمدها و کاستن از رنج و مشقت افرادی است که مجبورند جور بازنشستگانی را بکشند که تا سال‌های سال باید از مواهب دریافت مستمری بازنشستگی و خدمات تأمین اجتماعی دیگر برخوردار شوند. ادغام بهتر در جامعه و بازار کار سوئد، همزمان حس پردشدگی، تبعیض و محرومیت را در جامعه کمتر کرده و از این طریق انسجام اجتماعی در کشور را تقویت می‌کند.

در نتیجه یک وظیفه بسیار مهم، یافتن راهکارهایی برای تضمین ادغام صحیح و هرچه سریع‌تر مهاجرین در جامعه و بازار کار سوئد هم برای حالا و هم آینده است. هر اندازه فرآیند ادغام بهتر انجام شود، سوئد شانس بیشتری برای بهره‌گیری از فرصت‌های انسانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده همراه با مهاجران خواهد داشت.

### فصل پنجم - چالش دمکراسی و برابری جنسیتی

سوئد در ردیف کشورهای برابری است که دمکراسی در آن دارای ریشه‌های تاریخی است. حق رأی برابر سراسری برای زنان و مردان در سوئد از حدود یک قرن پیش تا به حال وجود داشته و در تمام مطالعات

و مقایسه‌های جهانی که در مورد وضعیت و شاخص‌های دموکراسی انجام می‌گیرد کشور سوئد همواره جزء کشورهای پیشرو بوده است.<sup>۱</sup> تصمیم‌های سیاسی و نهادهای عمومی و دولتی در سوئد همواره مورد مذاقه و توجه افکار عمومی کشور بوده و اطلاعات به صورت گسترده در دسترس تمام علاقمندان قرار می‌گیرد. همچنین سیاستگذاران و مسئولین در سوئد در مقایسه با دیگر کشورها برای مردم عادی به آسانی قابل دسترس هستند. میزان مشارکت در انتخابات در سوئد در سطح بالاترین استانداردهای جهانی است. حدود نیمی از مردم سوئد به سیاست علاقه دارند و بیشتر مردم آن از وضعیت دموکراسی در کشور اظهار رضایت دارند و مصرف اخبار و تحلیل‌های سیاسی در سرتاسر کشور رواج دارد. اگرچه جریان‌های افراطی سیاسی هم در سوئد وجود دارند، اما به صورت نسبی محیط سیاسی سوئد کمتر خشن و افراطی بوده و اقبال مردم این کشور به جریان‌ها و احزاب تندرو زیاد نیست.

برای کسب اطمینان از کارکرد صحیح دموکراسی وجود نهادهای دموکراتیک بسیار لازم و ضروری است، اما به تنهایی کفایت نمی‌کند. برای پایداری دموکراسی در بلندمدت، هم شهروندان و هم مسئولین باید به هنجارهای استاندارد خاصی پایبند باشند.

**هنجار اول:** «برابری سیاسی»<sup>۲</sup> است. دموکراسی در تحلیل نهایی اعتقاد قلبی و عملی به

این عقیده است که همه شهروندان برابر بوده و حقوق و آزادی‌های برابر و تخطی‌ناپذیر دارند.

**هنجار دوم:** مشارکت وسیع، معنادار و برابر شهروندان در فرآیندهای سیاسی است.

**هنجار سوم:** داشتن درک روشن‌بینانه است و این بدان معناست که مردم برای اینکه قادر به

موضع‌گیری در خصوص مسائل مهم عمومی باشند، باید دانش و اطلاعات کافی در آن زمینه‌ها داشته باشند. اینجاست که نباید تفاوت زیادی بین درک گروه‌های متفاوت وجود داشته باشد.

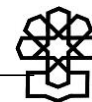
**هنجار چهارم:** صفت نمایندگی است. یعنی سیاستمداران و سیاستگذاران باید بتوانند به بهترین

شکل ممکن شهروندان و منافع و نظرات آنان را نمایندگی کنند.

سوئد و دیگر کشورهای حوزه اسکاندیناوی اهمیت زیادی را به برابری جنسیتی می‌دهند. هم قانونگذاری و هم هنجارهای اجتماعی در سوئد بر مبنای برابری مردان و زنان شکل می‌گیرد. این مسئله در رویکردهای سیاستگذاری در سوئد در موضوعاتی مانند نظام مالیاتی فردی، بیمه‌های والدین و توسعه خدمات مراقبت از کودکان کاملاً به چشم می‌آید و به دنبال این است که پدر و مادر هر دو بتوانند کار و زندگی خانوادگی را به یکسان در کنار هم داشته باشند. به همین دلیل مهم است که میزان فعالیت در میان زنان سوئدی در سطح جهان در زمره بالاترین کشورهاست. همچنین کشور سوئد وضعیت بهتری در شاخص تعادل جنسیتی نسبت به دیگر کشورها دارد: هم در زمینه نمایندگی و حضور در مجامع و مجالس سیاسی و هم میزان تقسیم کار و مسئولیت میان زنان و مردان در خانه و

1. Freedom House, 2012a.

2. Political Equality



مراقبت از بچه‌ها.

### احزاب سیاسی در سوئد

در اوایل دهه ۱۹۶۰ بیش از ۱/۳ میلیون نفر از مردم سوئد عضو احزاب سیاسی بودند. به عبارتی از هر ۴ نفری که پای صندوق‌های رأی می‌رفتند، یک نفر عضو احزاب سیاسی بود. در سوئد و دیگر دموکراسی‌های غربی، احزاب در آن زمان جنبش‌های عظیمی بودند و اعضای آنها بیش از ۱۰ درصد کل واجدان حق رأی را تشکیل می‌دادند و هر کدام از این احزاب دارای تعداد بسیار زیادی عضو بودند.

از آن زمان تاکنون تغییرات زیادی اتفاق افتاده است: میزان رأی‌دهندگانی که عضو یک حزب سیاسی در سوئد هستند، از ۶۵ درصد در سال ۱۹۶۸ به ۲۸ درصد در زمان انتخابات سال ۲۰۱۰ کاهش پیدا کرده است. در همین بازه زمانی، آمار حامیان دوآتشه احزاب از ۳۹ درصد به ۱۷ درصد تنزل یافته است.<sup>۱</sup> این روند در برخی دیگر از کشورهای غربی نیز مشاهده می‌شود.

احزاب سیاسی در سوئد با چالش‌های دموکراتیکی مواجهند:

**چالش اول:** به کاهش افراد مناسب و شایسته برای احراز مناصب سیاسی انتخابی برمی‌گردد. به احتمال زیاد احزاب سیاسی سوئد در سال‌های آینده برای پیدا کردن افراد شایسته برای رقابت و تصدی مناصب سیاسی با چالش فراوانی مواجه می‌شوند و این مسئله به خالی ماندن ناگزیر برخی از مناصب سیاسی منجر می‌شود.

**چالش دوم:** این است که افراد خیلی کمتری تجربه فردی از کار و فعالیت در احزاب سیاسی را خواهند داشت. این افراد به دلیل ندیدن آموزش صحیح سیاسی قادر به درک مناقشات و جنبه‌های مختلف یک تصمیم‌گیری سیاسی نبوده و در نتیجه در تصمیم‌گیری‌های خود نمی‌توانند هدف اساسی و اصول خدمت به مصلحت عمومی<sup>۲</sup> را به نحو شایسته مورد نظر قرار دهند.

**چالش سوم:** این است که کاهش در تعداد اعضای احزاب سیاسی ریسک تضعیف و به خطر افتادن صفت نمایندگی را به همراه دارد. نخبگان سیاسی سوئد در مقایسه با استانداردهای جهانی به صورت مثال زدنی باز و مردم‌دار بوده - خیلی بیشتر از دیگر گروه‌های متنفذ و مهم در جامعه - و از پایگاه وسیع‌تری جذب می‌شوند.

**چالش چهارم:** این است که کاهش اعضای احزاب سیاسی می‌تواند قدرت و حیطة نفوذ گروه‌های متنفذ و لابی‌گرها را در صحنه سیاسی افزایش دهد.

**چالش پنجم:** این است که با کاهش اعضای احزاب و تضعیف موضع آنها نقش رسانه‌ها این وسط پررنگ‌تر و تعیین‌کننده‌تر می‌شود.

1. Oscarsson & Holmberg, 2011, pp. 31-33.

2. Common Good

## تغییرات در محیط رسانه

تغییر در محیط رسانه‌ای، چالش‌های جدیدی برای دموکراسی ایجاد کرده است. طی دهه‌های گذشته تعداد رسانه‌ها و کل میزان محتوای تولید شده در آنها به صورت انفجاری رشد کردند و امروزه افراد تقریباً دسترسی نامحدودی به اخبار و اطلاعات در سراسر جهان دارند. اگرچه از بسیاری جهات این اتفاق مثبت و فرخنده‌ای است، اما همچنین می‌تواند افزایش شکاف از پیش موجود در مصرف رسانه را به دنبال داشته باشد.

**در گام اول** هرچه دامنه رسانه‌های در دسترس و فرصت برای انتخاب از میان آنها بیشتر باشد افراد باید به صورت گزینشی تری دست به انتخاب رسانه و انواع متفاوت محتوای رسانه‌ای بزنند.

**گام دوم** اینکه هرچه افراد به صورت گزینشی تری دست به انتخاب رسانه و انواع متفاوت محتوای رسانه‌ای بزنند، انگیزه‌ها و توانایی‌های آنها مهمتر می‌شود.

**گام سوم** اینکه هرچه انگیزه‌ها و توانایی‌های افراد مهمتر شود، تفاوت میان آنها در نوع و میزان رسانه‌هایی که مصرف می‌کنند بیشتر می‌شود.

مصرف اخبار و اطلاعات به صورت سنتی در سوئد وسیع و گسترده بوده است. هم‌اکنون نیز در مقایسه با استانداردهای جهانی این رقم بالاست، اما به صورت مشخص روزنامه‌خوانی در سوئد کاهش پیدا کرده است. مصرف خبرهای ملی از طریق تلویزیون نیز کاهش یافته است.

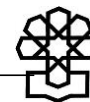
اگرچه نسبت افرادی که از رسانه‌های خبری - بجز اینترنت - سود می‌گیرند کاهش یافته است، درصد افرادی که هرگز از این رسانه‌های خبری استفاده نمی‌کنند افزایش یافته است. میزان افرادی که اخبار ملی سوئد را از تلویزیون تنها یک بار در هفته نگاه کرده‌اند از ۵ درصد در سال ۱۹۸۶ به ۱۳ درصد در سال ۲۰۱۱ رسید و این رقم نشان‌دهنده اقبال کم مردم سوئد به پیگیری اخبار کشور از طریق تلویزیون است. طی همین فاصله زمانی تعداد افرادی که هرگز نسخه چاپی روزنامه‌ها را نمی‌خوانند از ۱۰ درصد به ۲۷ درصد افزایش پیدا کرده است.<sup>۱</sup>

همزمان تفاوت میان گروه‌های سنی متفاوت نیز افزایش پیدا کرده است. دو الگو کاملاً مشخص است.

**الگوی اول:** اینکه شکاف فزاینده‌ای بین جوانان و افراد مسن به وجود آمده است. در اواسط دهه ۱۹۸۰، ۸۱ درصد از گروه سنی سالخوردگان (۶۵-۸۵ سال) و ۶۸ درصد از گروه سنی جوانان (۱۵-۲۹ سال) حداقل ۵ روز در هفته روزنامه می‌خواندند و اختلاف میان این دو گروه فقط ۱۳ درصد بود. در سال ۲۰۰۹ این ارقام به ترتیب ۸۱ درصد برای بزرگسالان و ۳۶ درصد برای جوانان بود و شکاف میان درصد مطالعه روزنامه این دو گروه به ۴۵ درصد بالغ شد.<sup>۲</sup>

1. Shehata, Adam & Strömbäck, Jesper, 2011.

2. Holmberg, Sören & Weibull, Lennart, 2010.



**الگوی دوم:** این است که جویندگان اخبار و تحلیل‌های سیاسی میزان انبوهی از تولیدات رسانه‌های خبری را استفاده می‌کنند و درست عکس آن، افرادی که از اخبار و تحلیل‌های سیاسی گریزان هستند به راحتی می‌توانند فاصله خود را از این قبیل اطلاعات حفظ کرده و در نتیجه شکاف عظیم و فزاینده‌ای میان اطلاعات و درک و قدرت تحلیل این دو گروه از وقایع و تحولات سیاسی جاری در سوئد به وجود آمده است. پدیده‌ای که از آن تحت عنوان «دمکراسی دوسوم»<sup>۱</sup> یاد می‌شود.

اینترنت و رسانه‌های دیجیتال باعث تشدید این اتفاق شده است. با ظهور اینترنت برقراری ارتباط و اظهار عقاید برای افراد بسیار آسان‌تر شده است. به مدد بهره‌گیری از امکانات فناوری اطلاعات و ارتباطات نه تنها شکاف فوق‌الذکر بیشتر شده، بلکه موسیقی، فیلم‌ها و متون ادبی از سرتاسر جهان در دسترس همه قرار گرفته و طبیعتاً افراد گریزان از اخبار و تحلیل‌های سیاسی آلت‌رناتیوهای بسیار جذاب‌تری نیز پیدا کرده‌اند و گاهی اوقات کلاً خود را از فضای اخبار و تحلیل‌ها ایزوله می‌کنند.

چالش دیگر برای دمکراسی این است که افراد دارای ایدئولوژی‌های خاص و خطرناک نظیر گروه‌های ملی‌گرای افراطی، گروه‌های بیگانه‌ستیز و گروه‌های حامی تئوری توطئه به راحتی می‌توانند ایده‌ها و عقاید خود را منتشر کرده و در دسترس همگان قرار بدهند. این اتفاق باعث قطبی شدن بیش از اندازه جامعه و افزایش خشونت و تندروی، اشاعه نفرت و کم‌رنگ‌تر شدن رواداری و همزیستی مسالمت‌آمیز گروه‌های متفاوت در جامعه می‌شود که چالش بزرگ بر سر راه دمکراسی در سوئد است.

در کل تغییر در ماهیت و محیط رسانه‌ها، علاوه بر به ارمغان آوردن امتیازها و دستاوردهای قابل توجه برای همگان، متضمن چالش‌هایی برای دمکراسی و کیفیت آن است.

برخی از این چالش‌ها عبارتند از:

۱. افزایش شکاف دانش میان گروه‌های مختلف.
۲. خطر افزایش شکاف مشارکت در میان گروه‌های مختلف.
۳. افزایش خطر قطبی‌سازی عقاید و برداشت‌ها از واقعیت.
۴. کاهش روزافزون فضاهای مشترک عمومی هم در حجم و هم در تعداد. اهمیت رسانه‌های مجازی در حال افزایش است. در حالی که تعداد رسانه‌های گروهی همه‌گیر در حال کاهش بوده و افراد کمتری به این رسانه‌های گروهی همه‌گیر (نظیر تلویزیون ملی) مراجعه می‌کنند.

### **پیچیده‌تر شدن فزاینده فرآیندهای تصمیم‌گیری**

عاملی کلیدی در دمکراسی‌های مبتنی بر نمایندگی نظیر سوئد، سازوکارهای مسئول و پاسخگو کردن تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان به مردم در قبال تصمیمات اتخاذ شده است. بهترین شیوه برای نیل به این امر این است که قدرت سیاسی و مسئولیت‌پذیری همراه با یکدیگر باشند و کاملاً شفاف باشد که چه کسی

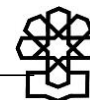
مسئول چه چیزی است و اینکه مردم در تمامی سطوح، پاسخگویی را از مسئولان مطالبه کنند. روند دهه‌های اخیر در سوئد به سمت پیچیده‌تر شدن فرآیندهای تصمیم‌گیری است و انتظار می‌رود که این روند تداوم پیدا کند. البته دلایلی را می‌توان برای این پیچیده شدن ذکر کرد. مهمترین دلیل این است که بسیاری از چالش‌ها و مشکلاتی که سوئد با آنها مواجه است مرزهای مختلفی را در می‌نوردند هم محدوده محلی، منطقه‌ای و ملی در داخل سوئد و هم بین سوئد و دیگر بخش‌های جهان. حل چالش‌های فرامرزی که سوئد و دیگر کشورهای جهان در حوزه‌هایی نظیر تجارت، بحران‌های مالی، قاچاق کالا و انسان، تغییرات اقلیمی، مهاجرت بین‌المللی و... با آن مواجه هستند؛ اراده همکاری و مذاکره فراتر از مرزهای ملی سوئد را می‌طلبد. اینجاست که نهادهایی نظیر سازمان ملل، اتحادیه اروپا و دیگر نهادهای مشترک نقش پررنگی باید ایفا کنند.

سوئد امروزه در بیش از ۹۱ سازمان بین‌دولتی عضو است. این رقم در سال ۱۹۶۰ تنها ۵۴ سازمان بود.<sup>۱</sup> به همین ترتیب حل چالش‌هایی که سوئد هم‌اکنون و در آینده درخصوص مسائلی نظیر آموزش و پرورش، خدمات درمانی و سلامت، ادغام، تغییرات جمعیتی و انسجام اجتماعی با آنها مواجه است، مستلزم همکاری میان قسمت‌های متفاوت بخش دولتی با بخش تجاری از یک سو و میان بخش تجاری و جامعه مدنی و کنشگران فردی از سوی دیگر خواهد بود.

قوانین ملی در سوئد عموماً توسط ریکسداگ وضع می‌شود، اما دولت عمدتاً از طریق ارائه لایحه به ریکسداگ و جرح و تعدیل آنها در میان نمایندگان مردم به امور حکمرانی می‌پردازد. در واقع اجرای این خط‌مشی‌ها به میزان زیادی در حوزه اختیار و مسئولیت ۲۳۴ آژانس و اداره دولتی است. این ادارات هستند که باید از اجرای صحیح و بی‌کم‌وکاست تصمیمات دولت و پارلمان اطمینان خاطر کسب کنند. یکی از سنت‌های دیرینه در قانون اساسی سوئد این است که این سازمان‌ها قدرت استقلال زیاد دارند. بخش مهم و قابل توجه دیگری از اجرای خط‌مشی‌ها در کشور سوئد برعهده ۲۹۰ شهرداری و ۲۰ شورای شهر در آن کشور است. این نهادها نیز میزان قابل توجهی از استقلال را در تصمیم‌گیری خود از ریکسداگ و دولت سوئد دارند.

در نتیجه کارآمدی آموزش و پرورش، خدمات درمانی، زیرساخت‌ها و دیگر بخش‌های حوزه عمومی در سوئد مشروط به عوامل زیادی است. این کارآمدی برای مثال به تصمیمات اتخاذ شده از سوی ریکسداگ در قبال لوایح دریافتی از سوی دولت، چگونگی اجرای تصمیمات توسط ادارات در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی، به تصمیمات اتخاذ شده در سطح محلی و شهرداری‌ها و تعامل میان کنشگرهای متعدد و متفاوت بستگی دارد. همچنین خط‌مشی‌گذاری و حکمرانی در سوئد هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم از اتحادیه اروپا متأثر می‌شود که خود این مسئله بر پیچیدگی‌های ساختار تصمیم‌گیری در این کشور می‌افزاید.

1. Swedish Agency for Public Management, 2000, UIA, 2012.



## افزایش شکاف در مشارکت

فرآیندهایی که تاکنون ذکر کردیم یعنی تضعیف احزاب سیاسی در سوئد، تغییرات در محیط رسانه‌ای و پیچیده‌تر شدن روزافزون فرآیند تصمیم‌گیری‌های سیاسی در آن کشور هر کدام متضمن چالش‌هایی برای آینده دموکراسی در سوئد بودند. اما وجه اشتراک کلیه این فرآیندها تأثیرگذاری مستقیم آنها در تعمیق و گسترش شکاف مشارکت سیاسی به‌ویژه در زمینه میزان درصد رأی‌دهندگان در انتخابات‌ها بوده است.

به لحاظ تاریخی، احزاب سیاسی در سوئد نقش مهمی در بسیج گروه‌هایی داشتند که از امکانات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کمتری برخوردار بودند به‌ویژه افراد کم درآمد و دارای سطح تحصیلات پایین. به موازات کاهش تعداد اعضای احزاب سیاسی و تضعیف آنها، پایه‌ها و زمینه‌های جذب نیروی آنها نیز ضعیف‌تر می‌شود. این بدان معناست که توانایی احزاب برای بسیج افراد و گروه‌هایی که بیشتر از همه به این تحرک و بسیج شدن از طریق اقدامات فعالانه نیاز دارند، کاهش می‌یابد. این ریسک وجود دارد که در آینده اعضای فعال احزاب بیشتر از میان افراد تحصیل کرده دارای سطح درآمدی بالا از طبقه متوسط و بالاتر باشند. این مسئله به نوبه خود شکاف مشارکت سیاسی میان گروه‌های مختلف در جامعه را بیشتر می‌کند.

امروزه فرآیند اجتماعی شدن نسل‌های جدید در محیط رسانه‌ای انجام می‌شود که در آن هر فرد به‌صورت فعالانه می‌تواند نوع رسانه و نیز نوع اطلاعاتی که می‌خواهد بدان دسترسی داشته باشد را انتخاب کند. به موازات این مسئله، خطر روزافزونی پدید آمده است به این صورت که گروه‌هایی که علاقه به اخبار و تحلیل‌های سیاسی ندارند، از این گونه اخبار و اطلاعات درباره سیاست و اجتماع پرهیز می‌کنند. همچنین این ریسک وجود دارد که این گروه‌ها، همان گروه‌های با منابع کمتر در حوزه‌های دیگر باشند: مثل افراد کم‌درآمدتر، بی‌سوادان و کم‌سوادان، افراد جوان‌تر یا خارجی‌ها.

درخصوص اساسی‌ترین شکل مشارکت سیاسی - یعنی رأی دادن در انتخابات - به لحاظ تاریخی سوئد در زمره کشورهایی است که بالاترین درصد مشارکت در انتخابات را دارا هستند. از جنگ جهانی دوم به بعد به‌صورت متوسط ۸۳ درصد از جمعیت حائز شرایط رأی دادن در سوئد در انتخابات پارلمان شرکت کردند. بالاترین میزان این مشارکت در انتخابات سال ۱۹۷۶ بود که ۹۱/۸ درصد از واجدان حق رأی در انتخابات حضور داشتند. در انتخابات پارلمان سال ۲۰۱۰، ۸۴/۶ درصد از واجدان حق رأی در انتخابات شرکت کردند.<sup>۱</sup> اما جالب است که بدانیم علیرغم مشارکت بسیار خوب سوئدی‌ها در انتخابات‌های ملی، این میزان مشارکت برای انتخابات «پارلمان اروپایی»<sup>۲</sup> به‌شدت کاهش می‌یابد. در انتخابات پارلمان اروپا در سال ۲۰۰۹ تنها ۴۵/۵ درصد از سوئدی‌های واجد حق رأی شرکت کردند.

1. Statistics Sweden, 2013.

2. European Parliament

میانگین این رقم برای دیگر کشورهای اروپایی ۴۳ درصد بود.

اگرچه درصد مشارکت در انتخابات در سوئد بالاست، اما بین گروه‌های مختلف تفاوت آشکاری وجود دارد و این تفاوت‌ها سرخ‌های مهمی را برای شناسایی بزرگ‌ترین شکاف‌ها در مشارکت سیاسی آینده سوئد در اختیار ما قرار می‌دهد.

- درصد مشارکت در انتخابات در بین افراد میانسال و مسن بیشتر از جوانان است.
- درصد مشارکت در میان افراد متولد سوئد بیشتر از افراد متولد خارج از سوئد و یا افراد دارای پیش‌زمینه خارجی است.
- درصد مشارکت در انتخابات در میان افراد تحصیل‌کرده بیشتر از افراد دارای سطح تحصیلات پایین‌تر است.

- پردرآمدها بیشتر از کم‌درآمدها در انتخابات مشارکت می‌کنند.

- نرخ مشارکت افراد شاغل در انتخابات بیشتر از بیکاران است.

- افراد متأهل و هم‌خانه‌ها بیشتر از افراد مجرد در انتخابات مشارکت می‌کنند.

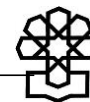
اما شاید مهمترین عامل در توضیح چرایی مشارکت در انتخابات، انگیزه یعنی همان علاقه سیاسی است. تفاوت در مشارکت در انتخابات بین کسانی که خودشان را علاقمند به تحلیل و مسائل سیاسی می‌دانند و کسانی که هیچ علاقه‌ای به سیاست و سیاست‌ورزی و پیگیری اخبار و مسائل آن ندارند، بعضاً تا رقم ۴۰ درصد می‌رسد.<sup>۱</sup>

نتیجه اینکه علیرغم درصد بالای مشارکت افراد واجد رأی در انتخابات کشور سوئد، هم‌اکنون تفاوت‌های فراوانی میان گروه‌های دارا و گروه‌هایی که دچار فقر منابع هستند؛ در رابطه با اساسی‌ترین شکل مشارکت سیاسی (شرکت در انتخابات) وجود دارد. اگر میزان مشارکت در انتخابات در آینده کاهش پیدا کند به احتمال بسیار زیاد این تفاوت‌ها شدیدتر خواهد شد. اگر روند کنونی کاسته شدن از تعداد اعضای احزاب سیاسی و در نتیجه تضعیف آنها به‌عنوان یکی از مهمترین نهادهای سیاسی ادامه پیدا کند و گروه‌های دارای منابع درآمدی کمتر همچنان اقبال کمتری به اخبار و تحلیل‌های مربوط به سیاست و جامعه نشان دهند، این خطر وجود دارد که انتخابات جذابیت خود را به‌عنوان یک اهرم و عامل بسیجگر سیاسی از دست بدهد. در این صورت است که شکاف مشارکتی گروه‌های مختلف در جامعه بزرگ‌تر نیز می‌شود. این اتفاق چالش خطیری برای دموکراسی سوئد در حال و آینده است.

### تهدیدها، خشونت و افراط‌گرایی

حتی در کشورهای پیشرفته‌ای نظیر سوئد نیز مقامات و مسئولین منتخب مردم می‌توانند در معرض انواعی از اذیت و آزار، تهدید یا خشونت قرار گیرند و این مشکل بسیار جدی است. نظرسنجی که اخیراً

1. Holmberg & Oscarsson, 2004, pp. 23-24.



توسط «شورای ملی پیشگیری از جرم»<sup>۱</sup> از مقامات محلی - منطقه‌ای، شهرداری‌ها و نیز تمامی اعضای ریکسداگ به عمل آمده آشکار کرد که یک نفر از هر ۶ مقام مسئول در سال ۲۰۱۱ در ارتباط با انجام وظایف خویش مورد تهدید قرار گرفته است و بیشتر این افراد بیش از یک بار تهدید شده‌اند.<sup>۲</sup> رویارویی با این معضل، چالش بزرگی تا به امروز بوده است. اما این چالش در آینده جدی‌تر نیز خواهد شد. که دلایل آن عبارتند از:

**دلیل اول**، می‌تواند این باشد که امروزه یافتن (پیدا کردن) اطلاعات درباره شماره تماس مقامات مسئول و منتخب از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بسیار آسان‌تر از قبل شده است.

**دلیل دوم**، این است که برای افرادی با عقاید افراطی و تنگ‌نظرانه امکان پیدا کردن هم‌کیشان و سازماندهی فعالیت‌های نفرت‌انگیز، آسان‌تر شده است.

**دلیل سوم**، این است که وقوع تغییرات در محیط رسانه‌ای و رسانه‌های دیجیتال خطر افزایش قطبی‌سازی سیاسی را بیشتر کرده و این به نوبه خود ذهنیت «ما» در مقابل «آنها» را تقویت کرده و می‌تواند افراد خامی را تحریک کند که گامی فراتر نهاده و مسئولین و مقامات منتخب را در معرض تهدید، آزار و اذیت و خشونت قرار دهند.

افراط‌گرایی خشن یک چالش ویژه است. اگرچه تمامی شکل‌های خشونت سیاسی، ضددمکراتیک هستند، یک جامعه دمکراتیک هرگز نمی‌تواند از خود در برابر تهدید افراط‌گرایی خشن به‌صورت کامل محافظت کند و همیشه این خطر وجود دارد که افراد و گروه‌ها برای تغییر جامعه و یا دفاع از چیزی که به‌زعم آنان در معرض تهدید است وسوسه شوند که از زور یا خشونت استفاده کنند.

یک مطالعه میدانی که در سال ۲۰۰۹ در خصوص محیط‌های سیاسی مستعد خشونت‌ورزی و افراط‌گرایی در سوئد که به‌صورت مشترک به‌وسیله «شورای ملی پیشگیری از جرم» و «سرویس امنیت سوئد»<sup>۳</sup> صورت گرفت، دو نمونه از این گروه‌ها را در کشور سوئد شناسایی کرد. این گروه‌ها و اجتماعات عبارت بودند از: اجتماعات راست‌گرای افراطی سوئد؛ اجتماعات چپ‌گرای مستقل سوئد.<sup>۴</sup>

این گروه‌ها در حال حاضر آنقدر کوچک هستند که تهدیدی را متوجه دمکراسی به‌عنوان شکل پذیرفته شده دولت در سوئد نمی‌کنند، اما به هر حال آنها می‌توانند صدمات و خرابی‌های قابل توجهی را به بار آورند. همچنین افزایش گوشه‌گیری و انزوا به‌ویژه در میان جوانان به خصوص خارجی‌ها، چالش اساسی را برای امنیت ملی سوئد به‌وجود می‌آورد. امروزه نمونه‌هایی از حملات خشن و تروریستی گرگ‌های تنها<sup>۵</sup> را در بسیاری از کشورهای اروپایی شاهد هستیم. بیشتر سربازگیری و جذب نیرو در گروه‌های تروریستی و افراطی از میان همین

---

1. The National Council for Crime Prevention  
2. Swedish National Council for Crime Prevention, 2012.  
3. Swedish Security Service  
4. Swedish National Council for Crime Prevention, 2009; Swedish Security Service, 2010.  
5. Lone wolves

جوانان منزوی در جامعه انجام می‌گیرد. در نتیجه یکی از مهمترین چالش‌های آینده سوئد در حوزه صیانت و حفاظت از دموکراسی و مبارزه با افراط‌گرایی، کاستن از انزوای جوانان به‌ویژه جوانان مهاجر ساکن در سوئد، تسهیل حرکت و بسیج‌گیری سیاسی برای همه و کسب اطمینان از قوی بودن انسجام اجتماعی است. همچنین هوشیاری و تلاش گروه‌های طرفدار دموکراسی برای پیشگیری از تهدیدها و مخاطرات افراط‌گرایی خشن برای دموکراسی در آینده بیش از هر موقع دیگری احتیاج است.

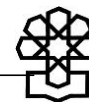
## فساد

در سطح جهان، فساد همواره یکی از اصلی‌ترین موانع توسعه دموکراسی و نهادهای عمومی و همچنین افزایش رونق اقتصادی و رفاه انسان‌ها بوده است. سوئد در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی جزو کشورهایی با کمترین میزان فساد بوده است. آمار «شاخص درک فساد» سازمان شفافیت بین‌الملل<sup>۱</sup> کشورها را برحسب میزان فساد موجود در بین مقامات دولتی و سیاستمداران‌شان رتبه‌بندی می‌کند. در سال ۲۰۱۱ سوئد در میان ۱۸۳ کشور پس از کشورهای نیوزلند، دانمارک و فنلاند رتبه چهارم کمترین میزان فساد در دنیا را به خود اختصاص داد<sup>۲</sup>. پایین بودن میزان فساد در سوئد یک دارایی مهم و بزرگ ملی است. اما این کم بودن فساد در سوئد به معنای نبودن آن نیست، بلکه همواره این ریسک وجود دارد که مسئله فساد به معضل بزرگی در آینده تبدیل شود. یک دلیل مهم برای این احتمال، افزایش انتقال مستقیم کارکنان و مدیران از بخش عمومی به بخش خصوصی است که از آن با عنوان پدیده «درب چرخان» یاد می‌شود. انتقال شاغلان بین بخش عمومی و بخش خصوصی می‌تواند موجب ایجاد منافع برای کارمندان در بخش خصوصی و زمینه‌ساز تعارض منافع و ناکارآمدی خدمات ارائه شده در بخش عمومی شود. باید برای مقابله با مخاطراتی نظیر افزایش رانت‌جویی، خط‌مشی‌گذاری سوگیرانه و جهت‌دار، افشای اطلاعات دولتی و فسادهای مترتب بر آنها برای آینده سوئد فکری کرد.

اولین و معتبرترین راهکار در سوئد برای مقابله با فساد، صراحت و شفافیت است. اصل دسترسی عمومی به شهروندان امکان دسترسی به اسناد دولتی و رسمی را می‌دهد و قوانین مرتبط با آزادی جریان اطلاعات و ارتباطات به کارمندان کمک می‌کند که هر کجا کژکارکردی و یا قانون‌گریزی شاهد بودند آن را افشا کنند، بی‌آنکه جایگاه شغلی آنها به خطر بیافتد. در اینجاست که رسانه‌ها می‌توانند نقش بسیار حیاتی را به‌عنوان ناظران و یا بازرسان چگونگی استفاده از قدرت ایفا کنند.

در حال حاضر درباره وضعیت دموکراسی در سوئد جای نگرانی نیست. براساس آماری که از «پیمایش ارزش‌های جهانی»<sup>۳</sup> استخراج شده است بیش از ۹۸ درصد مردم سوئد عقیده دارند که دموکراسی شیوه

1. Transparency International's Corruption Perceptions Index  
2. Joyce, 2013.  
3. World Values Survey



«خیلی خوب» و یا «نسبتاً خوبی» برای حکمرانی بر کشور است.<sup>۱</sup> اما این اطمینان خاطر نباید هوشیاری و حراست از نهاد دموکراسی در آینده را بکاهد. آینده دموکراسی در سوئد با چالش‌های متعدد در حوزه‌هایی نظیر برابری سیاسی، مشارکت سیاسی، درک سیاست و جامعه و درجه نمایندگی بودن مواجه خواهد شد. برای کسب اطمینان از تداوم دموکراسی در نسل‌های جدید و آینده باید با این چالش‌ها مقابله کرد.

### نتیجه‌گیری

براساس نتایج گزارش کمیسیون آینده‌پژوهی سوئد پنجمین چالش پیش‌روی سوئد تا سال ۲۰۵۰، چالش دموکراسی و برابری جنسیتی است. سوئد در زمره کشورهای است که دموکراسی در آن دارای ریشه‌های تاریخی بوده و در کلیه مطالعات و مقایسه‌های جهانی که در مورد وضعیت و شاخص‌های دموکراسی انجام می‌گیرد، سوئد جزء کشورهای پیش‌رو بوده است. تصمیم‌های سیاسی و نهادهای عمومی و دولتی در سوئد مورد توجه افکار عمومی بوده و اطلاعات در این کشور به‌صورت گسترده در دسترسی همگانی قرار می‌گیرد. همچنین نرخ مشارکت در انتخابات در سوئد در سطح بالاترین استانداردهای جهانی است. برای کسب اطمینان از کارکرد صحیح دموکراسی، وجود نهادهای دموکراتیک نظیر احزاب سیاسی بسیار ضروری است اما به تنهایی کفایت نمی‌کند. برای پایداری دموکراسی در بلندمدت، هم شهروندان و هم مسئولین باید به هنجارهای استاندارد خاص پایبند باشند.

تغییرات در ماهیت و محیط رسانه‌ها متضمن چالش‌هایی برای دموکراسی و کیفیت آن است. برخی از این چالش‌ها عبارتند از: افزایش شکاف دانش و اطلاعات میان گروه‌های مختلف، افزایش شکاف مشارکت در میان گروه‌های مختلف، افزایش خطر قطبی‌سازی عقاید و برداشت‌ها از واقعیت و در نهایت کاهش روزافزون فضاهاى مشترک عمومی هم در حجم و هم در تعداد.

تضعیف احزاب سیاسی در سوئد، تغییرات در محیط رسانه‌ای و پیچیده‌تر شدن روزافزون فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی در آن کشور هر کدام متضمن چالش‌هایی برای آینده دموکراسی در سوئد هستند. اما وجه اشتراک کلیه این فرآیندها، تاثیرگذار مستقیم آنها در تعمیق و گسترش شکاف مشارکت سیاسی به‌ویژه در زمینه میزان درصد رای دهندگان در انتخابات‌ها بوده است.

اگر روند کنونی کاسته شدن از تعداد اعضای احزاب سیاسی و در نتیجه تضعیف آنها به‌عنوان یکی از مهمترین نهادهای سیاسی ادامه پیدا کند و گروه‌های دارای منابع درآمد کمتر همچنان اقبال کمتری به اخبار و تحلیل‌های مربوط به سیاست و جامعه نشان دهند، این خطر وجود دارد که انتخابات جذابیت خود را به‌عنوان یک اهرم و عامل بسیجگر سیاسی از دست بدهد. در این صورت است که شکاف مشارکتی گروه‌های مختلف در جامعه بزرگ‌تر نیز می‌شود. این اتفاقات چالش خطیری برای دموکراسی سوئد در حال و آینده است.

1. World Values Survey Association, 2009.

همچنین تهدیده‌ها، خشونت و افراط‌گرایی و نیز افزایش فساد در میان مسؤلان از دیگر موانع فرا روی دمکراسی در سوئد در حال و آینده است.

### فصل ششم - چالش‌های انسجام اجتماعی

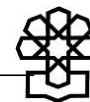
انسجام اجتماعی فی‌نفسه پدیده مبارکی است و مردم را قادر می‌کند تا احساس مهم بودن و به بازی گرفته شدن کرده و همچنین کیفیت زندگی آنها و حتی خوشبختی را در آنها تقویت می‌کند. انسجام اجتماعی از آنجایی که مردم پراکنده و بی‌خبر از یکدیگر را به یکدیگر متصل کرده و برای مثال میل عمومی را در مردم برای پرداخت مالیات و یا تبعیت از قانون، تشریک مساعی برای رسیدن به اهداف مشترک و تقویت این احساس در مردم که آنها بخشی از یک چیز (کل) بزرگ‌تر از خودشان هستند، فوق‌العاده ارزشمند است.

بدون انسجام اجتماعی خطر فساد، فرار مالیاتی، تقلب و کشمکش‌های درون‌گروهی و حس ناامنی شخصی افزایش پیدا می‌کند. در نگاه وسیع‌تر اگر انسجام اجتماعی در کشور وجود نداشته باشد، آن‌گاه دولت، بخش‌های تجاری و افراد باید زمان، هزینه و منابع زیادی را صرف مقوله‌هایی مانند کنترل، نظارت و حفاظت کنند. فقدان انسجام اجتماعی همچنین موجب تضعیف نهادهای عمومی و امکان تداوم‌پذیری اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه می‌شود.

شاید اساسی‌ترین عامل کمک‌کننده در حفظ انسجام اجتماعی در سطح ملی در سوئد این درک مشترک باشد که علیرغم همه تفاوت‌هایمان همگی متعلق به یک جامعه هستیم. در این معنا، انسجام اجتماعی بر مبنای ایده «ما» است که جامع‌تر بوده و مهم‌تر از تقسیم‌بندی جامعه در بخش «ما» و «آنها» است. در این خصوص هم شرایط عینی و هم مفاهیم ذهنی دارای اهمیت زیادی است.

اگرچه انسجام اجتماعی به میزان زیادی بر مبنای ایده اجتماع ملی است؛ سوئد نیز همانند بسیاری از کشورهای دیگر طی دهه‌های گذشته در نتیجه عواملی نظیر جهانی شدن، فردگرایی و تنوع بیشتر دگرگون شده است. کشورهای جهان به‌طور روزافزون متکی به یکدیگر شده و مرزهای دولت - ملت‌ها شکننده‌تر و نفوذپذیرتر شده‌اند. همچنین فردگرایی و تنوع روزافزون همه چیز - از نژاد و ریشه‌های مردم گرفته تا دامنه‌ای از کالاها، خدمات و سبک‌های زندگی - به ناهمگنی بیشتر در درون کشورها انجامیده است. علاوه بر اینها، پیشرفت‌های خیره‌کننده فناوریانه شیوه‌های برقراری ارتباط ما با یکدیگر را دستخوش تغییر قرار داده است. امروزه هویت بیشتر از اینکه امری بدیهی و از قبل تعیین شده باشد توسط خود آنها و غالباً درون گروه‌های کوچک و یا جامعه شکل می‌گیرد. حاکمیت دولت - ملت‌ها کمتر شده و تکثر و ناهمگنی در آنها بیشتر شده است.

این تحولات اگرچه رفاه، تنوع و آزادی‌های فردی بیشتر را برای مردم به ارمغان آورده است، اما همچنین نگرانی‌هایی را در خصوص وضعیت انسجام اجتماعی در سطح ملی در سوئد به وجود آورده



است. نگرانی‌ها زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم در ذات انسان‌ها گرایش به تقسیم مردم به «ما» و «آنها» و مبالغه در خصوص شباهت‌های میان افرادی که در دسته «ما» قرار گرفته‌اند و تفاوت‌های افرادی که در «آنها» قرار دارند و نیز جستجوی افرادی که شبیه ما هستند، همواره وجود داشته است. مادامی که ادراک ما از جامعه و پیوندهای آن قوی‌تر و جامع‌تر از تفاوت‌های ادراک شده بین گروه‌های مختلف باشد، فرآیندهای ذکر شده در بالا لزوماً آثار منفی و مخرب بر روی انسجام اجتماعی نمی‌گذارند، اما وجود انسجام اجتماعی نباید بدیهی انگاشته تلقی شود. این دغدغه که تفاوت‌های بیشتر میان گروه‌های مختلف در جامعه قادر به کاهش انسجام اجتماعی است باید جدی گرفته شود. در نهایت اینکه، انسجام اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با تداوم‌پذیری اجتماعی و در یک زمینه وسیع‌تر تداوم‌پذیری سیاسی، ارزش محور و فرهنگی دارد.

### وضعیت انسجام اجتماعی در سوئد کنونی

تجزیه و تحلیل مطالعاتی که تاکنون در خصوص وضعیت انسجام اجتماعی در سوئد انجام شده بیانگر این مسئله است که وضعیت عمومی آن قوی و در سطح قابل قبول بوده و دامنه قابل توجهی را برای آزادی‌های فردی و تکثرگرایی در برخی حوزه‌ها فراهم کرده است. سوئد هم‌اکنون در زمره کشورهای دارنده بیشترین سطح از انسجام اجتماعی قرار دارد.

**شاخص اول:** شاهد قوی برای این مدعا، وجود جامعه مدنی قوی، زنده و پرنرژی در آن کشور است. تقریباً ۸۰ درصد از همه بزرگسالان در سوئد عضو یک باشگاه یا انجمن هستند و حدود نیمی از این افراد بزرگسال کارهای داوطلبانه‌ای را در سازمان‌های متنوع و مختلف غیرانتفاعی در آن کشور انجام داده و یا می‌دهند. سازمان‌های داوطلبانه‌ای که بیشترین اعضا را در سوئد جذب می‌کنند عبارتند از: سازمان‌های اتحادیه‌ای، سازمان‌های تجاری، باشگاه‌های ورزشی، انجمن‌های تفریحی و انجمن‌های خانه‌داران.

بزرگ‌ترین این سازمان‌ها، کلیسای سوئد<sup>۱</sup> است. اگرچه نسبت افرادی که حداقل عضو یک انجمن هستند طی دهه گذشته کاهش یافته است، نشانه‌هایی از حرکت بیشتر به سوی نوعی از تخصص‌گرایی در فعالیت‌های برخی از سازمان‌های جامعه مدنی در سوئد به چشم می‌خورد. در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی، سطح «دربگیری»<sup>۲</sup> و مشارکت مردم در جامعه مدنی سوئد زبانزد خاص و عام است.<sup>۳</sup>

**شاخص دوم:** از سنجش‌های مؤید وضعیت قوی انسجام اجتماعی در سوئد، حس بالای مردم در هم ذات پنداری و یکی بودن با جامعه در آن کشور است. اکثریت سوئدی‌ها خودشان را عضوی جدایی‌ناپذیر و در هم

---

1. Church of Sweden  
2. Engagement  
3. Harding, 2012.

تنبه شده از جامعه تلقی کرده و در مقایسه با دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا افراد بسیار کمتری خود را فراموش شده و مطرود به حساب می‌آورند (تنها ۸ درصد کل جمعیت کشور).<sup>۱</sup>

**شاخص سوم:** برای سنجش میزان انسجام اجتماعی، اطمینان متقابل افراد در جامعه نسبت به یکدیگر (اعتماد اجتماعی) است. این خصیصه به‌ویژه در جوامع مدرنی که در آنها تقسیم کار گسترده اتفاق افتاده است، بسیار حیاتی و حائز اهمیت است. اعتماد اجتماعی همچنین بخش مهمی از سرمایه اجتماعی هر کشور محسوب می‌شود. تحقیقات در سوئد نشان می‌دهد که ارتباط نزدیکی میان سطح اعتماد در جامعه و شاخص‌های دیگری نظیر رشد اقتصادی، کاهش جرم و جنایت، فساد کمتر، برابری اقتصادی و نهادهای دولتی کارآمدتر وجود دارد. در کل میزان اعتماد اجتماعی یکی از بهترین شاخص‌ها برای ارزیابی وضعیت انسجام اجتماعی در هر کشور است.

انستیتو Som در سوئد<sup>۲</sup> به‌صورت مرتب مشغول سنجش اعتماد اجتماعی در سوئد است. نتایج ارزیابی‌های این مؤسسه در ۱۵ سال اخیر نشان می‌دهد که حدود ۵۵ تا ۶۰ درصد مردم سوئد بیشترین میزان اعتماد (۷-۱۰) را به یکدیگر دارند و تنها ۱۰ درصد از مردم اعتماد کمی (۳-۰) به یکدیگر دارند و بقیه سوئدی‌ها نیز در این خصوص در دامنه اعتمادسنجی (۴-۶) قرار می‌گیرند.<sup>۳</sup> همچنین براساس پیمایشی که توسط دو سازمان «پیمایش ارزش‌های جهانی» و «پیمایش ارزش‌های اروپایی»<sup>۴</sup> در فاصله زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ در خصوص اعتماد اجتماعی در سوئد و دیگر کشورهای OECD انجام گرفت، بیش از ۷۱ درصد از سوئدی‌ها اظهار داشتند که می‌توان به بیشتر مردم اعتماد کرد. در این پیمایش تنها دو کشور دانمارک و نروژ با اختلاف اندکی بالاتر از مردم سوئد در ارزیابی شاخص میزان اعتماد اجتماعی در جامعه قرار گرفتند.<sup>۵</sup>

**شاخص چهارم:** برای سنجش میزان انسجام اجتماعی، درک مردم از میزان تنش بین گروه‌های مختلف در سطح جامعه و حکومت است. حدود دو سال قبل کمیسیون اروپایی مطالعه‌ای را ترتیب داد و میزان درک مردم اروپا از سطح تنش گروه‌های مختلف نظیر پیر و جوان، مدیر و کارمند، فقیر و غنی و نیز بین گروه‌های مختلف قومی را سنجش کرد. نتایج این مطالعه نشان داد که تنها ۹ درصد از مردم سوئد احساس می‌کنند که شکاف نسلی و تنش شدید میان جوانان و بزرگسالان در آن کشور وجود دارد. متوسط این رقم در دیگر کشورهای اتحادیه اروپا ۱۵ درصد است. در خصوص رابطه میان مدیر و کارمند نیز وضعیت سوئد خوب است و ۱۲ درصد از مردم سوئد تصور می‌کنند که تنش شدید میان مدیران و کارمندان در ادارات وجود دارد. تنها کشوری که در این خصوص وضعیت بهتری از سوئد دارد، کشور

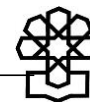
1. European Commission, 2010b.

2. The SOM Institute in Sweden

3. Green & Janmaat, 2011.

4. European Values Survey

5. World Values Survey/European Values Survey, wave 5, 2005–2009.



دانمارک با ۵ درصد از جمعیت آن است. متوسط این رقم در اتحادیه اروپا ۳۰ درصد است و در کشورهای نظیر یونان، مجارستان و فرانسه میزان افرادی که تصور می‌کنند تنش شدید میان مدیران و کارمندان در ادارات وجود دارد بالغ بر ۵۰ درصد می‌شود.<sup>۱</sup>

همچنین درصد افرادی که در سوئد تصور می‌کنند تنش شدید در رابطه بین اغنیا و فقرا وجود دارد، از بیشتر کشورهای عضو اتحادیه اروپا کمتر است (حدود ۱۸ درصد)، اگرچه همین میزان هم در مقایسه با آمار حس مردم از سطح تنش میان کارمندان و مدیران و نیز تنش میان جوانان و بزرگسالان (شکاف نسلی) نگران‌کننده و نسبتاً بالاست.

اما درک مردم از رابطه میان گروه‌های مختلف قومی در کشور سوئد وضعیت مساعدی ندارد. حدود ۴۵ درصد مردم سوئد تصور می‌کنند که تنش شدیدی در رابطه میان گروه‌های مختلف در کشور وجود دارد. نتایج یک بررسی دیگر در سال ۲۰۱۲ از ادراک مردم از رابطه میان گروه‌هایی با پیش زمینه‌های مختلف فرهنگی، مذهبی نشان داد که در حالی که به‌صورت متوسط ۵۶ درصد مردم اتحادیه اروپا احساس می‌کنند که این رابطه نسبتاً خوب و یا خیلی خوب بوده است، این رقم برای کشور سوئد ۵۲ درصد است و تنها ۴ درصد از مردم سوئد تصور می‌کنند که رابطه میان گروهی قومی مختلف خیلی بد است.<sup>۲</sup>

همچنین نسبت افرادی که احساس می‌کنند پذیرش مهاجران کمتر در سوئد فکر خوبی است کاهش یافته و از بیشترین مقدار ۶۵ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۴۱ درصد در سال ۲۰۱۱ کاهش یافته است.<sup>۳</sup> علاوه بر این ۶۰ درصد از مردم سوئد بر این باورند که اتحادیه اروپا باید با اتخاذ سیاست‌های تشویقی نیروی کار مهاجر بیشتری را از کشورهای غیراروپایی جذب کرده و از این طریق بر چالش‌های جمعیتی پیش‌رو و نیز پر کردن شکاف فزاینده در بازار کار کشورهای اروپایی غلبه کند. همچنین ۹۵ درصد از مردم سوئد در سال ۲۰۱۲ بر این باور بودند که اتحادیه اروپا باید به افرادی که در جستجوی پناهندگی هستند، پناهندگی اعطا کند.<sup>۴</sup>

مطالعات «بارومتر اروپایی»<sup>۵</sup> نشان می‌دهد که ۹۳ درصد مردم سوئد معتقدند که مهاجران باید از همان حقوقی برخوردار باشند که خود سوئدی‌ها از آن بهره می‌برند. همچنین ۸۱ درصد از سوئدی‌ها احساس می‌کنند که مهاجران هم بر غنای اقتصادی و هم بر غنای فرهنگی سوئد می‌افزایند. همه این آمارها در سوئد بالاتر از متوسط کشورهای عضو اتحادیه اروپایی است.<sup>۶</sup>

تمام مواردی که در بالا ذکر شد روی هم‌رفته نشان می‌دهد که وضعیت انسجام اجتماعی در سوئد

1. European Commission, 2010b.
2. European Commission, 2012a, p. T7.
3. Demker, 2012.
4. European Commission, 2012a.
5. Eurobarometer
6. European Commission, 2010b.

عموماً قوی و مساعد محسوب می‌شود. بیشتر مردم به یکدیگر اعتماد دارند و تعداد کمتری از آنها حس می‌کنند که باید از جامعه دوری گزینند و یا حس طردشدگی از سوی جامعه دارند. بسیاری از سوئدی‌ها به صورت نسبی در جامعه مدنی قوی و پویای سوئد فعال بوده و رواداری در آن کشور نسبت به گروه‌هایی با پیش‌زمینه‌های متفاوت فرهنگی، دینی و یا قومی بالاست و در کل به صورت نسبی افراد کمتری احساس می‌کنند که چالش جدی میان گروه‌های متفاوت وجود دارد. علاوه بر اینها نرخ جرم و جنایت در سوئد بسیار پایین است و بیشتر مردم در مکان‌ها و فضاهای عمومی احساس امنیت می‌کنند. نتایج مطالعات و پیمایش‌های متعدد این ادعاها را تأیید می‌کند، به‌ویژه وضعیت اعتماد اجتماعی در سوئد و دیگر کشورهای حوزه اسکاندیناوی در مقایسه با استانداردهای جهانی بسیار بالا و درخشان است.

با این حال علامت‌های نگران‌کننده‌ای نیز وجود دارد.

یکی از این علامت‌ها درک مردم از تنش میان گروه‌هایی با پیش‌زمینه‌های متفاوت ملی، فرهنگی و قومی است.

همچنین علامت‌هایی دال بر کاهش اعتماد اجتماعی در میان جوانان مشاهده می‌شود.

نشانه سوم، روند مشهود گرایش به سمت ناهمگنی بیشتر و اختلافات بیشتر میان گروه‌های متفاوت است و این مسئله با جایگاه ضعیف‌تر برخی گروه‌های خاص در بازار کار و حذف آنها از جامعه مرتبط می‌شود.

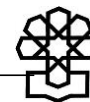
### چالش‌های جدید و افزایش نابرابری میان گروه‌های مختلف

برخی از فرآیندها و تغییرات در سوئد در حال وقوع است که به صورت بالقوه می‌تواند اختلافات را بیشتر و سطح تماس میان گروه‌های مختلف را کمتر کند. پیامد این اتفاق، شکل‌گیری چالش‌های جدید برای انسجام اجتماعی در سوئد خواهد بود. اساسی‌ترین این چالش‌ها عبارتند از: عدالت اقتصادی، تنوع قومی و فرهنگی روزافزون، شکاف آموزشی، بخشی شدن فزاینده محیط رسانه‌ها و پویا ماندن جامعه مدنی.

یکی از ستون‌های اساسی انسجام اجتماعی در سوئد بالا بودن سطح عدالت اقتصادی است. این اتفاق از طریق جذب و اشتغال حداکثری همه افراد جامعه و کسب درآمد میسر می‌شود. یک چالش اساسی برای آینده سوئد تلاش بیشتر برای کسب اطمینان از در دسترس بودن فرصت‌های شغلی برابر برای همه سوئدی‌هاست. از این طریق ریسک تضعیف انسجام اجتماعی کاهش می‌یابد و تداوم‌پذیری اجتماعی و اقتصادی جامعه نیز تقویت می‌شود. چالش اصلی در این راه بدیهی انگاشتن وجود عدالت اقتصادی و انسجام اجتماعی و عدم تلاش در راستای بهبود وضعیت این شاخص مهم در آینده سوئد است.

### تنوع قومی و فرهنگی و انسجام اجتماعی

چالش بالقوه دیگری که فرآروی انسجام اجتماعی در آینده سوئد است به رابطه میان گروه‌هایی با



پیش‌زمینه‌های متفاوت ملی، فرهنگی، مذهبی و یا قومی برمی‌گردد. امروزه سوئد کشوری با شکل و شمایل مهاجرتی و مهاجرپذیر بوده و ساکنانی با صبغه‌های ملی، فرهنگی و قومی گوناگون دارد. این اتفاق باعث غنی‌تر شدن اقتصاد، فرهنگ و جامعه سوئد شده است. ولی در زمینه فرآیند ادغام، کشور سوئد با مشکلاتی مواجه است.

مطالعات زیادی در خصوص ارتباط میان پیش‌زمینه قومی و شاخص‌های انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی در سوئد - نظیر اعتماد عمومی و تمایل به پرداخت مالیات برای تأمین هزینه‌های رفاه عمومی - در سوئد و بعضاً با نتایج متناقض صورت گرفته است. البته شاید یکی از دلایل این تناقض‌ها، ماهیت مفهوم چند سطحی تنوع قومی و تعاریف و برداشت‌های مختلف از آن است. یک مشکل دیگر از این واقعیت نشئت می‌گیرد که این تحقیقات در کشورهای متفاوت صورت گرفته است و سطح ادغام اقتصادی و سیاسی - در کنار بسیاری از عوامل دیگر - از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند. در نتیجه مقایسه مطالعاتی که در کشورهای مختلف و در زمان‌های مختلف صورت گرفته است، ماهیتاً امری پیچیده است. در سوئد، علامت‌های کمتری مبنی بر عدم تمایل افراد با پیش‌زمینه غیرسوئدی برای ادغام در جامعه مشاهده می‌شود و همچنین اکثریت شهروندان سوئدی گرایش بازتری نسبت به پذیرش خارجی‌ها در میان خود دارند. با این حال کاستن از حس انزوا و کناره‌گیری غیرسوئدی تبارها چالشی اصلی برای این کشور در آینده است. چالش دیگر باید معطوف به افزایش تماس میان گروه‌های متفاوت مردم باشد. این تلاش‌ها هم باید معطوف به افزایش تعامل میان مهاجران با سوئدی‌ها باشد و هم در میان گروه‌های متفاوت در خود جامعه سوئد. امروزه از هر ۳ سوئدی یک نفر ادعا می‌کند که هرگز مراددهای با مهاجران از کشورهای غیراروپایی برقرار نمی‌کند و حدود نیمی از سوئدی‌ها مدعی‌اند که به ندرت با مهاجران غیراروپایی نشست و برخاست می‌کنند.<sup>۱</sup>

نشانه دیگر این است که بسیاری از مهاجران حس طرد شدن از جامعه سوئد را دارند. حتی کسانی که برای چندین دهه در سوئد کار و زندگی کرده‌اند.

یک مشکل دیگر تفکیک منازل و محله‌های مهاجرین است. اگرچه مهاجران همواره در جستجوی زندگی در مناطقی بوده‌اند که نزدیکان و هموطنان آنها در آن محله‌ها سکونت دارند، اما جدایی فیزیکی خانه و محله مهاجران اغلب به جدایی ذهنی آنها از دیگر سوئدی‌ها منتهی می‌شود. مشکل زمانی حادث می‌شود که بدانیم مناطقی که بیشترین ساکنان با پیش‌زمینه خارجی را دارند، همچنین مشکلات اجتماعی، نرخ بالای بیکاری، درآمد کم و محرومیت‌های اجتماعی بیشتری را تجربه می‌کنند.<sup>۲</sup> این تهدید وجود دارد که در آینده هم جدایی‌های فضایی (فیزیکی) و هم جدایی‌های ذهنی تشدید شده و فرآیند ادغام پیچیده‌تر و سخت‌تر شود.

1. Mella & Palm, 2012.

2. Joyce, 2013; Levay, 2013.

چالش مهم دیگر به «تصویر از خود»<sup>۱</sup> سوئدی‌ها و معنای سوئدی بودن برمی‌گردد. همچنان که قبلاً نیز ذکر شد کشور سوئد در دهه‌های اخیر به کشوری مهاجرخیز تبدیل شده و مدت‌های طولانی است که دارای جمعیت همگن و یکدست نیست. این قضیه نه تنها در خصوص ریشه و تبار ساکنان سوئد مصداق دارد، بلکه درباره چیزهای دیگر همانند ارزش‌ها، سبک زندگی، شباهت‌ها و تفاوت‌ها نیز کمابیش پابرجاست. امروزه سوئد در همه زمینه‌ها ناهمگن‌تر شده و راه‌های زیادی برای سوئدی بودن وجود دارد. به‌رغم این هنوز هم افراد زیادی هستند که آگاهانه یا ناآگاهانه سوئدی بودن را نه بر مبنای شهروندی، بلکه بیشتر با علامت‌گذاری‌ها و نشانه‌های خارجی می‌سنجند. همچنین افراد زیادی هستند که کماکان نژاد و قومیت را تغییرناپذیر دانسته و مهمترین عامل در تعیین هویت اشخاص در نظر می‌گیرند. در حالی که افراد هویت‌های متنوعی دارند و نژاد و محل تولد آنها لزوماً مهمترین جنبه و ملاک در تعیین هویت آنها نیست. هویت‌ها و ربط نژادی نیز همانند فرهنگ می‌توانند تغییر کنند.

برای جمع‌بندی می‌توان گفت که تنوع بیشتر در پیش‌زمینه‌های فرهنگی، ملی و اجتماعی افراد می‌تواند یک چالش اساسی بر سر راه انسجام اجتماعی در آینده سوئد باشد. این تنوع بیشتر، به معنای دقیق کلمه چالش اصلی نیست. بلکه مشکل زمانی است که جدایی‌های فیزیکی و ذهنی، کاهش تماس‌ها و تعاملات اجتماعی میان کشورهای متفاوت، درک مضیق و ناقص از سوئدی بودن، محرومیت‌های اجتماعی، حذف از بازار کار و فرصت‌های شغلی تبدیل به مسئله‌ای عادی و قابل پذیرش در میان همگان شود.

### آموزش و پرورش و انسجام اجتماعی

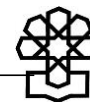
آموزش مدارس و کیفیت آنها یکی از مهمترین مسائل در این خصوص است. مدارس از طریق فراهم آوردن محیطی که در آن بچه‌هایی با پیش‌زمینه‌های اجتماعی متفاوت می‌توانند در آن با یکدیگر آشنا شده، به تبادل تجارب و ایده‌ها با یکدیگر پرداخته و ارزش‌ها و مهارت‌های یکسانی را می‌آموزند، اهمیت بسیار زیادی در تقویت انسجام اجتماعی دارند. مدارس از طریق کمک به بسیج اجتماعی و برانگیختن حس مشارکت، همبستگی بیشتری را در طی زمان به وجود می‌آورند. ماهیت کیفی نظام آموزشی در سوئد و دیگر کشورهای حوزه اسکاندیناوی - که در سطح جهان در زمره بهترین‌ها هستند - نیز به منزله یک پیش‌نیاز ضروری برای تشکیل و تحکیم انسجام اجتماعی در این کشور محسوب می‌شود.

بعضاً اظهار نگرانی شده است که تعادل میان مدارس در سوئد در حال کاهش است و «آزانس ملی آموزش و پرورش»<sup>۲</sup> در برخی از مطالعات خود به این نتیجه رسیده که نابرابری‌های آموزشی در شهرها، مدارس و کلاس‌های درسی بیشتر شده است.<sup>۳</sup> همزمان به ندرت می‌توان نشانه‌ای دال بر افزایش اهمیت

1. Self-image

2. Swedish National Agency for Education

3. Swedish National Agency for Education, 2012.



پیش‌زمینه خانوادگی و یا سطح تحصیل والدین بر عملکرد دانش‌آموزان پیدا کرد. جامع‌ترین مطالعه در کشور سوئد که بازه زمانی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۰ را دربرمی‌گیرد، نشان می‌دهد که اهمیت پیش‌زمینه خانوادگی در میزان اختلاف در نمره نهایی فارغ‌التحصیلان مدارس ابتدایی طی این سال‌ها کمابیش ثابت مانده است.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر این پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت‌ها میان مدارس بیشتر شده است. در حالی که تغییری در تأثیر پیش‌زمینه خانوادگی رخ نداده است. توضیح این اتفاق، خیلی آسان و واضح نیست اما شاید یک دلیل این باشد که اصلاحات متعدد در مدارس و گرایش‌ها به سمت توسعه، مسائل را در جهت‌های گوناگون جابجا کرده است. با این حال مدارس خصوصی نقش مفیدتری در آماده‌سازی کودکان برای ورود به جامعه و رویارویی با مسائل متفاوت در سوئد بازی می‌کنند.

اگر انتخاب مدرسه مناسب برای ثبت نام فرزندان سوئدی در آینده از اهمیت بیشتری برخوردار شود، این مسئله به نوبه خود می‌تواند چالشی فراروی انسجام اجتماعی قرار دهد، به‌ویژه اگر توانایی در انجام یک انتخاب سنجیده برحسب دیگر نابرابری‌ها در دسترسی به منابع تفاوت بکند. اینجاست که باید از نزدیک بر اوضاع نظارت کرده و مانع از تبدیل آن به یک چالش بزرگ در آینده سوئد شد. برای افزایش انسجام اجتماعی، کاملاً ضروری است که مدارس بدون اعمال هرگونه تبعیض صرفنظر از اینکه دانش‌آموزان از چه نوع خانه و خانواده‌ای آمده‌اند، سوئدی هستند و یا اینکه دارای پیش‌زمینه خارجی‌اند و اینکه مدارس خصوصی هستند یا دولتی؛ فرصت‌های یکسانی را برای آموزش و رشد در اختیار همه دانش‌آموزان قرار دهند.

### بخشی شدن روزافزون چشم‌انداز رسانه‌ای

مردم سرتاسر کشور سوئد از طریق مصرف رسانه‌های خبری مشترک و یا رسانه‌های خبری که تصویر یکسانی از واقعیت را به دست می‌دهند، اطلاعات و درک مشترکی از رخدادها در حال وقوع به دست می‌آورند. سؤالی که باید پاسخ داده شود از این قرار است: در صورت استفاده روزافزون مردم از رسانه‌هایی با اهداف خاص که در آن کمابیش واقعیت مورد تحریف قرار می‌گیرد و در آن تأکید بر وجوه افتراق در میان اعضای جامعه بیشتر از وجوه اشتراک باشد، چه اتفاقی برای حس ملی اجتماع و انسجام اجتماعی و همبستگی اجتماعی رخ می‌دهد.

### نقش جامعه مدنی در تقویت انسجام اجتماعی

جامعه مدنی و زنده بودن و تحرک آن با انسجام اجتماعی بسیار مرتبط است. سؤال مهم این است که جامعه مدنی در آینده سوئد با چه چالش‌هایی مواجه خواهد بود.

---

1. Anderstig, 2012, p. 13.

سه چالش اصلی در این راستا مهم جلوه می‌کند:

**چالش اول** این است که سازمان‌های جامعه مدنی در آینده تا چه میزان می‌توانند برای جذب نیرو و بسیج مردم برای پیشبرد فعالیت‌های خودشان موفق عمل کنند.

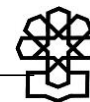
**چالش دوم** درباره امکان مهیا کردن فرصت برای افرادی با پیش‌زمینه‌های متفاوت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای ملاقات با یکدیگر، شناخت یکدیگر و کار با یکدیگر فراتر از خطوط از پیش ساخته شده گروهی است. این اتفاق هم‌اکنون در سوئد در مقیاس وسیع روی داده است، اما نشانه‌هایی از کاهش تماس میان گروه‌های متفاوت داوطلب در سطح جامعه سوئد مشاهده می‌شود و نیز این نشانه که انجمن‌های داوطلبانه در برخی از قسمت‌های حاشیه‌نشین در شهرهای بزرگ به صورت جدا و منفک از دیگر بخش‌های جامعه عمل می‌کنند. برای نیل به تقویت انسجام اجتماعی در آینده سوئد؛ نه تنها باید افزایش تماس میان اعضای هر گروه رخ دهد، بلکه باید از افزایش این تماس‌ها و تعاملات میان گروه‌های مختلف در سطح جامعه اطمینان کسب کرد.

**چالش سوم** بیشتر به این مسئله برمی‌گردد که تخصص‌گرایی در برخی از سازمان‌های خاص در جامعه مدنی به گونه‌ای تداوم یافته است که احتیاج و فضا برای فعالیت‌های داوطلبانه مردم عادی تحت‌الشعاع آن قرار گرفته است.

در آینده چگونگی روابط افراد با یکدیگر نه تنها بر انسجام اجتماعی در زندگی روزمره آنها تأثیر می‌گذارد، بلکه با مسائلی نظیر خوشبختی، سلامت فیزیکی و بقای افراد نیز می‌تواند مرتبط باشد. همچنین انزوای اجتماعی در آینده می‌تواند به اندازه ریسک فاکتورهایی نظیر مصرف دخانیات و الکل، خطر سلامت برای انسان‌ها دربرداشته باشد. زمانی که مردم با دیگر گروه‌ها در ارتباط باشند و در قبال آنها احساس مسئولیت کنند، زندگی آنها هدف‌دارتر و بامعناتر شده و این به نوبه خود باعث می‌شود از خود مراقبت بیشتری کنند و ریسک‌های کمتری را به جان بخرند. یک مثال درباره تأثیرات مثبت برقراری ارتباط با دیگران در سلامت ذهنی و روانی خود افراد این است که مطابق تحقیقات به عمل آمده در سوئد ۹۰ ساله‌هایی که دارای ارتباط خانوادگی خوب و نیز شبکه گسترده دوستی و ارتباط با دیگران هستند خیلی کمتر از دیگران به بیماری‌های ذهنی نظیر آلزایمر و پارکینسون مبتلا می‌شوند.<sup>۱</sup>

بنابراین یک کار مهم در آینده کسب اطمینان از برقراری و تقویت پیوندهای نزدیک بین افراد خانواده و نیز بین حلقه دوستان است. ارتباط والدین با بچه‌ها باید صمیمانه و نزدیک باشد و ارتباط خود آنها با یکدیگر - حتی پس از طلاق - سالم و خوب باقی بماند. به‌خصوص این مسئله از آنجایی اهمیت پیدا می‌کند که پیوندهای خانوادگی خوب و بادوام تحت تأثیر تفاوت‌ها در آموزش و پرورش و وضعیت مالی قرار می‌گیرند و به نوبه خود بر آنها تأثیر می‌گذارند.

1. Edling & Rydgren, 2012.



## نتیجه‌گیری

حس تعلق مردم به اجتماع صرفنظر از همه اختلافاتی که با یکدیگر دارند، عاملی حیاتی در شکل‌گیری یک جامعه منسجم است: در جامعه‌ای که افراد در آن به یکدیگر اعتماد متقابل دارند رواداری آن بالاست و اختلافات و فاصله میان گروه‌های مختلف جزئی تلقی می‌شود، حس مشارکت در آن قوی است و حس هویت مشترک و داشتن سرنوشت مشترک در میان اعضای آن بالاست. در نتیجه انسجام اجتماعی عاملی بسیار مهم و پیشران در کارکرد و حرکت صحیح جامعه است.

با وجود این هنگام بررسی چالش‌های آینده که فراروی انسجام اجتماعی قرار دارند با این مشکل خاص مواجه می‌شویم که هم شرایط عینی و هم تجارب و برداشت‌های ذهنی در این خصوص مهم تلقی می‌شوند و این همه در حالی است که کشورهای مختلف در مقاطع زمانی گوناگون رویکردهای متفاوتی را نسبت به پدیده انسجام اجتماعی دارند.

یک کار سخت دیگر، ایجاد موازنه میان انسجام اجتماعی، آزادی‌های فردی و تکثرگرایی است. کلیه افراد نیاز غریزی دارند که به‌طور همزمان هم به یک کل بزرگ‌تر احساس تعلق داشته باشند و هم استقلال عمل خودشان را حفظ کنند. از طرفی انسجام خیلی کم می‌تواند موجب اختلاف و تفرقه در جامعه شود. انسجام خیلی زیاد نیز از طرف دیگر می‌تواند خطر دنباله‌روی محض و حس خفقان را در پی داشته باشد.

جوامع مختلف، راه‌های متفاوتی برای تراز این احتیاجات و نیروهای رودررو پیدا می‌کنند. همچنین الگوها نیز می‌تواند در طول زمان تغییر کند. در نتیجه کاملاً ممکن و محتمل است که آن دسته از عواملی که بیشترین ربط را با پدیده انسجام اجتماعی در سوئد در حال حاضر دارند، در آینده نقش و تأثیر کمتر و یا بیشتری داشته باشند. هم شرایط و تفاوت‌های عینی میان گروه‌ها حائز اهمیت است و هم تجارب و برداشت‌های ذهنی. اما هر فردی در طول زمان‌های مختلف می‌تواند نظرات متفاوتی نسبت به کم‌وکیف تأثیر این تفاوت‌ها بر حس تعلق خود به همان اجتماع داشته باشد.

همچنان که در این فصل نشان داده شد، هم‌اکنون انسجام اجتماعی در سوئد قوی است. با این حال چالش‌های متعددی فراروی سوئد است. چالش‌هایی نظیر طرد اجتماعی، فقدان و یا کاهش سطح تماس میان گروه‌های مختلف و در برخی مواقع شکل‌گیری تفاوت‌های بیش از اندازه میان این گروه‌ها. علاوه بر این بسیاری از نمادها، نهادها و تجربه‌هایی که در شکل‌گیری چارچوب‌های مشترک در میان بخش‌های مختلف جامعه کمک می‌کردند، امروزه تغییر ماهیت داده و یا تضعیف شده‌اند.

اگرچه امروزه در کشور سوئد انسجام اجتماعی روی‌هم‌رفته قوی است، اما یک مشکل بزرگ وجود گروه‌هایی است که احساس می‌کنند از سوی جامعه به بازی گرفته نمی‌شوند، یا از ادامه وضعیت کنونی جامعه در معرض تهدید قرار می‌گیرند و یا به نهادهای گوناگون دولتی حس توأم با بی‌اعتمادی دارند.

این مسائل می‌تواند چالشی بزرگ را در برابر آینده انسجام اجتماعی در سوئد قرار دهد. به‌ویژه اگر افراد حس نکنند که می‌توانند بر روی وضعیت و سرنوشت خودشان تأثیرگذار باشند. چالش اساسی برای انسجام اجتماعی در آینده کشور سوئد، یافتن راهکارهایی برای مقابله با این مسائل و مشکلات است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

#### نتیجه‌گیری

سوئد و جهان تغییرات شگرفی را به‌ویژه در رابطه با مسائلی مانند رشد جمعیت، فناوری، جهانی شدن، رفاه، آزادی در انتخاب، ارتباطات و گرایش‌های مختلف نسبت به محیط زیست تجربه کرده‌اند. مطالعات آینده‌پژوهانه در سوئد درست پس از پایان جنگ جهانی دوم ظاهر شد. بازیگران پرتعداد و متنوعی در مطالعات آینده‌پژوهی سوئد درگیر بوده و به‌صورت تعاملی با یکدیگر کار می‌کنند. یکی از مهمترین بازیگران حیطه آینده‌پژوهی-در سطح ملی- نهادهای نزدیک به مراکز قدرت و تصمیم‌گیری است. اتحادیه‌های تجاری، احزاب سیاسی، سازمان‌های حرفه‌ای، سمن‌ها و انجمن‌های دیگر نیز در مباحث سیاسی و بحث و تبادل نظر در سوئد به شدت درگیر می‌شوند. این مؤسسات یا به‌صورت همکاری با کمیسیون‌های تحقیق و تفحص دولتی و یا مستقلاً از طریق تشکیل اتاق‌های فکر خودشان در کار پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای آینده هستند.

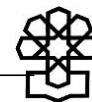
در نوامبر ۲۰۱۱ «کمیسیون آینده‌پژوهی سوئد» به دستور دفتر نخست‌وزیری تشکیل شد. وظیفه کمیسیون آینده‌پژوهی که فعالیت آن مدت یک‌سال و نیم طول کشید، تعیین چالش‌هایی بود که کشور سوئد تا سال ۲۰۵۰ احتمالاً با آنها مواجه خواهد شد.

دولت سوئد از کمیسیون خواسته بود که در ۶ حوزه اصلی ذیل به شناسایی مشکلات آینده سوئد

بپردازند:

۱. چالش‌های جهانی شدن و توسعه فناورانه،
۲. چالش‌های توسعه پایدار،
۳. چالش‌های توسعه جمعیتی،
۴. چالش‌های مهاجرت و ادغام در بازار کار،
۵. چالش‌های دموکراسی و برابری جنسیتی،
۶. چالش‌های انسجام اجتماعی.

با بررسی جایگاه کشور سوئد در رتبه‌بندی‌های معتبر بین‌المللی به ناگزیر باید اذعان کرد که سوئد کشوری بسیار مناسب برای کار و زندگی کردن است. اما موفقیت در گذشته تضمینی برای موفق ماندن



در آینده نیست. استمرار وضعیت مناسب کنونی در آینده سوئد مستلزم هوشیاری نسبت به چالش‌های پیش‌رو و آمادگی لازم برای مواجهه با آنهاست.

جهانی شدن و توسعه فناورانه متضمن چالش‌هایی برای آینده سوئد است. نتایج و پیامدهای پیشرفت‌های فناورانه، غالباً سخت قابل پیش‌بینی هستند و معمولاً با خود سئوالات اخلاقی و عملی پیچیده‌ای را به همراه می‌آورند. همچنین ترکیبی از فرآیند جهانی شدن و پیشرفت‌های فناورانه موجب وقوع تغییراتی در بازار کار و صلاحیت‌ها و توانایی‌های افراد می‌شوند. چالش‌های اساسی در پیش‌روی سوئد است. سوئد باید مسیر را برای ایجاد مشاغل جدید، صنایع و بخش‌هایی که حتی تصور آنها اکنون برای ما مشکل است، هموار کند.

توسعه پایدار تنها از منظر توسعه اکولوژیکی بررسی نمی‌شود و نمی‌توان این مقوله را از دیگر موضوعات در جامعه منفک کرده و به صورت انتزاعی بررسی کرد. اگر بخواهیم به توسعه پایدار دست یابیم، باید جامعه و مسائل آن را به صورت یک کل درهم تنیده یعنی به عبارت دیگر یک اکوسیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اکولوژیکی، و فرهنگی که در آن اجزای مختلف با یکدیگر مرتبط بوده و روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند، ببینیم و درک کنیم.

تعدادی از اصلی‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی در آینده عبارتند از:

- جنگل‌زدایی،
- اکوسیستم اقیانوس‌ها،
- کمبود دسترسی به آب و منابع آبی،
- آینده تأمین مواد غذایی،
- افزایش بسامد وقوع فجایع طبیعی و خسارات ناشی از آب و هوای بد،
- عدم قطعیت پیش‌بینی‌ها.

به موازات افزایش درک ما از محیط زیست و ارتباط میان محیط زیست و رفاه انسان‌ها، ما با چالش‌های جدیدی مواجه می‌شویم. سوئد برای رسیدن به اقتصاد سبز و رشد سبزتر تغییراتی را در نظام مالیاتی خویش ایجاد کرده و نظام مالیاتی سبز را از طریق کاهش مالیات بر کار و وضع مالیات بر آلاینده‌هایی از قبیل دی‌اکسید کربن وضع کرده است.

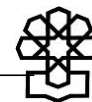
در خصوص چالش‌های توسعه جمعیتی، سوئد طی یک قرن از کشوری نسبتاً فقیر با جمعیتی بالغ بر همگن و عمدتاً روستایی، به کشوری ثروتمند با جمعیتی متنوع و ناهمگن با یکی از بالاترین نرخ‌های امید به زندگی در جهان تبدیل شد. این اتفاق علاوه بر اینکه موفقیتی بزرگ برای سوئد محسوب می‌شود، همزمان چالش‌هایی را برای آینده سوئد با خود به همراه دارد. چگونگی اثرگذاری توسعه جمعیتی بر توسعه اقتصادی-اجتماعی، تأمین مالی دولت رفاه و عرضه مهارت‌ها در حوزه‌های عمومی و خصوصی برخی از اصلی‌ترین چالش‌هاست.

اینکه عامل مهاجرت و چالش‌های مترتب بر آن تا چه میزان در توسعه سوئد در آینده نقش ایفا می‌کند بستگی زیادی به چگونگی ادغام مهاجران در جامعه سوئد دارد. اگر فرآیند ادغام به‌صورت صحیح انجام نگیرد، مشکلات و تنش‌های اقتصادی و اجتماعی در آینده سوئد اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. هر اندازه میزان ادغام اقتصادی و فرهنگی مهاجرین در جامعه سوئد بیشتر شود، امتیازهای مترتب بر آن هم برای مهاجران و هم برای سوئد بیشتر خواهد شد. ترجمان این ادغام بهتر در بازار کار و جامعه سوئد برای مهاجران، داشتن حس آزادی و استقلال بیشتر و وضعیت مالی مناسب‌تر است. برای سوئد به‌عنوان کشور پذیرای مهاجران، ادغام بهتر به معنای کاهش هزینه‌های عمومی، افزایش درآمدها و کاستن از رنج و مشقت افرادی است که مجبورند جور بازنشستگانی را بکشند که تا سال‌های سال باید از مواهب دریافت مستمری بازنشستگی و خدمات تأمین اجتماعی دیگر برخوردار شوند. ادغام بهتر در جامعه و بازار کار سوئد، همزمان حس طردشدگی، تبعیض و محرومیت را در جامعه کمتر کرده و از این طریق انسجام اجتماعی در کشور را تقویت می‌کند.

تضعیف احزاب سیاسی در سوئد، تغییرات در محیط رسانه‌ای و پیچیده‌تر شدن روزافزون فرآیند تصمیم‌گیری‌های سیاسی در آن کشور هر کدام متضمن چالش‌هایی برای آینده دموکراسی در سوئد بودند. اما وجه اشتراک تمامی این فرآیندها تأثیرگذاری مستقیم آنها در تعمیق و گسترش شکاف مشارکت سیاسی به‌ویژه در زمینه میزان درصد رأی‌دهندگان در انتخابات‌ها بوده است. در حال حاضر درباره وضعیت دموکراسی در سوئد جای نگرانی نیست. براساس آمار که از «پیمایش ارزش‌های جهانی» استخراج شده است بیش از ۹۸ درصد مردم سوئد عقیده دارند که دموکراسی شیوه «خیلی خوب» و یا «نسبتاً خوبی» برای حکمرانی بر کشور است. اما این اطمینان خاطر نباید هو شیاری و حراست از نهاد دموکراسی در آینده را بکاهد. آینده دموکراسی در سوئد با چالش‌های متعدد در حوزه‌هایی نظیر برابری سیاسی، مشارکت سیاسی، درک سیاست و جامعه و درجه نمایندگی بودن مواجه خواهد شد. برای کسب اطمینان از تداوم دموکراسی در نسل‌های جدید و آینده باید با این چالش‌ها مقابله کرد.

در رابطه با چالش انسجام اجتماعی، سوئد نیز همانند بسیاری از کشورهای دیگر طی دهه‌های گذشته در نتیجه عواملی نظیر جهانی شدن، فردگرایی و تنوع بیشتر دگرگون شده است. هم‌اکنون انسجام اجتماعی در سوئد قوی است. با این حال چالش‌های متعددی فراروی سوئد است. چالش‌هایی نظیر طرد اجتماعی، فقدان یا کاهش سطح تماس میان گروه‌های مختلف و در برخی مواقع شکل‌گیری تفاوت‌های بیش از اندازه میان این گروه‌ها. یک مشکل بزرگ وجود گروه‌هایی است که احساس می‌کنند از سوی جامعه به بازی گرفته نمی‌شوند، یا از ادامه وضعیت کنونی جامعه در معرض تهدید قرار می‌گیرند و یا به نهادهای گوناگون دولتی حس توأم با بی‌اعتمادی دارند.

## پیشنهاد

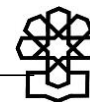


نکته بسیار حائز اهمیت در سیاستگذاری کشور ما در آینده بهره‌گیری از پتانسیل‌های بازار کار در سوئد است. با توجه به روندهای جمعیتی در سوئد و مسن‌تر شدن جامعه آن و اینکه این کشور در آینده با بحران نیروی کار در رشته‌هایی مانند آموزش دهنده‌های نیازهای خاص، پرستاری، دندانپزشکی، پرستاران کودک، آموزگاری شغلی خاص (فنی و حرفه‌ای) و مامایی (قابل‌گری) مواجه است و با علم به اینکه رقابت جهانی برای جذب جوانان دیگر کشورها به‌ویژه کسانی که دارای تخصص و مهارت و نیز تحصیلات عالی هستند در آینده سوئد افزایش خواهد یافت، شاید فرصت مناسبی برای دست‌اندرکاران ما باشد که با انعقاد تفاهمنامه‌های اعزام نیروی کار متخصص گامی برای رفع معضل بیکاری جوانان تحصیل‌کرده ایرانی بردارند، مضافاً اینکه جامعه ایرانی ساکن سوئد به لحاظ کمی و کیفی دارای جایگاه نسبتاً مناسبی در آن کشور هستند.

همچنین با توجه به اینکه در سوئد کمیسیونی برای آینده‌پژوهی در دفتر نخست‌وزیری برای بررسی و مطالعه چالش‌های فرآوری این کشور در آینده تشکیل شد، پیشنهاد می‌شود یک دفتر مطالعه آینده‌پژوهی در دولت برای مطالعه و درک درست از کم‌وکیف چالش‌های فراوانی که کشورمان هم اکنون و در آینده نیز با آن روبروست، تأسیس شود.

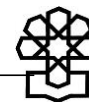
## منابع و مأخذ

1. ALFORD, ROGER P. 2008. The Nobel Effect: Nobel Peace Prize Laureates as International Norm Entrepreneurs. VIRGINIA JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW Vol. 49.
2. Arbetsförmedlingen (2010). Generationsväxlingen på arbetsmarknaden – i riket och i ett regionalt perspektiv. Stockholm: Arbetsförmedlingen.
3. Andren, N. 1981. Future studies and national security: The Swedish Experience. Cooperation and Conflict, XVI, 1981.
4. Arena för Tillväxt & Sweco EcoFutures (2012). Sveriges nya geografi. Stockholm: Arena för Tillväxt & Sweco EcoFutures.
5. Beck-Friis, Ulrika (2012). Arbetslusten tillbaka – röster Om att växla karriär. Underlagsrapport 7 till Framtidskommissionen. Stockholm: Fritzes. Timbro
6. Castells, Manuel (2009). Communication Power. New York: Oxford University Press.
7. Christensen, Kaare, Doblhammer, Gabriele, Rau, Roland & Vaupel, James W. (2009). Ageing populations: the challenges ahead. Lancet.
8. Commission on the Future of Sweden (2013) Future Challenges Facing Sweden. Prime Minister's Office (Government Offices of Sweden) Stockholm, Regeringskansliet 2013.
9. Demker, Marie (2012). Positiv Attityd Till Invandring Trots Mobilisering av Invandringsmotstånd. I Weibull, Lennart, Oscarsson, Henrik & Bergström, Annika (red.), I Framtidens Skugga (sid. 95–105). Göteborg: SOM-institutet, Göteborgs universitet.
10. Edling, Christofer & Rydgren, Jens (2012). De Personliga Nätverkens Betydelse. Framtider, nr 2/2012.
11. Ekman, Joakim (2012). Framtiden och Samhällets Grundläggande Värden. Underlagsrapport 6 till Framtidskommissionen. Stockholm: Fritzes.
12. European Commission (2010b). Special Eurobarometer 321. Poverty and Social Exclusion. Brussels: European Commission.
13. Eurostat (2012). Around 40% of the EU27 Population Live in Urban Regions... Newsrelease 51/2012.
14. FAO (2009). How to Feed the World in 2050. Rom: Food and Agriculture Organization of the United Nations.
15. FAO (2012b). The State of World Fisheries and Aquaculture 2012. Rom: Food and Agriculture Organization of the United Nations.
16. Freedom House (2012a). Freedom in the World 2012. The Arab Uprisings and Their Global Repercussions. Selected Date from Freedom House's Annual Survey of Political Rights. Washington, DC: Freedom House.
17. Futures \_ February 1975. Sweden: Government and Future Studies
18. Harding, Tobias (2012). Framtidens Civilsamhälle. Underlagsrapport 3 Till Framtidskommissionen. Stockholm: Fritzes.
19. Hérault, Bruno (2006), "Public Futures Studies: Themes and Variations", Foresight, Vol. 8 Iss 2.
20. Hojem, Petter (2013). På Vägen Till en Grönare Framtid – Utmaningar och Möjligheter. Delutredning Från Framtidskommissionen. Stockholm: Fritzes.



21. Holmberg, Sören & Oscarsson, Henrik (2004). *Väljare*. Stockholm: Norstedts Juridik.
22. Holmberg, Sören & Weibull, Lennart (2010). *Nordiskt ljus*. I Holmberg, Sören & Weibull, Lennart (red.), *Nordiskt ljus* (sid. 9–33). Göteborg: SOM-institutet.
23. IEA (2012). *World Energy Outlook 2012*. Paris: International Energy Agency.
24. Joyce, Patrick (2013). *Delaktighet i Framtiden – Utmaningar För Jämställdhet, Demokrati och Integration. Delutredning från Framtidskommissionen*. Stockholm: Fritzes.
25. McKinsey (2009). *Charting Our Water Future. Economic Frameworks to Inform Decision-Making*.
26. Mella, Orlando & Palm, Irving (2012). *Mångfaldsbarometern 2012*. Uppsala: Sociologiska Institutionen, Uppsala Universitet.
27. Millennium Ecosystem Assessment (2005). *Living Beyond Our Means. Natural Assets and Human Well-Being. Statement from the Board*.
28. NIC (2012). *Global Trends 2030. Alternative Worlds*. Washington, DC: National Intelligence Council.
29. OECD (2011b). *Mot Grön Tillväxt. Sammanfattning på Svenska*. [Oecd.org/dataoecd/41/49/47984513.pdf](http://Oecd.org/dataoecd/41/49/47984513.pdf).
30. OECD (2011c). *Towards Green Growth*. Paris: The Organisation for Economic Co-Operation and Development.
31. OECD (2012a). *OECD Environmental Outlook to 2050. The Consequences of Inaction*. Paris: The Organisation for Economic Co-Operation and Development.
32. OECD (2012c). *International Migration Outlook*. Paris: The Organisation for Economic Co-Operation and Development.
33. Paillard, Sandrine. *Futures Studies and Public Decision Making in Sweden. Foresight: the Journal of Futures Studies, Strategic Thinking and Policy; Bradford 8.5 (2006)*.
34. Petersson, Olof, Hernes, Gudmund, Holmberg, Sören, Togeby, Lise & Wängnerud, Lena (2000). *Demokrati Utan Partier?* Stockholm: SNS Förlag.
35. Shehata, Adam & Strömbäck, Jesper (2011). *A Matter of Context. A Comparative Study of Media Environments and News Consumption Gaps in Europe*. *Political Communication* 28(1).
36. *Statistisk Årsbok för Sverige / SCB – Statistiska Centralbyrån. – Stockholm: Statistiska Centralbyrån, 1914- . – (Sveriges Officiella Statistik) Volymbeteckning: Årg. 1(1914)-*
37. *Statistics Sweden (2009b). Integration – Utrikes Födda på Arbetsmarknaden*. Stockholm: Statistiska Centralbyrån.
38. *Statistics Sweden (2012). Sveriges Framtida Befolkning 2012–2060*. Stockholm: Statistiska Centralbyrån.
39. *Statistics Sweden (2013). Statistisk Årsbok för Sverige 2013*. Stockholm: Statistiska Centralbyrån
40. *Sweden.se, 2010. FACTS ABOUT SWEDEN: THE NOBEL PRIZE*
41. *Sweden.se, 2013. FACTS ABOUT SWEDEN: THE NOBEL PRIZE*
42. *Swedish Agency for Public Management (2012) Köpta Relationer. Om Korruption i det Kommunala Sverige*. Stockholm: Statskontoret.
43. *Swedish Association of Local Authorities and Regions (2010). Framtidens*

- Utmaning. Välfärdens Långsiktiga Finansiering. Stockholm: Sveriges Kommuner och Landsting.
44. Swedish Environmental Protection Agency (2010). Svensk Miljö i ett Europeiskt Perspektiv. Några Jämförelser i Anslutning Till EEA: s Rapport The European Environment – State and Outlook 2010. Stockholm: Naturvårdsverket.
  45. Swedish Environmental Protection Agency (2012c). Steg på Vägen. Fördjupad Utvärdering av Miljömålen 2012. Stockholm: Naturvårdsverket.
  46. Swedish Government (2010). Svenska Miljöma 1 – för ett Effektivare Miljöarbete. Regeringens proposition 2009/10:155. Stockholm: Miljödepartementet.
  47. Swedish Government Official Report, SOU 2007:60. Sverige Inför Klimatförändringarna – hot och.
  48. Swedish Government Official Report, SOU 2010:40. Cirkulär Migration och Utveckling – Kartläggning av Cirkulära Rörelsemönster och Diskussion om hur Migrationens Utvecklingspotential Kan Främjas. Delbetänkande av Kommittén för Cirkulär Migration och Utveckling. Stockholm: Fritzes.
  49. Swedish National Council for Crime Prevention (2009). Våldsamt Politisk Extremism. Antidemokratiska Grupperingar på Yttersta Höger- och Vänsterkanten. Stockholm: Brottsförebyggande Rådet och Säkerhetspolisen
  50. Swedish National Council for Crime Prevention (2012). Politikernas Trygghetsundersökning 2012. Förtroendevaldas Utsatthet och oro för hot, Våld och Trakasserier. Rapport 2012:14. Stockholm: Brottsförebyggande Rådet.
  51. Swedish Security Service (2010). Våldsbejakande Islamisk Extremism i Sverige. Stockholm: Säkerhetspolisen.
  52. The Institute for Futures Studies (Institute for Framtidsstudier). Available at: <http://www.iffs.se/en/about-us/history-of-the-institute/>
  53. UN (1987). Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future. New York: United Nations.
  54. UN (2012a). Resilient People, Resilient Planet: A Future worth Choosing. United Nations Secretary-General's High-level Panel on Global Sustainability. New York: United Nations.
  55. UNEP (2012). Global Environment Outlook: Environment for the Future We Want. Naoribi: United Nations Environment Program.
  56. Utrikespolitiska Institutet 2013. The Swedish Institute of International Affairs (UI), 1938-2013.
  57. Van Biezen, Ingrid, Mair, Peter & Poguntke, Thomas (2012). Going, Going... Gone? The Decline of Party Membership in Contemporary Europe. European Journal of Political Research, 51(1).
  58. WHO (2012). World Health Statistics 2012. Geneva: World Health Organization.
  59. World Bank (2006). Global Economic Prospects. Economic Implications of Remittances and Migration. Washington DC: The World Bank.
  60. World Bank (2011). Migration and Remittances. Factbook 2011. Second Edition. Washington DC: The World Bank.
  61. World Bank (2012). Turn Down the Heat. Why a 4° Warmer World must be Avoided. Washington, DC: The World Bank.
  62. World Economic Forum (2013). Global Risks 2013. Eight Edition. Geneva:



- World Economic Forum.
63. World Values Survey 1980–2008. Official Aggregate v.20090901, 2009. World Values Survey Association ([www.worldvaluessurvey.org](http://www.worldvaluessurvey.org)). Aggregate File Producer: ASEP/JDS, Madrid
  64. <http://captus.nu/captus-in-english/>
  65. <http://en.wikipedia.org/wiki/anders-sandberg>
  66. [www.eudoxa.se](http://www.eudoxa.se)
  67. [http://repository.upenn.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1011&context=think\\_tanks](http://repository.upenn.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1011&context=think_tanks)
  68. [www.think-tanks.guide/en/country/sweden](http://www.think-tanks.guide/en/country/sweden)
  69. [www.ui.se.eng/upl/files/118463.pdf](http://www.ui.se.eng/upl/files/118463.pdf)
  70. [www.timbro.se/en/about-timbro](http://www.timbro.se/en/about-timbro)
  71. <http://en.wikipedia.org/wiki/timbro>
  72. [www.tekniskframsyn.nu](http://www.tekniskframsyn.nu)
  73. [www.framtidsstudier.se](http://www.framtidsstudier.se)
  74. [www.regeringen.se](http://www.regeringen.se)
  75. [www.sweden.se](http://www.sweden.se)



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره تایی: ۱۵۵۱۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: آینده پژوهی در سوئد

نام دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی (گروه آینده پژوهی)

تهیه و تدوین: ابراهیم یوسفی راد

ناظر علمی: سید یونس ادیانی

متقاضی: ریاست مرکز

ویراستار ادبی: پرند فیاضی

واژه‌های کلیدی:

۱. آینده

۲. آینده پژوهی

۳. چالش‌ها

۴. کمیسیون آینده پژوهی سوئد

۵. کمیسیون لیندبک

۶. ایدوکسا

۷. انستیتو سوئدی روابط بین‌المللی (UI)

۸. انستیتو مطالعات آینده پژوهی

۹. کاپتوس

۱۰. سوئد



تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۰۶/۰۷